



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان آبادان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

الگوهای مناسب برای مقابله با تهاجم فرهنگی در زمینه ی خوراک، پوشاک و معماری

استاد داور:

سرکار خانم بلدی

استاد راهنما:

سرکار خانم زکیه فیاضی

پژوهشگر:

امیره اصل عموری

تابستان ۱۳۹۵





جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان آبادان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

الگوهای مناسب برای مقابله با تهاجم فرهنگی در زمینه ی خوراک، پوشاک و معماری

استاد داور:

سرکار خانم بلدی

استاد راهنما:

سرکار خانم زکیه فیاضی

پژوهشگر:

امیره اصل عموری

تابستان ۱۳۹۵

تحمیدیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَامِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَذِيهِ حَمْدًا
نَسْتَعِذُّ بِهِ فِي السَّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَنَصِيرُهُ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ سَبِيُوفِ أَعْدَائِهِ، وَأَنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

«صحیفه سجادیه، دعای اول»

تقدیمیه

تقدیم به کشتی نجات خلق، سرچشمه ی آب زندگانی، نورخدا که به وسیله ی این نور اهل هدایت به حق هدایت می شوند و به این نور فرج برای اهل ایمان حاصل می- شود و به دست و شمشیر مبارکشان، امام زمان (علیه سلام) پشت همه ی کافران و ملحدان و دشمنان دین در شرق و غرب عالم شکسته خواهد شد. «أَن شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»

تقدیر و تشکر

با سپاس فراوان از تمامی اساتید، کادر پژوهش و عزیزانی که بنده را با حوصله و دقت فراوان در تدوین این تحقیق یاری کردند به خصوص استاد راهنما و خانواه ی محترم که با مهر و محبت های بی پایان شان از ابتدای نوشتن و تا آخرین مرحله ی جمع آوری مطالب این تحقیق مشوق و همراهم بودند.

چکیده

موضوع: الگوهای مناسب برای مقابله با تهاجم فرهنگی در زمینه خوراک، پوشاک، معماری است. امروزه کشورهای ضد اسلامی غربی برای مقابله با ارزش های اسلامی از سلاح های فرهنگی با تبلیغات ناروای خودبه مقابله با آموزه های دینی واصل اسلامی پرداخته اند و تهاجم فرهنگی علیه ایران و اسلام به راه انداخته اند. هدف از انجام این تحقیق شناخت دسیسه های دشمن و راههای مقابله ی با آنها برای حفظ آموزه های اسلامی و مقابله با تهاجمات پنهانی غرب است. روش جمع آوری این تحقیق کتابخانه ای و فیش برداری بوده است. این تحقیق متشکل از چهاربخش است که در بخش اول به مباحث کلی، بخش دوم تاریخچه تهاجم فرهنگی و پیامدهای آن، بخش سوم نمونه هایی از تهاجم فرهنگی در زمینه های خوراک، پوشاک، معماری و در بخش آخر به بیان راهکارهایی جهت مقابله با آن در حیطه برون مرزی و درون مرزی و قرآن و سنت مثل: حمایت از تولید کنندگان، اهتمام به کانون خانواده، مراعات ضوابط در زمینه پوشش، برتر دانستن فرهنگ خودی و احیای آن و.... پرداخته شده است.

کلید واژه ها: الگو، غرب، فرهنگ، تهاجم فرهنگی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱

بخش اول: مباحث کلی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱. تعریف و تبیین موضوع	۴
۲. اهمیت و ضرورت موضوع	۴
۳. طرح اهداف و فواید تحقیق	۴
۴. پیشینه و سابقه ی موضوع:	۵
الف) پیشینه تاریخی	۵
ب) پیشینه علمی	۵
۵. سؤالات تحقیق	۶
۶. فرضیه تحقیق	۶
۷. پیش فرض های تحقیق	۶
۸. مفاهیم و متغیرها	۷
۹. روش تحقیق	۷
۱۰. ساختار تحقیق	۷
۱۱. مشکلات و موانع تحقیق	۱۱

فصل دوم: مفهوم شناسی

الگو	۱۲
فرهنگ	۱۴
غرب	۱۶
تهاجم فرهنگی	۱۹

بخش دوم: تهاجم فرهنگی و شروع آن در ایران و پیامدهای آن

فصل اول: تهاجم فرهنگی

مقدمه	۲۳
گفتار اول: مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی	۲۳
گفتار دوم: نشانه‌های تهاجم فرهنگی در جامعه	۲۴
۱-۲- ضرورت مبارزه با استعمار جدید غرب	۲۵
گفتار سوم: شعارهای اسلامی	۲۵
گفتار چهارم: نقطه شروع تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران و علت مقابله	۲۶
۱-۴- نقطه شروع تهاجم فرهنگی علیه ایران	۲۶
۲-۴- علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی	۲۸
گفتار پنجم: رنسانس غرب برآیند تأسی به مفاهیم تمدن اسلامی	۲۸
گفتار ششم: عوامل عقب افتادگی و موانع پیشرفت	۳۰
۱-۶- عوامل عقب افتادگی	۳۰
۲-۶- موانع پیشرفت	۳۰
گفتار هفتم: پیامدهای غیر اخلاقی غرب	۳۱
گفتار هشتم: نقش عالمان دینی و روشنفکران در هدایت جامعه	۳۲
۱-۸- نقش علمای دین در صلاح و فساد جامعه	۳۲
۲-۸- مأموریت الهی عالمان دین	۳۳
۳-۸- نفوذ کلام علمای دین در هدایت جامعه ی اسلامی	۳۴
۴-۸- رسالت روشنفکران	۳۵
نتیجه	۳۵

فصل دوم: نتایج و پیامدهای تهاجم فرهنگی

مقدمه	۳۸
گفتار اول: پیامدهای فرهنگی غرب	۳۸
۱- پیامدهای حاکمیت	۳۸
۲- پیامدهای اقتصادی تهاجم فرهنگی	۴۵
۳- نتایج الگوی مصرف برون زا	۴۸
گفتار دوم: روند کار سلطه گران در تغییر فرهنگ	۵۱

گفتار سوم: عرصه های فرهنگ و محورهای مبارزه با تهاجم فرهنگی ۵۱

نتیجه ۵۶

بخش سوم: نمونه هایی از تهاجم فرهنگی

فصل اول: خوراک

مقدمه ۵۹

گفتار اول: کیفیت خوراک ۵۹

۱-۱- غذای حلال ۵۹

۲-۱- تنقلات مصنوعی ۶۲

۳-۱- انواع مختلف ظروف غذا و اهمیت استفاده ۶۲

۴- ظروف مضر و خطرناک ۶۹

گفتار دوم: چگونگی مصرف خوراک ۷۰

۱-۲- حذف سنتهای نادرست ۷۰

۲-۲- سنت گرایی و تجدد گرایی ۷۱

۳-۲- روایات وارد شده راجع به آداب نشستن پیامبر بر سر سفره ۷۴

گفتار سوم: غذا خوردن با سبک ایرانی اسلامی ۷۵

گفتار چهارم: نکاتی در زمینه اصلاح الگوی مصرف غذا ۷۹

نتیجه ۸۲

فصل دوم: پوشاک

مقدمه ۸۴

گفتار اول: اهمیت پوشش و عفاف ۸۴

۱-۱- چیستی عفاف ۸۵

۲-۱- عفاف در پوشش ۸۵

گفتار دوم: منشأ و آثار گرایش به پدیدهی مد ۸۶

گفتار سوم: بهداشت تن ۸۸

گفتار چهارم: معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن ۸۹

نتیجه ۹۹

فصل سوم: معماری

مقدمه ۱۰۱

گفتار اول: معماری اسلامی ۱۰۱

۱-۱- زمینه تحقیقی معماری اسلامی ۱۰۱

۱-۲- زمینه تاریخی معماری اسلامی ۱۰۳

۱-۳- بعد عرفانی معماری اسلامی ۱۰۳

۱-۴- معماری اسلامی براساس فکر اسلامی ۱۰۴

گفتار دوم: معماری غربی ۱۰۵

۱-۲- انواع معماری ۱۰۵

۲-۲- معماری شرک آلود ۱۰۷

۲-۳- تأثیر خانه سازی غربی بر سبک زندگی ایرانی ۱۰۷

گفتار سوم: مرزهای فرهنگی - اجتماعی و مرزهای معماری ۱۱۰

گفتار چهارم: رویارویی با بحران هویت در معماری اسلامی ۱۱۲

گفتار پنجم: شناخت مسکن و ابزار معماری برای تجلی وحدت در معماری اسلامی ۱۱۲

۱-۵- شناخت مسکن ۱۱۲

۲-۵- ابزار معماری مسلمانان برای تجلی اندیشه ی وحدت در معماری اسلامی ۱۱۴

نتیجه ۱۱۴

بخش چهارم: راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب

فصل اول: راهکارهای درون مرزی

مقدمه ۱۱۷

گفتار اول: نقش حوزه های علمیه و دانشجویان ۱۱۷

گفتار دوم: نقش مراکز آموزشی و کانون خانواده ۱۲۳

۱-۲- ایجاد محیطی سالم و نظارت دقیق بر کار آموزشی مهدکودکها و مدارس و مراکز آموزشی ... ۱۲۳

۲-۲- اهتمام به کانون خانواده و برپایی فرهنگ اسلامی در تمام جنبه های زندگی ۱۲۴

- ۲-۳- ارائه ی الگویی کامل و جامع و جهتدار کردن برنامههای صدا و سیما در مسیر رشد معنوی جامعه ۱۲۷
- ۲-۴- هماهنگی دستگاههای تبلیغی نظارتی غذایی و گسترش عدالت اجتماعی برای مقابله علمی با تهاجم فرهنگی ۱۳۰
- گفتار چهارم: نقش جوانان برای مقابله با تهاجم فرهنگی ۱۳۳
- راهکارهای پیشنهادی ۱۳۵
- نتیجه ۱۳۶

فصل دوم: راهکارهای برون مرزی

- مقدمه ۱۳۸
- گفتار اول: تقویت فعالیت های سفارت خانه ها ۱۳۸
- ۱-۱- تقویت فعالیتهای فرهنگی - سیاسی سفارت خانه ها ۱۳۸
- گفتار دوم: گسترش ارتباط با کشورهای مسلمان و استفاده از تولیدات تصویری آنها .. ۱۳۹
- گفتار سوم: توجه به سازمان های بین المللی اسلامی ۱۴۰
- نتیجه ۱۴۳

فصل سوم: روش و شیوه مبارزه با تاجم فرهنگی در قرآن و سنت

- مقدمه ۱۴۵
- گفتار اول: مراعات ضوابط و آداب لباس پوشیدن ۱۴۵
- نتیجه ۱۴۸
- نتیجه گیری ۱۴۹
- فهرست منابع ۱۵۰

مقدمه

"لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ"

هدف از ارسال رسل طبق آیه فوق قیام مردم به عدل و قسط است. یعنی اگر انسانها به قوانین و دستورات انبیاء (علیهم السلام) عمل کنند جامعه انسانی تبدیل به مدینه فاضله شده و ظلم جنایت و تهاجم ها از میان برداشته می شود. قیام مردم و برپایی جامعه ی اسلامی با عمل به سیره معصومین (علیهم السلام) و آموزه های دین مبین اسلام که فقط به عرصه ی زندگی فردی و عبادی منحصر نمی شود و برای زندگی انسان در تمامی عرصه های فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و.... برنامه خاصی را مشخص نموده است. تابدین وسیله فرهنگ اصیل دین مقدس اسلام در مقابل تبلیغات سوء و ضد اسلامی غرب حفظ و ترویج نماید. در عصر حاضر که دشمنان اسلام و نظام در عرصه جنگ و مبارزات نظامی نتوانسته به خاک این کشور نفوذ کنند، راه تهاجم فرهنگی را درپیش گرفته تا از این طریق به خواسته های شومشان دست یابند. قسمت قایل توجهی از تهاجمات دشمنان متوجه جوانان است. زیرا این قشر از دیگر افراد جامعه آسیب پذیرترند.

بررسی پیشینه تهاجم فرهنگی نشان می دهد که این پدیده نوآمد و جدید نیست، بلکه تهاجم کفر و استکبار به فرهنگ توحید و عبودیت مثل صنعت و علم و تحقیق، که متعلق به همه ی بشریت است و برای گروه خاصی نیست انواع و اقسام بدیها و فسادها و انحطاط را وارد کشورهای جهان سوم کردند و مردم و جوانان و دولتها را مبتلا و وابسته به خود نمودند. در کشور ایران هم این تهاجمات از زمان پادشاهی رضا خان عملا وارد این خاک شد و جوانان و زنان مسلمان را با تبلیغات خود هدف قرار دادند و به نام مدرنیته شدن سبک زندگی را تغییر دادند و غربگرایی را ترویج کردند با امید به این که زیر سایه حضرت حق و به همکاری دولت ها و مردم مسلمان به پیروزی حق علیه باطل برسیم.

«من الله التوفيق»

امیره اصل عموری

تابستان ۱۳۹۵

بخش اول:

مباحث کلی

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱. تعریف و تبیین موضوع:

در میان تمام اقوام و ملل ها فرهنگ اسلامی با اهمیت ترین و مستحکم ترین فرهنگ هاست زیرا برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی الگو و روش معین کرده است. کشور های غربی و به طور کلی جهان غرب در این صددند که به هر شیوه ای که شده از جمله تبلیغات ناروا و وارد کردن فرهنگ های ضد دین به اسلام ضربه وارد کنند و هم زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را تحت تا ثیر قرار دهند. برخی ها این واردات غربی را عوامل مدرنیته شدن معرفی می کنند. سوالاتی که مطرح می شود این است که این واردات چه حیطه ای از زندگی را شامل می شود و چگونه می توان با آنها مقابله کرد؟ در واقع این تبلیغات ضد فرهنگی و ضد اسلامی آثار مخربی از جمله: تغییر سبک زندگی اسلامی و گرایش به سبک زندگی غربی، ترویج فساد و بی بندوباری، از بین رفتن معیارها و ارزش های اسلامی و... را به دنبال دارد. در این تحقیق سعی شده راهکارهایی جهت مقابله با این تهاجم معرفی شوند تا بیش از پیش رواج یابد و با همکاری همه ی عوامل به جامعه ای کاملاً اسلامی دست یابیم.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع:

امروزه کشورهای ضد اسلامی و غربی برای مقابله با دین اسلام از سلاح های فرهنگی با نام تهاجم فرهنگی به مبارزه و انحراف مردم کشور های اسلامی در زمینه اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی می پردازند. از این رو، مبارزه با تهاجم فرهنگی و واردات غربی یکی از وظایف و تکالیف مهم به شمار می رود.

۳. طرح اهداف و فواید تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق بیان این مطلب است که تهاجم فرهنگی مسا له ای عام و فراگیر است که تمامی ابعاد زندگی مسلمانان و کشور های اسلامی را متاثر قرار داده است، پس لازم است شایسته ترین الگو های اسلامی - الهی مسلمانان نسبت به تهاجم فرهنگی و ضد اسلامی و راههای برون رفت و نجات از دسیسه های دشمن طبق وعده الهی "مَكْرُواوْ مَكْرَ اللّٰه" باشد.

وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ" معرفی شوند و به مقابله با تهاجمات پنهانی و سوق دادن مردم به پیروی از آموزه های سلامی پردازیم.

۴. پیشینه و سابقه ی موضوع:

الف) پیشینه ی تاریخی

تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران از دوران رضا خان آغاز شد. البته قبل از این دوران نیز مقدمات تهاجم فرهنگی فراهم شد. این جریان علیه فرهنگ دینی و ارزشی، همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. این فرهنگ، همواره در معرض خطر دستبرد غرب قرار دارد به ویژه در دهه های اخیر کشور های غربی و استعمارگران جهان به دلیل های مختلفی و رسیدن به اهداف خود سعی در انهدام و نابودی فرهنگ جوامع و ملل دیگر دارند. در اثر این حمله فرهنگی دشمنان ضد اسلامی و تبلیغات خود مردم در مثبت بودن فرهنگ ملی و دینی دچار شک و تردید شدند و به تدریج، آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه شدند. این تهاجم شامل تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می شود و محدود به مساله ی خاصی نمی شود.

ب) پیشینه علمی

در ارتباط با موضوع این تحقیق کتبی از جمله "پانزده روز تاسلامتی" به قلم آقای جمشید خدادادی که در زمینه خوراک و غذا های حلال، بهداشت تن، پوشاک و مسکن است تدوین شده و کتب دیگری از جمله "مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی" از آقای عباس فیروزی، نکته های ناب از آقای حسن قدوسی زاده و... در ارتباط با تهاجم فرهنگی و علت مقابله ی ملت ایران با فرهنگ غربی و کتب دیگری منتشر شده که در تدوین و جمع آوری این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند.

در این کتب به طور اجمالی در مورد تهاجم فرهنگی، منشأ آن پیامدها و ضرورت مقابله با آنها مطالبی ذکر شده است. ولی در این تحقیق سعی شده همه این مطالب در کنار هم گنجانده شوند و نمونه هایی از تهاجم انجام شده در زمینه خوراک، پوشاک و معماری در جهت مقابله با آموزه های اسلامی مطرح شود و در انتها راهکارهایی برای مقابله با این تهاجمات بیان گردد.

۵. سوالات تحقیق:

- سؤال اصلی تحقیق: چه الگوهای اسلامی را می توان برای مقابله با تهاجم فرهنگی در زمینه خوراک پوشاک و معماری ارایه داد؟
- سوالات فرعی عبارت است از:
- ۱_ تهاجم فرهنگی چیست و چه نشانه های دارد؟
 - ۲_ اسلام در زمینه خوراک سالم چه دستوراتی را ارایه کرده است؟
 - ۳_ نظر اسلام در زمینه بهداشت تن و سلامت جسم چیست؟
 - ۴_ معماری اسلامی چیست؟
 - ۵_ تبلیغات غرب در زمینه معماری چه تاثیری بر سبک معماری اسلامی داشته است؟
 - ۶- دستورات اسلام در زمینه شناخت و ساختن مسکن چیست؟
 - ۷_ چه راهکارهای درون مرزی برای مقابله با هجمه های فرهنگی وجود دارد؟
 - ۸_ برای مقابله با تهاجم فرهنگی چه راهکارهای برای خارج از مرز ارایه شده است؟
 - ۹_ آیا راهکارهای مطابق با سنت و قرآن برای مقابله با هجمه های فرهنگی وجود دارد؟
 - ۱۰_ نقش جوانان خانواده هابرای ترویج و سبک زندگی ایرانی _ اسلامی چیست؟

۶. فرضیه تحقیق:

تهاجم فرهنگی غرب بر کیفیت خوراک، پوشاک و سبک معماری اسلامی تاثیر گذاشته است.

۷. پیش فرض های تحقیق:

۱. اسلام دینی است که برای تمامی ابعاد زندگی مسلمین قوانین و چارچوب معین کرده است.
۲. کشور های غربی برای ضربه زدن به دین اسلام فرهنگ اسلامی را هدف خود قرار داده اند.
۳. تهاجم فرهنگی شامل تمامی اقشار و رده های سنی مسلمانان از جمله جوانان و کودکان می باشد.
۴. در صورت حفظ وحدت میان مسلمین و تلاش برای حفظ آداب و سنن و آموزه های اسلامی تبلیغات ضد فرهنگی و ارزشی بی تاثیر خواهند بود.

۵. با کنترل واردات و نظارت بر صادرات و هماهنگی میان دستگاههای اجرایی می توان با تهاجم فرهنگی مقابله نمود.

۸. مفاهیم و متغیرها:

الگو:

به معنای شخص یا چیزی. که معیار برای دیگران یا دیگر چیزهاست.

فرهنگ:

مجموعه ای از آداب و سنن، رسوم، دین د مذهب، آثار رفتارهای اجتماعی که تجلیات معنوی، هنری، تاریخی، ادبی، مذهبی و احساسی یک قوم اند و در طول تاریخ شکل به خود گرفته مشخصی اند.

غرب:

بخشی از کره زمین که در نصف النهار گرینویچ قرار دارد و شامل کشور های اروپایی و آمریکایی می شود.

تهاجم فرهنگی:

به معنای ترویج و تبلیغ عناصر فرهنگی جوامع بیگانه که معمولاً از طریق رسانه ها و نشریات انجام می گیرد.

۹. روش تحقیق:

تحقیق پیش رو با روش کتاب خانه ای (فیش نویسی) و سایت های معتبر جمع آوری شده است.

۱۰. ساختار تحقیق:

پژوهش حاضر شامل چهار بخش است:

بخش اول: مباحث کلی

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مفهوم شناسی

بخش دوم: تهاجم فرهنگی و تاریخچه آن در ایران و پیامد های آن

فصل اول: تهاجم فرهنگی

مقدمه

گفتار اول: مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی

گفتار دوم: نشانه ها و ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی

گفتار سوم: شعارهای اسلامی

گفتار چهارم: نقطه شروع تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران و علت مقابله

گفتار پنجم: رنسانس غرب بر آیند تأسی به مفاهیم تمدن اسلامی

گفتار ششم: عوامل عقب ماندگی و موانع پیشرفت

گفتار هفتم: پیامدهای غیر اخلاقی غرب

گفتار هشتم: نقش عالمان دینی و روشنفکران در هدایت جامعه

نتیجه

فصل دوم: نتایج و پیامدهای تهاجم فرهنگی

مقدمه

گفتار اول: پیامدهای فرهنگی

(۱) پیامدهای حاکمیت

(۱-۱) مسخ بشریت

(۱-۲) پیدایش دیکتاتوری

(۱-۳) شکل گیری حرمسرای بزرگ

(۱-۴) افزایش بیماری

(۱-۵) گسترش نیرنگ

(۱-۶) تروج پوچ گرایی

(۱-۷) سقوط نهایی

(۲) پیامدهای اقتصادی

(۲-۱) تجمل گرایی و بسط روحیه مصرف گرایی

(۲-۲) سرازیر شدن کالاهای مصرفی غرب و ایجاد نیاز کاذب

(۲-۳) وابستگی اقتصادی

(۲-۴) عدم ایجاد ظرفیت های مناسب در اقتصاد

(۳) پیامدهای مصرف برون زا

(۳-۱) ترجیح کالاهای خارجی

۲-۳) رواج پاره ای از وجوه فرهنگی در کشور

گفتار دوم: روند کار سلطه گران در تغییر فرهنگ

گفتار سوم: عرصه های فرهنگ و محور های مبارزه با تهاجم فرهنگی

نتیجه

بخش سوم: نمونه هایی از تهاجم فرهنگی

فصل اول: خوراک

مقدمه

گفتار اول: کیفیت خوراک

۱-۱) غذا های حلال

۲-۱) تنقلات مصنوعی

۳-۱) انواع مختلف ظروف غذا و اهمیت استفاده از آنها

۴-۱) ظروف مضر و خطرناک

گفتار دوم: کیفیت مصرف خوراک

۱-۲) حذف سنت های نادرست

۲-۲) سنت گرایی و تجدد گرایی

۳-۲) روایات وارد شده راجع به آداب نشستن پیامبر بر سر سفره

گفتار سوم: غذا خوردن به سبک ایرانی - اسلامی

گفتار چهارم: نکاتی در زمینه اصلاح الگوی مصرف

نتیجه

فصل دوم: پوشاک

مقدمه

گفتار اول: اهمیت پوشش و عفاف

گفتار دوم: منشا و آثار گرایش به پدیده مُد

گفتار سوم: بهداشت تن

گفتار چهارم: معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن

نتیجه

فصل سوم: معماری

مقدمه

گفتار اول: معماری اسلامی

- (۱-۱) زمینه تحقیقی معماری اسلامی
- (۲-۱) زمینه تاریخی معماری اسلامی
- (۳-۱) بعد عرفانی معماری اسلامی
- (۴-۱) معماری اسلامی براساس فکر و اندیشه

گفتار دوم: معماری غربی

- (۱-۲) انواع معماری
- (۲-۲) معماری شرک آلود
- (۳-۲) تاثیر خانه سازی غربی بر سبک زندگی ایرانی

گفتار سوم: مرزهای فرهنگی - اجتماعی و مرزهای معماری

گفتار چهارم: رویارویی با بحران هویت در معماری اسلامی

گفتار پنجم: شناخت مسکن و ابزار معماری برای تجلی وحدت در معماری اسلامی

نتیجه

بخش چهارم: راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب

فصل اول: راهکارهای درون مرزی

مقدمه

گفتار اول: نقش حوزه های علمیه و دانشجویان

- (۱-۱) بیداری و پویایی حوزه های علمیه و علماء و تبلیغ و حفظ

ارزش های اصیل دینی

- (۲-۱) ساده زیستی روحانیت و اهمیت به نماز جماعت و جمعه

- (۳-۱) تقویت مدیریت هوشیار و آگاه دانشجویان و اساتید متعهد در

دانشگاه ها و نظام آموزش عالی

گفتار دوم: نقش مراکز آموزشی و کانون خانواده

- (۱-۲) ایجاد محیطی سالم و نظارت دقیق بر کادر آموزشی مهد کودک

ها و مدارس و مراکز آموزشی

- (۲-۲) اهتمام به کانون خانواده و برپایی فرهنگ اسلامی در تمام

جنبه های زندگی

۲-۳) ارائه الگویی کامل و جامع و جهت دار کردن برنامه های

صداوسیما در مسیر رشد معنوی جامعه

۲-۴) هماهنگی دستگاه های تبلیغی، نظارتی، قضایی و گسترش

عدالت اجتماعی برای مقابله علمی با تهاجم فرهنگی

گفتار سوم: فعالیت برنامه ریزی شده همراه با شناخت، توسط دستگاهها

و نهادهای فرهنگی، غربی

گفتار چهارم: راهکار های پیشنهادی

نتیجه

فصل دوم: راهکارهای برون مرزی

مقدمه

گفتار اول: تقویت فعالیت های سفارتخانه ها

گفتار دوم: گسترش ارتباط با کشورهای مسلمان

گفتار سوم: توجه به سازمان های بین المللی اسلامی

نتیجه

فصل سوم: روش و شیوه مبارزه با تهاجم فرهنگی فرهنگی در قرآن و سنت

مقدمه

گفتار اول: مراعات ضوابط در زمینه پوشش

گفتار دوم: برتر دانستن فرهنگ خودی و احیای آن

گفتار سوم: ترویج و ارتقای فرهنگ جامعه

گفتار چهارم: حاکم نمودن ارزشهای اسلامی در جامعه

نتیجه

۱۱. مشکلات و موانع تحقیق:

الحمد لله در طی گردآوری مطالب بامشکل و مانعی برخورد نکردم.

فصل دوم:

مفهوم شناسی

الگو

تعریف لغوی:

- ۱- شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یادگیرنده‌هاست. نمونه، سرمشق
 - ۲- طرحی که روی کاغذ، چوب مقوا کشیده می‌شود: الگوی لباس
 - ۳- نشانه‌ای که در مسافتی دور می‌گذارند.
- الگوبرداری هم یعنی:

- ۱- تهیه کردن طرح برای ساختن چیزی
- ۲- تقلید کردن از کسی یا چیزی یا سرمشق قراردادن او یا آن.^۱

تعریف اصطلاحی:

الگو در اصطلاح به معنای پیروی کردن از کسی که دارای کمالی باشد و این واژه معادل اسوه در قرآن کریم می‌باشد.

شرایط اسوه، مقتدا و الگوی کامل:

شخصی که می‌خواهد الگوی کامل دیگران باشد، باید شرایط زیر را به طور کامل دارا باشد:

- ۱- یک انسان شناس کامل باشد، و از تمام اسرار و رموز و ریزه کاری‌های جسم و جان انسان، عواطف، غرایز، امیال، شهوات و هوس‌های خلاصه از همه‌ی جزئیات درون و برون این وجود مرموز بدون استثنا باخبر باشد.
- ۲- باید تمام کیفیاتی را که از روابط افراد با یک دیگر در دل اجتماع پیدا می‌شود و تأثیری را که هنگام دسته‌جمعی روی یک دیگر می‌گذارند، بداند.
- ۳- از تمام استعدادها و شایستگی‌هایی که در افراد و در اجتماع نهفته و کمالاتی که بالا مکان برای آنها میسر است مطلع باشد.
- ۴- تمامی حوادثی را که ممکن است در آینده نزدیک یا دور برای اجتماع پیش آید و تمام عکس‌العمل‌های آنها میسر است مطلع باشد.

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، چ ۳، تهران انتشارات سخن، سال ۱۳۸۶، ص ۵۴۲

۵- از کلیه اصولی که می تواند انسان را به سوی تکامل سوق دهد واز موانع وشرایط آنها مطلع باشد، وآن چنان حسن انتخابی داشته باشدکه بتواند نزدیک ترین راه ها رااز میان راه های مختلف انتخاب نماید.

۶- هیچ گونه منفعی در اجتماع نداشته باشد! تا محور افکار او هنگام تنظیم قانون دانسته یا ندانسته، متوجه جهتی که حفظ منافع شخصی او را می نماید نشود وبرخلاف مصالح اجتماع وبه نفع خود قانونی وضع نکند.

۷- هرگز لغزش وگناه، خطا و اشتباه از او سر نزنند، به علاوه فردی خیر خواه، دلسوز ومهربان ودر عین حال قوی الاراده وبا شهادت باشد واز هیچ قدرتی در اجتماع نهراسد.

آیا کسی می تواند بگوید: من تمام حوادث ها وپیش آمدهایی راکه ممکن است برای اجتماع در طول حیات آن رخ دهد وواکنش ها وعکس العمل های اجتماعی آن راپیش بینی کنم؟ کیست که منافع شخصی در هیچ یک از اجتماعات بشری نداشته باشد؟ یا بتواند دعا کند که محور فکر اومتایل به منافع شخصی خود نیست؟
آیا کسی می تواند قول بدهد هرگز اشتباه نکند؟ و یا دعا کند از گناه و لغزشی مصونیت دارد؟

بنابراین اگر تمام دنیا را زیر پا بگذاریم، نه تنها نمی توانیم فردی را که واجد مجموع این شرایط باشدتا پیدا کنیم. بلکه کسی که حتی یکی از ان ها رابه طور کامل داشته باشد، پیدانمی کنیم. واین که ملاحظه می کنید قوانین بشری همواره دستخوش تغییر وتحول است. نه فقط بر اثر تغییر شرایط محیط است، بلکه قسمت عمده ی آن بر اثر نقص فاهش قانون گذاران در قسمت های فوق می باشد. باتوجه به این حقایق گمان نمی رود کهاین مطلب نیاز به بحث باشد که تنها مبدایی را که می توان با عنوان بهترین قانون گذار- بلکه تنها قانون گذار صلاحیت دار_ معرفی کرد، آفریدگار بشر ومبدا جهان هستی است و او خود اسوه های راستین را به انسان معرفی نموده است.

پس اصول قوانین صحیح اجتماعی رافقط باید از مکتب انبیاء واز مجرای وحی آموخت.^۱

۱. لیلا عیال دار، پایا نامه سطح ۲، موضوع: اهمیت الگوپذیری از سیره ی معصومین (علیهم السلام) در تربیت انسان ، مرداد ۱۳۹۲،

فرهنگ

تعریف لغوی:

- ۱- پدیده‌ی کلی پیچیده‌ی از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه‌ی زندگی که در طی تجربه یا قوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است.
- ۲- کتابی که واژه‌های یک زبان را همراه با معنی آنها به همان زبان، یا واژه‌های یک زبان را به زبانی دیگر، معمولاً به ترتیب الفبایی نقل می‌کند و معمولاً آگاهی‌هایی درباره‌ی تلفظ، هویت دستوری، ریشه‌ی کلمه و جزآن‌ها به خواننده می‌دهند.
- ۳- کتابی که در آن واژه‌های مربوط به رشته‌ای از دانش یا موضوع خاصی شرح شده است.
- ۴- مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی درباره‌ی هنر، ادبیات، علم، سیاست و مانند آنها که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد.
- ۵- ادب، شعور، یا تربیت اجتماعی
- ۶- آموزش. پرورش
- ۷- علم، معرفت
- ۸- عقل، خرد
- ۹- تدبیر، چاره.^۱

مفهوم و محتوای فرهنگ:

واژه‌ی فرهنگ مرکب از (فر + هنگ) به معنای شکوه و جلال، عظمت و اقتدار است. از میان تعریف‌هایی که از واژه‌ی فرهنگ شده است، هنوز تعریفی که جامع‌الافراد و مانع‌اغیار و قانع‌کننده باشد به دست داده نشده است. شاید به این دلیل که مفهوم این واژه به وسعت همه‌ی زندگی است و رگه‌های آن در تمام زوایا و شئون زندگی انسان وجود دارد و برخی بر این باورند که واژه‌ی فرهنگ تعریف‌ناپذیر است و هرچه به آن نزدیک‌تر شویم، دورتر می‌رود. فرهنگ عبارت است از: "مجموعه‌ای از آداب و سنن، دین و مذهب، آثار رفتارهای اجتماعی که تجلیات معنوی، هنری، تاریخی، ادبی، مذهبی و احساسی یک قوم اند و در طول تاریخ، شکل مشخصی به خود گرفته است."

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ۲، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱، صفحه ۵۳۴۶

فرهنگ به معنای خاص، به سرمایه‌ی معنوی یک قوم گفته می‌شود و همه‌ی آثار ادبی، هنری و فکری رادبر می‌گیرد. همه‌ی آن چه درون اوسرچشمه گرفته و دربرون، تجلی خود را سازندگی یافته است. این سازندگی، اگر بیشتر متوجه برآوردن نیازهای مادی و جسمانی اجتماعی باشد، نام تمدن و اگر بیشتر ناظر اقناع خواسته‌های معنوی و غیر انتفاعی و غیر تقدیم او باشد، نام فرهنگ به خود می‌گیرد، ولی غالباً این دو با هم پیوستگی نمی‌یابند.

برای دست‌یابی هر چه بیشتر به محتوای واژه‌ی "فرهنگ" ابعاد مختلف و آثار گوناگون آن، فرهنگ با شیوه‌ی تجربه‌ای، بیان نموده تا با ارائه این سرفصل‌ها ذهن و فکر خویش را به مفاهیم گسترده و متنوع آن نزدیک گردانیم. البته این فراها نمی‌تواند بیانگر همه‌ی آن چه که در این ظرف وجود دارد باشد و تنها به معرفی بخشی از آن مفاهیم بلند می‌پردازد.

۱- فرهنگ، آینه‌ی شفاف است که مجموعه دریافت‌های علمی و عهلی، عقلی و احساسی یک قوم در آن انعکاس می‌یابد.

۲- فرهنگ، زمان‌های گذشته را به حال و آینده پیوند می‌زند و با این کار به زندگی و شخصیت آدمی عقل می‌بخشد.

۳- فرهنگ، ظرفی است که مظهر و محتوای آن چیزی جز ارزش‌های قابل قبول جامعه نیست و از این لحاظ همیشه بر مفاهیم ارزشی تکیه دارد.

۴- سنجایی ملی یک ملت، از فرهنگ آن ملت حاصل می‌شود. بنابراین هر چه فرهنگ غنی‌تر و پویاتر باشد ویژگی‌های روحی آن ملت پرمایه‌تر خواهد بود.

۵- تمدن‌ها فرزند فرهنگ‌ها هستند، انقلاب‌ها نیز زاده عصیان فرهنگ‌ها هستند.

۶- فرهنگ، طبعی سیال و انعطاف‌پذیر دارد، لذا آن چه را که موجب توانایی و بالندگی اومی شود می‌گیرد و در مقابل، مقداری از خود را به درون حوزه فرهنگ‌های دیگر وارد می‌کند و همین داد و ستد اگر به یسورت مطلوب و معتدل انجام شود عامل مهمی برای پویای و شادابی آن خواهد بود.

۷- فرهنگ ضعیف در برخورد با فرهنگ‌های دیگر، قدرت انتخاب را از دست می‌دهد در چنین حالتی به صورت فرهنگ معنوب درخواهد آمد و آن چه را که دیگران بخواهند به او تحمیل می‌کنند.

۸- مرگ فرهنگ زمانی فرا می‌رسد که از تحرک و پویای باز ایستد.

۹- به هر اندازه که فرهنگ از اصالت بیشتر و چشم اندازی گسترده تر برخوردار باشد رابطه ی انسان را با خود و با جامعه و با جهان خلقت، گرم تر و مستحکم تر خواهد کرد.

۱۰- آن چه که انسان را از سایر جانوران دیگر ممتاز می کند فرهنگ است. واگر انسان را "موجودی فرهنگی" تعریف کنیم، راه ناصوابی پیموده ایم.

۱۱- جامعه ی با فرهنگ، جامعه ای است که با پرورش عناصر و استعداد های فرهنگی ارزش واقعی زندگی را افزایش داده است و خویش را به زینت های زیبای انسانی، از درون و برون آراسته است.

۱۲- در تقسیم بندی های فرهنگ شناختی، فرهنگ ملی اقوام را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می کنند و می گویند: فرهنگ مادی عبارت است از اشیاء و آثار است که به همت گذشتگان ساخته و پرداخته شده و برای نسل حاضر به ارث رسیده است. فرهنگ معنوی مجموعه رسوم، آیین ها، اعتقادات، هنرها و... را در بر می گیرد. در نتیجه فرهنگ امری است اکتسابی نه غریزی.^۱

غرب

تعریف لغوی:

در کتاب فرهنگ لغت برای این واژه سه معنا ذکر شده شامل:

(۱) مغرب

(۲) بخشی از کره زمین که در سمت غربی نصف النهار گرینویچ قرار دارد.

(۳) کشورهای اروپایی^۲

مفهوم و تعریف اصطلاحی:

گفته شده مراد از غرب، اروپاست و جوامعی در دیگر جاهای این جهان که از این جهان که از آغاز و یا لاقلاً در پنجاه سال اخیر نظام های اقتصادی و سیاسی خود را بر تمدن اروپایی بنیان نهاده اند و هر چند تا کنون این جوامع از همه لحاظ یکسان نیستند و اندیشه ی اروپایی یا جلوه های گوناگونش موجب پیدایش رژیم های سیاسی و اقتصادی حتی متضادی در آنها شده اما زمینه ی اصلی فرهنگی آنان یکی است.

۱. رضاتقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، ج ۵، تهران، انتشارات نشر نخیل، سال ۱۳۸۷، ص ۲۰

۲. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، چ ۲، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۲، ص ۵۱۶۰

این غرب جایی است که تامین اجتماعی در آن روز افزون است و اختلاف شکل و سطح زندگی میان گروه های مختلف اجتماعی دائما رو به کاهش می رود. بالاترین میزان تحصیل و بالاترین درآمدهای فردی در آن وجود دارد. میزان مرگ و میر به حداقل رسیده و اختیار ولادت در دست خانواده هاست.

امید به زندگی به هشتاد سال و بیشتر افزایش یافته و وسایل ارتباط جمعی مظاهر فرهنگ و هنر را به میان مردم برده است. جایی است که مردم با توجه به حقوق دیگران، سخت پایبند حفظ آزادی های فردی خود هستند. جایی است که مردم پنج روز در هفته کار می کنند و گاهی بیش از یک ماه در سال برای استفاده از تعطیلات به سفر می روند. تکنیک به طور مستمر و با سرعتی غیر قابل تصور روبه کمال است، ماشین های حساب گر به جای آدم ها و گاه بهتر و دقیق تر از آدم ها فکر می کنند و تصمیم می گیرند. جایی است که بچه ها قبل از خواب به عنوان وقایع معمولی روزانه، پیاده شدن انسان در ماه و یا پیوند اعضا بر صفحه ی تلویزیون می نگرند و دیگر افسانه های زمین و ماه و خورشید را که هنوز مادر بزرگ ها برایشان تعریف می کنند باور نمی دارند. و چون از دور به غرب بنگریم احساسی از تحریک، قدرت شناسایی، قدرت مادی، نظم و ترتیب غنادر ما پدیدار می شود.

جامعه امروزی غرب رابه نام های گوناگون خوانده اند. "جامعه مصرفی" اصطلاح رایجی است. به جرات می توان گفت ما شاهد تبدیل فرهنگ سنتی (که بر اساس محدودیت احتیاجات قرار داشت) به فرهنگ جدیدی هستیم که بر اساس گسترش مصرف و ازدیاد نیازها بنا شده است. تصویر انسان فعال و قانع قرون گذشته به تصویری از انسان مصرف کننده و زیاده طلب بدل شده است، مصرف کننده ای که سعادت خود را در مصرف هرچه بیشتر می بیند و در این میان آنچه اهمیت دارد حتی خصوصیت شیء مصرف شده نیست بلکه نفس عمل مصرف است که به صورت "هنر مصرف کردن" درآمده است.

"جامعه فراغت" نام دیگری است که به جامعه ی امروز غرب داده شده است. برخی از جامعه شناسان می گویند آنچه مشخصه جامعه کنونی غرب است تبدیل کمیابی به فراوانی نیست بلکه تبدیل کار شاق و زیاد به فراغت بیشتر است. اگر فراغت را کم شدن ساعات کار برای امرار معاش بدانیم بی گمان تحولی عظیم حاصل شده است اما عوامل دیگری که خاص

جامعه صنعتی است موجبات صرف وهدر دادن وقت رادر زمینه های دیگری فراهم آورده است(مانندزمان رفت وآمدویا نوبت گرفتن برای خرید وتفریح ویا...)¹

تهاجم فرهنگی

معنای لغوی:

تهاجم در لغت به معنای: حمله کردن، یورش بردن وهجوم ترجمه شده وواژه فرهنگ هم به معنای ترویج وتبلیغ عناصر فرهنگی جوامع بیگانه معمولا از طریق رسلنه ها و نشریات انجام می گیرد.²

معنا و مفهوم حقیقی:

«من که می گویم تهاجم فرهنگی. عده ای خیال می کنندمرادمن این است که مثلا پسری موهایش راتا این جابلندکند. خیال می کنند بنده با موهای بلند تا اینجا مخالفم. مسئله ی تهاجم فرهنگی این است. البته بی بندوباری وفساد هم یکی ازشاخه های تهاجم فرهنگی است اما تهاجم فرهنگی بزرگترین این است که این طول سال ها متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که نمی توانی باید دنبال رو غرب و اروپا باشی. نمی گذارند خودمان را باور کنیم الان شما اگر در علوم انسانی باشید در علوم طبیعی، در فیزیک، در ریاضی و غیره یک نظریه داشته باشید چنان چه بر خلاف نظریات رایج و نوشته شده است ی دنیا باشد عده ای می ایستند و می گویند حرف در اقتصاد مخالف با نظریه فلانی است . حرف شما در روانشناسی، مخالف با نظریه ی فلانی است. یعنی آن طور که مومنین نسبت به قرآن وکلام خداوحی الهی اعتقاد دارند. این ها به نظرات فلان دانشمنداروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می شوندو جایش نظریات جدید می آید. اما این ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس ویک دین دردست می گیرد!

سالهای متمادی است که نظریات حاکم برمراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده وحرف های جدیدبه بازار آمده است. اما هنوز وقتی می خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات

۱. داریوش آشوبی و... (دیگران)، مسائل وچشم انداز های فرهنگ(مجموعه مقالات)، ترجمه:بهروزمنتظمی و... (دیگران)، ج ۲، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، سال ۱۳۸۶، ص ۲۶الی ۲۹

۲. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، چ اول، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۱، ص ۱۹۸۶

کهنه ی قدیمی نگاه می کنند! این ها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند. دوم اینکه از تحولات جدید بی خبرند.

همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده اند. مثل یک کتاب مقدس درسیه ی خود نگه داشته اند و امروز به جوان های ما می دهند. کشور ما مهد فلسفه است. اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می کند.» (بیانات مقام معظم رهبری_ حفظه الله_ در دیدار جوانان. اساتید. معلمان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷)^۱

۱. حسن قدوسی زاده، نکته های ناب، ج ۳، چاپ ۶، تهران، دفتر نشر معارف، سال ۱۳۸۷، ص ۲۰.

بخش دوم:

**تهاجم فرهنگی و شروع آن در ایران و
پیامدهای آن**

فصل اول:

تہاجم فرهنگی

مقدمه

واژه ی فرهنگ به معنای شکوه وعظمت واقتدار. میراث گرانبهایی است که حاصل تلاش فکری. هنری وصنعتی نسل های یک ملت است. هر ماتی برای خود فرهنگ خاصی دارد امروزه جهان اسلام مورد هجوم فرهنگ غرب قرار گرفته یعنی به نوعی تهاجم فرهنگی برای ریشه کن کردن فرهنگ اصیل اسلامی در حال رخ دادن است که سبب عقب ماندگی از رشد وپیشرفت شده وپیامدهای سوپی رابه دونبال داشته است.

گفتار اول: مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی

" فرهنگ"، میراث گران بها وحاصل هزاران سال تلاش فکری، هنری وصنعتی نسل های گذشته یک ملت است. هر نسلی، اندوخته های فرهنگی وتجارب زندگی خویش را با شیوه های گوناگون به نسل بعدی منتقل می سازد. نسل بعد نیز اندوخته های خود را برآن می افزاید وآن رابه نسل بعد از خویش انتقال می دهند. این جریان، همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. همان گونه که شخصیت یک فرد. حاصل تجربیات فردی اواست وموجب امتیازش ازدیگر افرادی می شود. فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ وشیرین آن جامعه است واین فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده وآن رازز جوامع دیگر. متمایز می سازد. این فرهنگ وفضای فرهنگی، چونان فضای اطراف، ما راکاملا احاطه کرده ودرتمام صفحه زندگی فردی واجتماعی خود، آن رالمس کرده وازآن تاثیر می پذیریم. این فرهنگ، بسان هر کالای گران بهای دیگر، همواره در معرض خطر دستبرد راهزنان وشیادان قرارداشته است. به ویژه در قرن های اخیر که کشورهای قدرتمند واستعمارگرجهان، به دو دلیل عمد، سعی درانهدام ونابودی فرهنگ جوامع وملل دیگر داشته اند:

الف) دستیابی به اغراض سیاسی واقتصادی: استعمارگران بر آن که سرنوشت یک ملت را به دست گرفته، از منابع عظیم مادی ومعنوی آنانبه نفع خویش بهره برداری کنند، در گام نخست. تلاش می کنند تا موانع فرهنگی را که جدی ترین مانع بر سر راه آنان به حساب می آید، از سرراه خویش بردارند. بدین منظور، از ابزار وشيوه های گوناگون، به ویژه برنامه های

به ظاهر جذاب ماهواره ای، فرهنگ بومی راتضعیف و فرهنگ خویش را ترویج می کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده اوبه فرهنگ بیگانه واستعماری روی می آورند.

ب) جهانی کردن فرهنگ غربی وآمریکایی: درسال های اخیر، برای سردمداران کشورهای سلطه گر، خودجهانی کردن فرهنگ غربی، اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این نظر، علاوه بر استفاده از وسایل سیاسی، تبلیغاتی وصنعتی با نظریه های شبه علمی نیز پشتیبانی می شود. مثلاً، نظریه " دهکده جهانی " مک لوهان وامثال آن. با صراحت سعی برآن دارد که زمینه رابرای پذیرش فرهنگ غربی مساعد کرده واز حساسیت هایی که ممکن است با آن ابراز شود، بکاهد.

بنابراین، در اثر این حمله فرهنگی دشمن، مردم نخست دچار شک وتردید در مثبت بودن فرهنگی ملی ودینی خود شده وباورهایشان رانسبت به کارایی فرهنگ خویش از دست می دهد وسپس، به تدرج، آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه- دست کم جنبه هایی از آن می شوند.^۱

گفتار دوم: نشانه های تهاجم فرهنگی در جامعه

ما در جهانی زندگی می کنیم که قدرت های بزرگ باعنوان جهانی شدن. دهکده ی جهانی ودیگر عنوان های فریبنده وانحراف آفرین می کوشند چتر قدرت خود را بر جهان بگسترانند وخواسته ها وآزمندی های خود را برآورده کنند. ما با دغدغه ای جهانی. خطری جهانی و تهاجمی مواجه هستیم. بنابراین تهاجم فرهنگی را تنها محدود به عصر انقلاب اسلامی دانست. بلکه قبل از انقلاب نیز شاهد نمودهای تهاجم فرهنگی باگسترده گی و عمق تمام بودیم. در چنین شرایطی. استفاده از تجربه های جهانی وبرنامه ریزی کشورهای دیگر نیز برای ما راه گشا وسودمند است. هم اکنون در برخی کشورها. روش های استفاده ی درست از اینترنت. محدودیت های لازم دراین زمینه و نیز برنامه ریزی در مهار و جهت دادن به ورود فراورده های فرهنگی جزو مهمترین وجدیدترین مباحث است. نگرانی از سقوط اخلاقی وبی تفاوتی نسل جوان وگرایش وخود بافتگی جوانان نسبت به فرهنگ بیگانه موضوع مورد بحث

۱. هجوم خاموش، سیدمحمدسقا زاده وحمزہ کریم خانی، چ ۸، قم، انتشارات عطریاس، سال ۱۳۹۱، ص ۵

محافل فرهنگی کشورهای مختلف است و این نشان می دهد که تهاجم فرهنگی موضوعی جهانی است و تنها مشکل جامعه ی ما به حساب نمی آید.^۱

۲-۱- ضرورت مبارزه با استعمار جدید غرب

مبارزه با این پدیده ی جدید (استعمار جدید غرب) در کادر کلی اصول اسلامی وجود دارد. اسلام که در صدر برنامه ی خودش مبارزه با ظلم و غارتگری را قرار داده است، وقتی که مبارزه با ظلم و غارتگری فرد را تحمل نمی کند، به طریق اولی ظلم و غارتگری یک ملت بر ملت دیگر تحمل نخواهد کرد. اسلام در تعلیماتش نشان داده است که برای حقوق جامعه سیاست بیشتری از حقوق فرد قائل است.

امیر المومنان (علیه السلام) در جمله ای در یکی از نامه هایشان می فرماید: «اعظم الخیانه خیانه الامه و افطع الغش غش الامه»

یعنی بزرگترین خیانت ها خیانت به جامعه است، خیانت به فرد هرگز در حد خیانت به جامعه نیست. بنابراین اسلام با استعمار هم مبارزه دارد، گویانکه استعمار در آن زمان نبوده است. در زمان امیر المومنان علیه السلام مبارزه بر ضد استعمار آن چنان در این زمان ها وجود دارد وجود نداشته، ولی در برنامه و طرح های اسلام چیزهای که شامل مبارزه با استعمار هم بشود به نحو اکید و شدید وجود دارد. اصولی هست که این اصول کمی درهمه جا وجود دارد.^۲

گفتار سوّم: شعارهای اسلامی

اسلام دین اجتماعی است. اسلام، هم دین است هم دنیا، هم آخرت است هم زندگی، هم مقررات معنوی و الهی و روحی دارد و هم مقررات اجتماعی. در جمیع شئون زندگی بشر مقررات دارد و ایدئو لوژی اسلام همه چیز دارد؛ قانون اقتصادی دارد، قانون سیاسی دارد، قانون اجتماعی دارد، قانون قضای دارد، فرهنگ دارد، اخلاق دارد، خدانشناسی دارد. اسلام به حکم اینکه یک دین اجتماعی است به این مسئله قانع نیست که من و شما مسلمان هستیم، یعنی معتقداتم معتقدات اسلامی است و به مقررات اسلامی عمل می کنم. عبادت اسلامی را، نماز و روزه رابه موقع خودش به جا می آورم. قوانین به اصطلاح خانوادگی، ازدواج و طلاق

۱. حسین امینی، پرسش های امروز جوانان، تهران، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی دفتر انتشارات کمک آموزشی، سال ۱۳۸۱، ص ۱۱۷

۲. حسن ابراهیم زاده، غرب شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۹، ص ۵۷

براساس موازین اسلام است. قوانین تجاری من بر اساس موازین اسلام است. پس من مسلمانم. نه، اسلام گذشته از این مسائل به حکم اینکه محتوای اجتماعی دارد و می خواهد همیشه به صورت یک و احد اجتماعی زندگی کند، از این نوع دستورها هم دارد و از آن جمله یک سلسله شعارها دارد، شعارهایی که یک مسلمان باید با این شعارها زندگی کند، یعنی باید زندگی خودش را با این شعارها توأم کند و همیشه با این شعارها اعلام کند من مسلمانم، نه به زبان بگوید من مسلمانم. ما باید در زندگی یک نوع برداشتهایی در زندگی داشته باشیم که در آن برداشتهامسلمان بودنمان آشکار شود. این برداشتها در لباس ماباید ظاهر باشد. در استیل ساختمانهای ما و در شهر ما باید ظاهر باشد، در همه ی شئون زندگی ما باید ظاهر باشد؛ یعنی خانه ی ما باید بگوید من خانه ی یک نفر مسلمانم. در لباس پوشیدن ما لاقل یک نشانه باید وجود داشته باشد که بگوید به این نشانه من مسلمانم.

مادر این مسائل نه شعار ملی باقی گذاشته ایم نه شعار اسلامی، هیچ کدام. نه زن ما و نه مرد اگر بیابند ببینند، نه یک زن ما را روی قیافه و خانه و این جور چیزها می توانند بفهمند که ایرانی است یا مسلمان است و نه یک مرد ما را؛ یعنی دیگر هیچ شعاری در شئون زندگی خودمان باقی نگذاشته ایم. جمیع حرکات و سکنات ما باید اعلام بکند، ما اگر این شعارها را حفظ کنیم می توانیم روح اسلامی خودمان را در شعائر اسلامی و روح ملی خودمان را در شعائر ملی حفظ کنیم والا اگر شعارهای خودمان را از دست بدهیم، مخصوصا اگر شعارهای دیگران و رنگ دیگران را یاد بگیریم شعارهای هر قومی رنگ آن قوم است بگوییم ما مسلمانیم ما ایرانی هستیم اما شعار فرهنگها را بگیریم، معنایش این است: بنده یک لقمه آماده ای هستیم برای خلق فرهنگها را که ما را بخورند، هضم رابع خودشان هم رد کنند.^۱

گفتار چهارم: نقطه شروع تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران و علت مقابله

۴-۱- نقطه شروع تهاجم فرهنگی علیه ایران

تهاجم فرهنگی علیه ملت مازدوران رضا خان آغاز شد. البته قبل از این دوران نیز مقدمات تهاجم فراهم شد زیرا قبل از او نیز کارهای فراوانی کرده بودند و روشنفکرهای وابسته را در داخل کشور کاشته بودند.

۱. پانزده گفتار، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چ ۱۰، سال ۱۳۸۸، ص ۱۵۸

همیشه در همه ی اعصار و دوران. روشنفکرهایی بودند که جلوتر از زمان می اندیشیدند و حرکت می کردند. اما از زمانی که غرب مسلط به تکنولوژی و علم. خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم کند. از راه روشنفکری وارد شد و از طریق عناصر خود فریفته ای مثل میرزاالملک خان و تقی زاده اقدام کرد.

جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته شد. متأسفانه چند نفری هم که آدم های سالم و صالحی بودند. بین آنها گم شدند. این جریان (روشنفکری) از ابتدا وابسته بود. بعضی از آنها مثل میرزا فتعلی آخوندزاده وابسته به روسیه و برخی دیگر چون میرزا ملکم خان و امثال او وابسته به اروپا و غرب بودند. این کارها قبلاً در ایران شده بود. ولی ثمره چندانی نداشت. کسی که در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و در حقیقت به نفع سلطه ی غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت رضاخان بود. این که پادشاهی یک باره لباس ملی یک کشور را عوض می کند آن هم در حالی که حتی در دورترین نقاط جهان. مثل هند مردم لباس ملی خود را دارند و به آن افتخار می کنند واز آن احساس سر شکستگی نمی کنند. اینان (به مردم) گفتند با این لباس نمی توان عالم شد. حال آنکه بزرگترین دانشمندان ایرانی که آثار آنها هنوز در اروپا تدریسی شود. با همین فرهنگ و محیط پرورش یافتند. آنها لباس ملت را عوض کردند. چادر زن ها را از سرشان برداشتند و گفتند با چادر نمی شود زن عالم و دانشمند شود و در فعالیت های اجتماعی شرکت کند و (این ادعا در حالی بود که رژیم منحوس حتی) به مردها نیز اجازه ی فعالیت نمی داد. چه رسد به زنها.

زمانی که زنان ایرانی وارد فعالیت اجتماعی شدند، زمانی بود که چادر سرشان کردند و بارشادت و ایثار و فعالیت های چشمگیر خویش کشور را متحول ساختند. آنها وقتی به میدان آمدند، مردهای این کشور را بدنبال خود به میدان کشیدند. این مرد قلدر نادان بی شعور آمد و خود را در اختیار دشمن قرار داد. یکباره لباس این کشور را عوض کرد و بسیاری از سنت های مردم را تغییر داد. دین را ممنوع کرد و کارهای را با قلدری انجام داد. این تهاجم در دوران جدید خاندان پهلوی بخصوص از ۲۰-۳۰ سال اخیر حکومتشان شکلی جدی و خطرناک تر یافت؛ اما خیلی بعد در دوران انقلاب تغییرات اساسی در تلقیات مردم احساس شد و انقلاب اسلامی تهاجم را متوقف کرد. در این مدت نوعی گرایش خاص به اسلام، فرهنگ، اخلاق و آداب اسلامی موجود در ضمائر دوباره زنده شد؛ البته این گرایش عمیق نبود چراکه این گرایش زمانی عمق می یابد که چندسال روی آن کار شود ولی این فرصت پیش نیامد و همان

تهاجم به تدریج از سر گرفته شد. در مدت جنگ، حرارت جنگ باز در مقابل این تهاجم نوعی مانع بود. بعد از جنگ این جبهه ی جدید به شکلی جدی تر وارد کار شد.^۱

۴-۲- علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی

سعی شده است از طریق روسای کشورها ورژیم های فاسد فرهنگ غربی به ملت ها تزریق شود! رژیم و خاندان فاسد پهلوی- که خدا از این ها به خاطر آنچه با ملت ایران کردند، نگذرد- از این قبیل بودند. این ها با انواع روش ها و شیوه ها سعی کردند فرهنگ غربی را بر کشور ما حاکم کنند. به خاطر این، ملت ایران را تحقیر کردند، فرهنگ ملی را تحقیر کردند، باورهای ملی را تحقیر می کردند.

شما ببینید در دوران حکومت پهلوی ها و اندکی قبل از آن در اواخر حکومت قاجارها که همین حمله ی غربی ها شروع شده بود و در دوران پهلوی ها به اوج خود رسیده بود پرورش یافته های آن دوران. ملت ایران اصلاً قابل این نمی دانستند که بتواند خودش را اداره کند. بتواند کاری بکند. بتواند چیزی بسازد. چیزی به دنیا ارائه دهد و یا بر معلومات دنیا اضافه کند. این به خاطر چیست؟ این به خاطر تحقیر ملت. تحقیر هویت ملی و تحصیل فرهنگ بیگانه است. هویت ملی با "فرهنگ" شکل می گیرد. هویت هر ملتی. فرهنگ اوست. این را نبایستی زخمی و جریحه دار کرد. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی این است. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان. ۱۳/ ۱۱/ ۱۳۷۷.^۲

گفتار پنجم: رنسانس غرب بر آیند تآسی به مفاهیم تمدن اسلامی

دنایای اروپا از روزی که از دین خودش صرف نظر کرد به سوی سعادت گام برداشت؛ اما دنیای اسلام از روزی که از دین خودش صرف نظر کرد بدبخت شد! و این تفاوت دو دین است. یک چیز را باید اضافه کرد؛ این دنیای اروپا که می گویند از دین خودش دست برداشت، بله! از دین خودش کناره جویی کرد اما به کدام طرف رفت؟ به سوی اسلام. تاریخ تمدن ها را که به دقت می خوانیم می بینیم یکی از عمل تمدن اروپایی، انشعاب پروتستان هاست که آنها را در میان اهل مذهب مسیح، نظیر شیعه ها در میان اهل اسلام می دانند با این

۱. احمد طهماسبی، شبیخون فرهنگی، ج ۷، انتشارات یاقوت، قم، سال ۱۳۹۰، ص ۳۵

۲. حسن قدوسی زاده، نکته های ناب، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر معارف، سال ۱۳۸۷، ص ۸۰/ بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان. ۱۳/ ۱۱/ ۱۳۷۷

تفاوت که اینها هزار و پانزده سال بعد از مسیح آمدند ولی تشیع از زمان پیامبر است. این گروه- که البته عددشان هنوز به عدد کاتولیک ها نمی رسد، ولی جمعیت بسیار متنابهی هستند- اصلاحات اساسی در دین مسیح انجام دادند. در میان اصلاح هایی که از این ها ذکر کرده اند، در درجه ی اول سه چیز است:

۱- برداشتن فاصله ی میان انسان و خدا؛ به تعبیر سید جمال الدین اسدآبادی و دیگران، ارزش دادن به شخصیت انسانی. گفتند: "پاپ واسطه است" یعنی چه؟ خدا به همه ی مردم نزدیک است، خدا را بدون واسطه ی کشیش بلکه هیچ بنده ای پرستش کنید. خدا به تمام بندگان نزدیک است. پروردگار درد دل هر بنده ای را می شنود. ای انسان! در تماس گرفتن با خدا به واسطه احتیاج نداری.

۲- برای عقل در حریم دین حق قائل شدند؛ گفتند آن مسائلی از مسائل دینی و اصول دینی که ضد عقل است طرد کردنی است، باید دورش افکند.

۳- جهاد و سخت کوشی در امور دنیا را جزو دین دانستند؛ بهبود معاش هم عبادت است. این سه اصل هر سه مستقیم از اسلام گرفته شده بعد از جنگ های صلیبی و تماس شرق و غرب. بعد از آنکه با ارزش های اسلام آشنا شدند، این سه اصل را از اسلام گرفتند و به نام اصلاحات در دین مسیح وارد کردند. گو اینکه هنوز اینها را، به خصوص آن بخش اول را، به طور کامل نتوانسته اند رعایت کنند.

گاهی در کتاب های تاریخ تمدن می خوانیم که یکی از علل تمدن اروپایی، پیدایش مذهب پروتستان است. مذهب پروتستان مولود برخورد مسیحیت با اسلام و اقتباس اصول اولی اسلام است. یک علت اساسی وعده ی تمدن اروپایی پیدایش مذهب پروتستان است یعنی این اسلام است که مستقیماً در سرنوشت تمدن اروپایی تاثیر داشته است. حالا بعد چه دسیسه هایی از طرف خود آنها به کار رفت- مستقیم یا غیر مستقیم- که افکار پلید خودشان را به ما دادند، جایشان را با ما عوض کردند. آنجایی که ما بودیم آنها آمدند، جایی که آنها بودند ما را بردند، یعنی افکار خودشان را به ما دادند و افکار ما را برای خودشان گرفتند، آن بماند. خوشبختانه اشخاص با انصافی در میان اروپایی ها هستند.^۱

۱. احسن ایراهیم زاده، غرب شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۹، ص ۴۶.

گفتار ششم: عوامل عقب افتادگی و موانع پیشرفت

۶-۱- عوامل عقب افتادگی

در قرن اول هجری، اصول وداعیه های توحیدی و اسلامی ان چنان روشن و اشکار به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار با جان و وجدان خویش پذیرای آن شدند. به سرعت یک ملت مشترک یا (بین الملل) اسلامی به وجود آمد. ولی این وحدت به تفرقه بدل شد! چرا که سر رشته داران آن نخواستند یا نتوانستند مفاهیم واقعی داعیه های اسلامی را درک کنند. از بین الملل اسلامی به عنوان یک امپراطوری و خلافت عربی برداشت شد و این مخالف صریح اصول اسلامی بود. به همین جهت وحدت به دست آمده به زودی شکست خورد و به دنبال آن، تحولات وضعف ها و انحرافات دیگر آمد، تا اینکه مسلمانان به تدریج به خواب رفتند.

همزمان با این خواب، غرب مسیحی بیدار می شد. با استفاده های سرشار از سنت های اجتماعی، فرهنگی و علمی اسلامی، غرب تمدن خود را بنا نهاد. تمدنی که صرف نظر از استفاده های علمی از سنت های اسلامی، از مایه های دنیا پرستانه و ثروت و تجاوز و حکومت، نشأت می گرفت. از چندین قرن پیش دنیای اسلام مورد هجوم بهره کشی دشمنان غربی قرار گرفت. نخست به هستی فرهنگی، اخلاقی و مذهبی آنها دستبرد زد و سپس منابع مادی و اقتصادی شان را به یغما برد. آن خواب دیرینه و این هجوم استعمار، ملت های اسلامی را روز به روز اسیرتر و خود باخته تر ساخت.^۱

۶-۲- موانع پیشرفت

سید جمال الدین اسدآبادی مردی به اصطلاح تجدد گرا بود و همه ی کشورهای اسلامی را از نزدیک مطالعه کرده بود و در همه جا هم به افشاگری و بیدارسازی پرداخت مسلمانان را به علوم و فنون جدید و اقتباس تمدن غربی می خواند و بایی سواد و بی خبری و عجز فنی و صنعتی مسلمانان به پیکار برخاسته بود. متوجه خطرهای تجدد گرایی های افراطی بود. او می خواست، مسلمانان علوم و صنایع غربی را فراگیرند. اما از اینکه اصول تفکر مسلمانان تغییر کند یعنی جهان بینی آنها جهان بینی غربی گردد و جهان را با همان عینک ببینند که غرب می بیند مخالف بود. او مسلمانان را دعوت می کرد که علوم غربی را بگیرند اما از

۱. همان، ص ۴۹

اینکه به مکت های غربی بپیوندند آنها را بر حذر می داشت. سید جمال همان گونه که با استعمار غرب پیکار می کرد با استعمار فرهنگی نیز در ستیز بود. با متجددانی که جهان را واحیاناً قرآن و مفاهیم اسلامی را می خواستند از دیدگاه غربی تفسیرکننده مبارزه می کرد. توجیه و تامل مفاهیم ماوراء الطبیعی قرآن و تطبیق آنها را به امور حسی و مادی جایز نمی شمرد.

دردهایی که سید جمال در جامعه اسلامی تشخیص داد عبارت بود از:

استبداد حکام

جها لت و بی خبری توده مسلمانان و عقب ماندن آنها از کاروان علم و تمدن

نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و دور افتادن آنها از اسلام نخستین

جدایی و تفرقه میان مسلمانان، به عناوین مذهبی و غیر مذهبی

نفوذ استعمار غربی^۱

گفتار هفتم: پیامدهای غیر اخلاقی غرب

پس از آنکه قرن ها علیه شهرت پرستی به عنوان امری منافی و عامل به هم زننده ی آرامش روحی و مخفل به نظم اجتماعی و به عنوان نوعی انحراف و بیماری، توصیه و تبلیغ شده بود، یکباره ورق برگشت و صفحه عوض شد؛ جلوگیری از شهوات و پابند بودن به عفت و تقوا و تحمل قیود و حدود اخلاقی و اجتماعی، امری ضد اخلاقی و تهذیب نفس معرفی شد. فریادهابلند تر شد: محدودیت ها را بردارید تا ریشه مردم آزاریو کینه ها و عداوت ها کنده شود؛ عفت را از میان بردارید تا دل ها آرام بگیرد و نظم اجتماعی برقرار شود؛ آزادی مطلق اعلام کنید تا بیماری های روانی رخت بربندد. بدهی است ک این فریضه به ظاهر شیرین و دلپذیر، به عنوان اصلاح مفاسد اخلاقی و اجتماعی، طرفداران زیادی به خصوص در میان جوانان مجرد پیدا می کند! نتیجه چه شد؟ از اول معلوم بود.

آیا بیماری های روانی معدوم شد؟ آیا آرامش روحی جای اضطراب و دلهره را گرفت؟ خیر! متأسفانه نتیجه ی معکوس بخشید. بدبختی بر بدبختی پیشین افزوده تا آن جا که بعضی پیشقدمان آزادی جنسی که تیز هوش تر بودند سخن خود را به صورت تفسیر و تاویل پس

۱. فاطمه گودرزی، مبانی قرآنی اندیشه اصلاح گرایانه امام خمینی (رحمه الله علیه) در مقایسه با سید جمال الدین اسد آبادی، ج ۱،

تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، سال ۱۳۸۳، ص ۵۰

گرفتند. گفتند از حدود و مقررات اجتماعی چاره ای نیست، غریزه را از تمتعات جنسی نمی توان به طور کلی ارضا و اشباع کرد، باید ذهن را متوجه مسائل عالی هنری و فکری کرد و غریزه را به طور غیر مستقیم به سوی این امور هدایت کرد. فروید یکی از این افراد است. اخلاقی که امثال راسل از آن تبلیغ می کنند و نام آن را "اخلاق نوین" گذاشته اند، همان است که ثمره اش آشفته گی بیش از پیش غرایز و تمایل ها است؛ بر خلاف مدعای آنها که اخلاق کهن را به آشفته ساختن روح متهم می کنند، سیستم اخلاقی خودآنها سزاوار این اتهام است.

امروزه پدیده های اجتماعی خاصی به عبارت دیگر مشکلات اجتماعی مخصوصی پیدا شده که افکار علمای اجتماع رابه خود مشغول داشته است. در جامعه امروز، جوانان به طور محسوسی از ازدواج شانه خالی می کنند، حاملگی و زاییدن و بچه بزرگ کردن به صورت امر منفور برای زنان در آمده است. زنان به اداره امر خانه کمتر علاقه نشان می دهند، ازدواج هایی که نمونه وحدت روح است جز در میان طبقاتی که به مقررات اخلاق کهن پایبندند کمتر دیده می شود، جنگ اعصاب بیش از پیش رو به افزایش است و بالاخره آشفته گی روحی عجیبی محسوس و مشهود است.

گروهی می خواهند این راملازمه قهری انقلاب صنعتی جدید بدانند و راه برگشت را بدین وسیله ببندد، در صورتی که اینها ربط زیادی به زندگی صنعتی واز میان رفتن زندگی کشاورزی ندارد؛^۱ این عوارض ناشی از یک نوع به اصطلاح انقلاب فکری است و افراد خاصی هستند که مسئولیت عهده این بدبختی بشریت را دارند.^۱

گفتار هشتم: نقش عالمان دینی و روشنفکران در هدایت جامعه

۸-۱- نقش علمای دین در صلاح و فساد جامعه

نزد سید جمال الدین اهمیت نقش عالمان دینی در آبادانی و تباهی جامعه اسلامی به اندازه ای است که صلاح و فساد آنان را برابر با صلاح و فساد جامعه اسلامی بر شمرده است. به نظر ایشان کوتاهی علمای دینی در انجام وظایف دینی. سبب پدید آمدن نا بسامانیهای امروز جهان اسلام شده است.

۱. حسن ابراهیم زاده، غرب شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۹، ص ۶۹

" هرگز اصلاح از برای مسلمانان حاصل نمی شود. مگر آنکه روسای دین ما اولاً اصلاح خود را نمایند و از علوم و معارف خویش ثمره بردارند و حقیقتاً چون نظر شود دانسته می شود که این خرابی و تباهی از برای ما حاصل شده است. این تباهی اولاً در علما و روسای دین ما حاصل شده است پس از آن در سایر امت سرایت کرده است."^۱

۸-۲- مأموریت الهی عالمان دین

توجه و اتکای سیدجمال به نهاد روحانیت در فراخوانی توده ها به قیام و وحدت یک تاکتیک سیاسی نبوده. چنان که برخی از پژوهشگران پنداشته اند. بلکه ایشان عمیقاً به این اصل باور داشته و معتقد است که این نهاد از استعداد ذاتی رهبری و هدایت توده های مسلمان بهره مند است. مقالات به جا مانده از سید این سخن را تایید می کند.

نزد جمال الدین آیات شریفه «ولتكن مینكم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر واولئک هم المفلحون»^۲

و آیه ۱۲۲ سوره ی توبه " و ماكان المومنون لینفروا کافه فلولاً نفر من کل فرقه منهم طائفة ایتفقوها فی الدین و لنیزروا قومهم اذارجعوا الیهم لعلهم یحذرون" تبیین کننده وظایف علمای دینی است به نظر سید جمال الدین این آیات پیام رسان مأموریت ویژه ای هستند که به حکم آنها بر علمای دین فرض شده است که به درمان دردهای امت اسلامی. بیداری خفتگان. تنبیه فراموشکاران. جهت دهی بیداران. دمیدن روح نشاط و امید در کالبد جامعه و سرانجام اعاده ی مجد و عظمت پیشین به پاخیزند. و به عبارت دیگر نزد ایشان امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف علمای دینی آنان در امتداد رسالت انبیا- علیه السلام- است که نباید به هیچ روی در آن سهل انگاری کرد.

ما از ورثه ی انبیا آرزو می بریم که به حق سخن بگویند و آیات خداودی را با آنچه که در آن از امر و نهی و دیعه گذاشته به یاد بیاورند که خداوند در اقدام برای اعلای کلمه خویش امر از سهل انگاری و مساهله در اجرای آنچه که واجب گردانیده نهی کرده است و گمان می رود که علما اگر به این وجیهه امر به معروف و نهی از منکر تاملتی ادامه دهند و عامه را با ذکر معانی

۱. فاطمه گودرزی، مبانی قرآنی اندیشه اصلاح گرایانه امام خمینی (رحمه الله علیه) در مقایسه با سید جمال الدین اسد آبادی، چ اول،

موسسه چاپ و نشر عروج، سال ۱۳۸۸، ص ۲۰۰

۲. آیه عمران. ۱۰۴

قرآن شریف موعظه نمایند و آن را در دل مردم احیا کنند خواهی دید که تاثیر آن در این ملت تاابد الدهر پایامی ماند."

سید جمال بر این باور است که در پرتو حرکت و عمل علمای دینی معانی روح پرور قرآن زندگانی مسلمانان را دگرگون کرده و پیروزی حق بر باطل را حتمی می سازد.

"اگر علمای پرهیزام کنند و اقدامی راکه به آنان نسبت به خدا و رسول و مومنان واجب شده به سر برسانند و قرآن را زنده کنند و مومنان را به روح معانی ارجمند آن جلب کنند خواهی دید که حق غلبه می یابد و باطل زبون می گردد و انواری می درخشد که چشمها را خیره می کند و اعمالی به وجود می آید که اندیشه ها به حیرت و ا می دارد."

"سید جمال در پاسخ به نامه مستان داغستانی که گمان کرده بود، علمای دینی مانع پیشرفت و مخالفت مظاهر تمدن بوده اند، به دفاع از روحانیت شیعه برخاسته و اظهار داشته است که عالمان دین هیچ گاه با مظاهر تمدن و تجدد مخالفت نکرده اند."

۸-۳- نفوذ کلام علمای دین در هدایت جامعه ی اسلامی

سید جمال الدین اسدآبادی در تمامی گامهایی که به منظور اصلاح جامعه اسلامی و احیای اندیشه دینی برداشته، کوشش کرده است که وجود علمای عامل و خادمان دینی را به عنوان عامل موثر و با اهمیت در به ثمر رسیدن اصلاحات اجتماعی معرفی نمایند. ایشان همان اندازه که بر زنده کردن روح ستیز با ستم و نابرابری و فراخوانی مسلمانان به همسویی و همگرایی پای فشرده، تاثیر و نفوذ کلام و حرکت علمای دینی در هدایت جامعه اسلامی رانیز گوشزد کرده و همواره بر آن به عنوان یک محور در کنار محورهای دیگر دعوتهای خویش تاکید داشته است، وی در نامه معروف به علمای ایران تحت "حاملان قرآن" می نویسد:

"توده، دل بسته به علما و گوش به فرمان روسای دینی است، هر چه بگویند می پذیرد و هر کجا که بایستید در نظر توده، فرمان علما رد شدنی نیست و هر چه بخواهد تغییر پذیر نخواهد بود..."

وی در نامه ای دیگر به علمای ایران به نام "الحجه البالغه" اصرار دارد که علمای دین در وظیفه شرعی صیانت از اسلام و سرزمین اسلامی و حفظ حقوق مسلمانان از توان خود بهره جسته و مردم ایران را از ستمگرهای ناصرالدین شاه با اظهار کلمه "خلع" رها سازند، ایشان

تصریح می نماید که پایین آوردن این ستمکار از کرسی دیوانگی نزد علماء آسانتر از درآوردن لنگه ی کفش خواهد بود^۱

۸-۴- رسالت روشنفکران

برای روشنفکران مسلمان در عصر ما که از نظر کیفیت زبده ترین طبقات اجتماعی می باشند و از نظر کمیت خوشبختانه قشر قابل توجهی به شمار می روند، مهمترین مساله اجتماعی، "اسلام و مقتضیات زمان" است.

دو ضرورت فوری، مسئولیتی سنگین و رسالتی دشوار بردوش این طبقه می گذارد. یکی ضرورت شناخت صحیح اسلام واقعی به عنوان یک فلسفه اجتماعی و یک ایدئولوژی الهی و یک دستگاه سازنده فکری و اعتقادی همه جانبه و سعادت بخش؛ و دیگری ضرورت شناخت شرایط و مقتضیات زمان و تفکیک واقعیت های ناشی از تکامل علم و صنعت از پدیده های انحرافی و عوامل فساد و سقوط.

به طور مثال: برای یک کشتی که می خواهد اقیانوس هارا طی کند و از قاره ای به قاره دیگر برود، وجود قطب نما برای جهت یابی و همچنین وجود لنگر محکم برای محفوظ ماندن و غرق نشدن وزیر پا گذاشتن جزر و مدها ضروری است. همچنانکه شناخت وضع و موقعیت جغرافیایی دریا در هر لحظه امری حتمی است. ما باید از طرفی اسلام را به عنوان یک راهنمای سفر و یک لنگر محکم و نگهدارنده از غرق شدن در جزر و مدها، و هم شرایط خاص زمان را به عنوان مناطق و منازل بین راه که باید مرتباً به آنها رسید و گذشت، کاملاً بشناسیم تا بتوانیم در اقیانوس متلاطم زندگی به سر منزل مقصود برسیم.

برای روشنفکران مسلمان در این جا مشکل لاینحلی وجود ندارد، فقط آشنا نبودن با حقایق اسلام و یا تمیز ندادن میان عوامل توسعه و پیشروی زمان و جریان های و پدیده های انحرافی که لازمه ی طبیعت بشری است ممکن است مسئله را به صورت معما جلوه دهد.^۲

نتیجه

نقش عالمان و روشنفکران در مقابله با تهاجم فرهنگی پیش از سایراقتدار اهمیت دارد بنابراین لازم است ابتدا شناخت صحیح نسبت به اسلام و دستورات اسلامی پیدا کنند و راههای

۱۱. همان، ص ۱۹۹

۲. حسن ابراهیم زاده، غرب شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۹، ص ۶۲

مقابله با این تهاجم را پیدا کنند و مردم و جامعه را به سوی حفظ و یا احیای فرهنگ اصیل اسلامی سوق دهند و جلوی گسترش پیامدهای منفی غرب گرایی والگوگیری از غرب را بگیرند و آموزه ها اسلامی را ترویج کنند.

فصل دوم:

نتایج و پیامدهای تهاجم فرهنگی

مقدمه

تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران از زمان رضا خان آغاز شد. در زمان پادشاهی رضاخان بزرگترین قدم به نفع فرهنگ غرب بر علیه ایران برداشته شد و در کل رزیم خاندان پهلوی با انواع روش ها و شیوه ها سعی کردند فرهنگ غرب را بر کشور مسلط کنند. این امر بر اقتصاد و حاکمیت و حتی مصرف روزانه ی مردم اثر منفی گذاشت و سبب شد مثلا ملت به مصرف کالاهای لوکس و غیر ضروری غربی تمایل پیدا کند و یا وابستگی اقتصادی را پایه گذاری کند و کالاهای خارجی بر کالاهای داخلی ترجیح داده شود.

گفتار اول: پیامدهای فرهنگی غرب

۱- پیامدهای حاکمیت

۱-۱- مسخ بشریت

بدیهی است که امکان ندارد آزادی مطلق در جامعه باشد. لازمه طبیعت جامعه این است که آزادی هم محدود شود. یعنی آزادی یک فرد، به آزادی فرد دیگر، محدود شود؛ مواهب اجتماعی به طور عادلانه در میان افراد تقسیم شود؛ نظامات اجتماعی، نظاماتی دست و پاگیر نباشند، و افراد به حداکثر آنچه که در جامعه ممکن است بتوانند به کمال خودشان برسند، یعنی امکانات برای افراد، به طور متساوی و در حد کمال ممکن فراهم باشد؛ به این معنا نمی توانیم بگوییم که جامعه ی امروزی به کمال رسیده است.

بسا هست در بعضی یا بسیاری از قسمت ها، جامعه ی گذشته خیلی بیشتر از جامعه - های امروز از این مواهب بهره مند بوده اند، یعنی محدودیت هایی که امروز از نظر اجتماعی به وجود آمده و در گذشته نبوده است؛ به خصوص مسئله ی آزادی فکری.

آزادی انتخاب و آزادی فکری مسئله ی بسیار مهمی است؛ مواهب برای انسان فراهم باشد ولی تحصیل نباشد. امروز متأسفانه این گونه نیست، حتی عاطفه هم تحمیلی است؛ این مصیبت تمدن جدید است. شما ببینید امروز این وسائل ارتباط جمعی انسان ها را مسخ می کند، یعنی انسان ها را آن طور آماده می سازند که دل خواه اداره کنندگان آنها است، نه آن طور

که مصلحت واقعی انسان است یا مطابق آنچه که انسان‌ها خودشان برای خودشان انتخاب کرده‌اند. یک چیز را وقتی بخواهند، دائما به گوش آدم می‌خوانند، جلوی آدم می‌آورند؛ آنقدر می‌آورند که اصلا روح انسان را مسخ می‌کنند و انسان نمی‌تواند غیر از آن فکر کند. این مسئله مسخ انسان که در تمدن امروز وجود دارد، هیچ زمانی مشابهش وجود نداشته است. الان به شکلی است که هیچ کس در انتخاب هیچ چیزی نمی‌تواند آزادی داشته باشد، با اینکه انسان امروز در یک حد بالاتری از دانش و معرفت قرار دارد.

مثلا انسان می‌خواهد یک لباس انتخاب کند، هزارو یک کلک و فن است تا آن لباسی را که فلان کارخانه تولید کرده، به تن او بپوشانند. آن قدر تبلیغات می‌کنند؛ آن قدر تلویزیون نشان می‌دهد که وقتی شخص از کنار خیابان رد می‌شود، در حالی که مثلا یک مانکن با هزاران طنازی در یک فروشگاه هست، این بدبخت بی‌جهت کشیده می‌شود آنجا! نمی‌خواهد آن لباس را بخرد؛ روی این جهت اغفال می‌شود. می‌رود به خیال خودش دو سه کلمه با او حرف بزند؛ ده دقیقه حرف می‌زند. یک وقت به خود می‌آید، می‌بیند که چند تکه لباس هم زیر بغلش است و دارد خارج می‌شود! مجبور است آن را بپوشد. این است که این امر به او تحمیل می‌شود. تازه اینها تحمیل‌های خیلی ساده است؛ والا همه جور فکر و ذوق و سلیقه و عاطفه و همه چیز به مردم به زور تحمیل می‌شود.

این چه کمالی است برای انسان؟ همان چیزی که خودشان اسمش را "از خود بیگانگی" گذاشته‌اند نهایت از خود بیگانگی در تمدن امروز وجود دارد؛ یعنی درعین این که انسان به طور کلی از اسارت طبیعت آزاد شده، ولی همین، سبب اسارت انسان برای انسان شده است به شکل دیگری، نوعی بردگی.^۱

۱-۲- پیدایش دیکتاتوری

تجربه‌های تاریخی نشان داده است که جدایی علم و ایمان خسارت‌های غیر قابل جبران به بار آورده است. ایمان را در پرتو علم باید شناخت؛ ایمان در روشنائی علم از خرافات دور می‌ماند. با دور افتادن علم از ایمان، ایمان به جهود و تعصب کور و با شدت به دور خود جرخیدن و راه به جایی نبردن تبدیل می‌شود. آنجا که علم و معرفت نیست، ایمان مومنان نادان وسیله‌ای می‌شود در دست منافقان زیرک که نمونه‌اش را در خوارج صدراسلام و دردوره‌های بعد به اشکال مختلف دیده و می‌بینیم.

۱. حسن ابراهیم زاده، غرب‌شناسی، ج ۱، تهران انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۹، ص ۲۹ الی ۳۱

علم بدون ایمان نیز تیغی است در کف زندگی هست؛ چراغی است در دست دزدی برای گزیده تر بردن کالا! این است که انسان عالم بی ایمان امروز، با انسان جاهل بی ایمان دیروز، از نظر طبیعت و ماهیت رفتارها و کردارها کوچکترین تفاوتی ندارد. چه تفاوتی هست میان چرچیل ها و جانسون ها و نیکسون ها و استالین های امروز با فرعون ها و چنگیزها و آتیلای های دیروز؟^۱

۱-۳- شکل گیری حرمسرای بزرگ

دنیای امروز رسم حرمسرا را منسوخ کرده است. دنیای امروز حرمسراداری را کاری ناپسند می داند و عامل وجود آن را از میان برده است. اما کدام عامل؟ آیا عامل ناهمواری های اجتماعی را از میان برده است و در نتیجه همه ی جوانان رو به ازدواج آورده اند و از این راه زمینه ی حرمسراسازی را از میان برده است؟ خیر، کار دیگری کرده است، با عامل اول یعنی عفاف و تقوای زن مبارزه کرده و بزرگترین خدمت را از این راه به جنس مرد انجام داده است. تقوا و عفاف زن به همان نسبت که به زن ارزش می دهد و او را عزیز و گران بها می کند، برای مرد مانع شمرده می شود. دنیای امروز کاری کرده است که مرد عیاش این قرن از برکت تمدن غرب همه جا حرمسرا است! مرد این قرن برای خود لازم نمی داند که به اندازه ی هارون الرشید و فضل بن یحیی برمکی پول و قدرت داشته باشد تا به اندازه ی آن زن در انواع و رنگ های مختلف مورد بهره برداری قرار دهد.

برای مرد این قرن، داشتن یک اتومبیل سواری و ماهی چند هزار تومان در آمد کافی است تا آن چنان وسیله ی عیاشی و بهره برداری از جنس زن را فراهم کند که هارون الرشید هم در خواب ندیده است! هتل ها و رستوران ها و کافه ها از پیشترآمدگی خود را به جای حرمسرا برای مرد این قرن اعلام کرده اند.

جوانی مانند عادل کوتوالی در این قرن باکمال صراحت ادعا می کند که در آن واحد بیست و دو معشوقه در شکل ها و قیافه های مختلف داشته است. چه از این بهتر برای مرد این قرن! مرد این قرن از برکت تمدن غربی چیزی از حرمسراداری جز مخارج هنگفت و زحمت و دردسراز دست نداده است.

۱. همان، ص ۳۱

اگر قهرمان هزار و یک شب سر از خاک بردارد و امکانات وسیع عیش و عشرت و ارزانی و رایگانی زن را ببیند، به هیچ وجه حاضر به تشکیل حرمسرا با آن همه خرج و زحمت نخواهد شد.^۱

۱-۴- افزایش بیماری های روانی

چرا در دنیای غرب، این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ استاد شهید مطهری به این سوال این گونه پاسخ می دهد: علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحرک های فراوان سکسی است به وسیله جرائد و جملات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و حتی خیابان ها و کوچه ها انجام می شود.^۲

۱-۵- گسترش نیرنگ

ما با این نغمه که اسلام خوب است اما به شرط این که به مساجد و معابد محدود باشد و به اجتماع کاری نداشته باشد، در حدود نیم قرن است که آشناییم این نغمه از ماورای مرزها ی کشورهای اسلامی بلند شده و در همه کشورهای اسلامی تبلیغ شده است. بگذارید من این جمله را به زبان ساده تر و فارسی تر تفسیر کنم تا مقصود گویندگان اصلی آن را بهتر توضیح دهم. خلاصه معنی آن این است: "اسلام تا آنجا که در برابر کمونیسم بایستد و جلوی آن را بگیرد باید بماند. اما آنجا که با منافع غرب تماس دارد باید برود." مقررات عبادی اسلام از نظر مردم مغرب زمین باید باقی باشد تا در مواقع لزوم بتوان مردم را علیه کمونیسم به عنوان یک سیستم الحادی و ضد خدا به حرکت در آورد، اما مقررات اجتماعی که فلسفه زندگی مردم مسلمان به شمار می رود و مسلمانان با داشتن آنها در مقابل مردم مغرب زمین احساس استقلال و شخصیت می کنند و مانع هضم شدن آنها در هاضمه حریص مغرب زمین است باید برود. متأسفانه ابداع کنندگان این تز کور خوانده اند!

اولاً، چهار قرن است که قرآن اصل «نومن ببعض و نکفر ببعض» را از اعتبار انداخته است و اعلام داشته است که مقررات اسلام تفکیک ناپذیر است.

ثانیاً؛ گمان می کنم وقت آن رسیده است که مردم مسلمان دیگر فریب این نیرنگ ها را نخورند؛ قوه ی نقادی مردم کم و بیش بیدار شده است و به تدریج میان مظاهر پیشرفت و

۱. همان، ص ۳۳

۲. همان، ص ۳۸

ترقی که محصول شکفتن نیروی علمی و فکری بشر است و میان مظاهر فساد و انحراف هر چند از مغرب سر چشمه گرفته باشد فرق می گذارند.

مردم سرزمین های اسلامی بیش از پیش به ارزش های تعلیمات اسلامی پی برده اند و تشخیص داده اند یگانه فلسفه مستقل زندگی آنها، اسلام و مقررات اسلامی است و با هیچ قیمتی آن را از دست نخواهند داد. مردم مسلمان پی برده اند که تبلیغ علیه قوانین اسلامی جز یک نیرنگ استعماری نیست.

ثالثاً، ابداع کنندگان این تز باید بدانند اسلام هنگامی قادر است در مقابل سیستم الحادی یا غیر الحادی مقاومت کند که به صورت یک فلسفه زندگی برای اجتماع حکومت کند و به گوشه مساجد و معابد محدود نباشد. اسلامی که او را به گوشه معابد و مساجد محصور کرده باشد همان طوری که میدان را برای افکار غربی خالی می کند برای افکار ضد غربی نیز خالی خواهد کرد. غرامتی که امروز غرب در برخی کشورهای اسلامی می پردازد ثمره همین اشتباه است.^۱

۱-۶- ترویج پوچ گرایی

بعضی درباره ی آینده به تردید می نگرند که اساساً آیا بشر آینده ای دارد، یا آینده ای ندارد؟ در اینکه فنا و نیستی، جامعه بشریت را به دست خود بشر تهدید می کند، سخت در تردیدند. در جامعه های غربی و در میان روشنفکران و دانشمندان غربی این تردید زیاد به چشم می خورد. گروهایی دیگر از این هم بالاتر، نسبت به آینده بشریت مایوس اند و نسبت به سرشت انسان (و به قول خودشان) سرشت غیر قابل اصلاح انسان به نهایت درجه بد بین هستند. اینها معتقدند که سرشت انسان همان سرشت حیوانیت، شهوت پرستی، خودخواهی، خودگرایی، فریب، دغل، دروغ، ظلم و ستم و از این قیل چیزها است و از اولی که دنیای انسان و زندگی اجتماعی انسان برقرار شده است، صحنه زندگی اجتماعی، صحنه شر و فساد انسان بوده است، چه در دوره توحش انسان و چه در دوره تمدن انسان.

اینها معتقدند که تمدن و فرهنگ، ماهیت و طبیعت انسان را تغییر نداده و هیچ چیزی نتوانسته است سرشت پلید این موجود به نام انسان را عوض کند. منتها فرق انسان متمدن با فرهنگ امروزی را در هدف ها و مقصدها نیست بلکه فقط و فقط در نحوه کار است، در روش است، در صورت و شکل است. انسان بدوی به حکم بدوی بودن و مجهز نبودن به فرهنگ

۱. همان، ۳۸.

وتمدن؛ جنایت های خودش را صریح تر و بی پرده انجام می داد ولی بشر متمدن بافرهنگ امروز همان جنایت ها را در زیرلغافه ها و سترها و روپوش های طلایی ریر عنوان شیک ترین کلمات و مدرن ترین الفاظ واصطلاح ها انجام می دهد، در حالی که مطلب همان است. در ماهیت آنچه انسان وحشی می کرده و آنچه انسان متمدن می کند، تفاوتی نیست. در صورت و شکل آنها تفاوت است. نتیجه چیست؟ می گویند نتیجه یاس و نا امیدی است. چاره چیست؟ راهش چیست؟ می گویند انتحار دسته جمعی، خودکشی! خوشبختانه در میان ما این فکرها کم است.

عجیب این است که می گویند انسانی که به بلوغ فرهنگی رسیده است باید خودکشی کند! چرا؟ زیرا بعد از این که فهمید طبیعت انسانی لاعلاج است، حق دارد خودش را بکشد و حق دارد دیگران را هم به خودکشی تشویق کند!

این فکر دردنیای اروپا به شکل های مختلف رایج است. آمار نشان می دهد که علی رغم این همه رفاهی که در دنیای متمدن وجود دارد، آمار خودکشی روز به روز بالا می رود؛ آمارهای اینها رادر همین روزنامه ها و مجلات خودمان احیاناً می بینیم که هر سال از سال قبل بیشتر بالا رفته است. خود این هپی گری، یک پدیده اجتماعی است. این خودش یک نوع عکس العمل و بیزاری جویی از تمدن است و به این معنی است که تمدن نتوانسته کاری برای انسان انجام بدهد، یعنی نتوانسته انسان را تغییر بدهد؛ این هپی گری های دنیای غرب را با هپی گری های دنیای خودمان که همه چیز تقلیدی است حتی سر زانوها را وصله کردن، مقایسه نکنید. در این فکری نیست، ولی آنها که در انجا این فکر را به وجود آورده اند در واقع فلسفه ای دارند، فلسفه بیزاری و اظهار تنفر از تمدن که این تمدن نتوانسته است درباره ی انسان کاری بکند، واین گره، باز شدنی و این مشکل حل شدنی نیست. لابد گزارش هایی را که درباره پناه بردن به مواد مخدر، از یونسکو و از جاهای دیگر است و در بعضی از مقاله های بسیار مفید برخی از دانشمندان خودمان، اساتید محترم دانشگاه آمده است، خوانده اید.

پناه بردن به مواد مخدر در آن کشورها، از همین فکر یاس و نا امیدی و بدبینی به آینده بشریت است. آن وقتی که بشر برسد به این مرحله که ببیند چاره پذیر نیست، هیچ اصلاح و انقلابی نتوانسته است انسان را عوض کند و وقتی که خوب غکرمی کند، می بیند هرچه که رژیم هاوسیستم های حکومتی، رژیم های اقتصادی و غیر اقتصادی عوض شده است، فقط

شکل عوض شده، معنا و روح و باطن تغییر نکرده، می گوید پس دیگر اساساً رهایش کنیم. این یک فریضه و یک نظریه است.^۱

۱-۷- سقوط نهایی

اگر ما بعضی از این امور مادی را ملاک پیشرفت بگیریم به سادگی می شود گفت تاریخ متکامل است. مثلاً اگر ما قدرت را بالخصوص در نظر بگیریم، بسیاری از جامعه ها را باید گفت «جامعه های پیشرفته» به خصوص جامعه های غربی مثل آمریکا، چون قدرتشان (نسبت به گذشته) خیلی بیشتر است یا اگر ثروت را در نظر بگیریم ثروتشان خیلی بیشتر است، ولی اگر مثلاً خبرهای انسانی را در نظر بگیریم، قدری کمیت آنها لنگ می زند، یعنی خود غربی ها نیز دیگر مدعی پیشرفت نیستند. مسئله ای که در اینجا طرح شد، تحت عنوان «انحطاط غرب» که اکنون مسئله مهمی در دنیا شده است، با مسئله قدرت ارتباطی دارد، در حالی که غرب از نظر تکنیک روز به روز پیشتر می رود. همواره صحبت از انحطاط غرب است، و تازه غرب نه فقط با معیار ارزش های اخلاقی انحطاط دارد بلکه با معیارهای دیگر انحطاط دارد. در شرایطی که روز به روز از نظر فنی قوی تر و مجهز تر می شود، در حال انحطاطی است که به سقوط آن منجر خواهد شد. ارزش امور معنوی در حدی است که یک جامعه با همه ی قدرت ها، ثروت ها، امکانات و علوم و فنون، از درون پوک و خالی می شود و خطر سقوط آن را تهدید می کند. سولژ نیستین در مقاله ی «از مجمع الجزایر گولاگ» در کیهان می نویسد: غرب به دو مصیبت گرفتار است و به همین جهت تهدید به سقوط می شود، یکی خلأ آرمانی، دیگری جهنم خوشی ها.

این خلأ آرمانی که او می گوید مربوط می شود به مسئله ای که در کتاب قیام و انقلاب مهدی - عجل الله تعالی فرجه طرح شده که تکامل انسان در جهت رهایی از وابستگی به طبیعت درونی و بیرونی و انسان های دیگر و به سوی وابستگی به عقیده و آرمانی بوده و خواهد بود.

امثال توین بی، نظرشان در مورد هر تمدن به طور جداگانه بوده است و لذا تمدن غرب را محکوم به فنا می دانند، برای خیلی از سرزمین ها، رشد ترقی پیش بینی می کنند.^۲

۱. همان، ص ۴۱

۲. همان، ص ۴۴

۲- پیامدهای اقتصادی تهاجم فرهنگی

۲-۱- تجمل گرایی و بسط روحیه مصرف گرایی

یکی از اثرات سوء تهاجم فرهنگی از دید اقتصادی ترغیب ملت ها به مصرف هر چه بیشتر و آن هم مصرف کالاهای لوکس و غیر ضروری غربی است. اشاعه ی فرهنگ خرید از طریق برنامه های ماهواره ای از مهمترین اهداف استکبار جهانی به شمار می رود. چون این برنامه ها به طور مستقیم و غیر مستقیم حاوی تبلیغاتی هستند که نه تنها مردم رابه خرید کالاهای تولیدی کشورهای صنعتی ترغیب می کنند بلکه ارزش های اقتصادی وبومی ملتها رانیز تحت الشعاع قرار می دهند. چرا که اگر تا دیروز مصرف به مقدار زیاد ویا کمتر مصرف کردن و یا استفاده از یک تولید تا آن جا که ممکن بوده به عنوان ارزش محسوب می شد، امروز دیگر یا بی اهمیت است ویا حتی ضد ارزش به حساب می آید.

« سیاست نوین اقتصادی که منشعب از لیبرالیسم اقتصادی و سیاست درها باز است به جهت ویژگی ساختاری خویش به دنبال خود، فرهنگ مصرف گرایی، تمایل به لوکس زیستی و گرایش عمومی به سوی تکنولوژی برتر و استفاده از جدید ترین صنایع تکنولوژیک بدون توجه به بار ارزشی اش را به دنبال خواهد داشت. جامعه ما هم به جهت خصیصه ستی در دوران ستم شاهی وهم به جهت اقتصاد تک محصولی مبتنی بر صدورنفت وهمچنین اقتصاد داخلی مبتنی بر واسطه گری وتاجر سالاری اش به طو بالقوه استعداد پذیرش چنین نظامی را داشته وبه همین علت است که به راحتی خود را با شکل نوین اقتصادی وفق داده است.»

هراس انگیز ترین تاکتیک در تهاجم فرهنگی غرب گستردن بی بندوباری های اخلاقی و جنسی است. آنان می خواهند برای فلج کردن نسل ها و ویرانی سازی بنیادهای اصیل فرهنگی ودر هم ریزی اصالتها وسنت هایش، فرهنگ مبتذل غرب رادر بین ما بگسترانند. ازدیاد جوراب های نازک، نمود پیدا کردن کروات، پس رفتن روسری ها، رواج نوارهای ناشایست، گسترش رومانهای جنسی، پیدایش کلوپ های زیر زمینی، عروس های ناروا، روند عشق آلودوغمزه آلودکارهای هنری، گریز از کار، آرایش ها و خودآرایی های افراطی، افزایش مد پرستی، تجمل گرایی ومصرف زدگی و..... همه وهمه نمودهای وحشت انگیز تهاجم فرهنگی غرب است.

« یکی از پیامدهای تلخ ورود فرهنگ زندگی غربی، توسعه سریع مصرف در زندگی روزمره است، که خود منشأ بسیاری نا بسامانی های بعدی است. ایجاد نگرانی از آینده خود و فرزندان، نتیجه ی تبعی سرعت توسعه مصرف نسبت به رشد توان تأمین مصرف القاء شده

در زندگی انسانهاست، که این نگرانی زمینه ساز شکستن مرزهای عقل و شرع در تصمیمات زندگی روزمره آنها برای کسب درآمد بیشتر است.

۲-۲- سرازیر شدن کالاهای مصرفی غربی و ایجاد نیاز کاذب

سرمایه داران استعماری و صاحب صنایع و تولیدکنندگان غربی برای بازاریابی خود به دنبال ایجاد نیاز کاذب در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی می باشند. با کمال تأسف کشور ما نیز از این دسیسه در امان نبوده در این جا باید دید آیا چنین کالاهایی به خودی خود سر از کوچه وبازارها در آورده اند. به طور قطع این طور نیست و صریحا باید اذعان داشت که در این راستا فروشندگان و توزیع کنندگان این نوع اجناس در داخل، خواسته یا ناخواسته به عنوان نمایندگان و عمال بنگاههای استعمار تلقی می شوند و در جهت تحقیق اهداف پلید فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی کمپانی های فرا ملیتی نقش بسیار مهم و مؤثری رابه عهده دارند، این فروشندگان که نام بوتیک رابرای خود برگزیده اند با وارد کردن و یا ارتباط با کانالهای شبکه ی قاچاق با عرضه ی کفش ها ولباس های مبتذل و مضحک خارجی در طرح های مختلف، جوراب های مشبک بارنگ هاومدل های زننده، کیف های منقش به تصاویر ضد اخلاقی، کراواتها و پاپیون های صلیبی و حتی تهیه و توزیع فیلم های مستهجن ویدئویی، نوارهای موسیقی، عکس ها و مجلات سکس، مشروبات الکلی و غیره آشکار به ترویج و اشاعه فرهنگ غرب و فساد و بی عفتی و بی حجابی می پردازند.

« کالاهای غیر ضروری و غیرمفید وارداتی یک تهاجم مادی فرهنگی است که در ارتباط مستقیم با الگوهای مصرفی دیکته شده به ماست.

بدون تردید بسیاری از مشکلات اقتصادی ما ناشی از تحمیل یک فرهنگ تهاجمی در ابعادمادی است که در آن سعی شده الگوهای مصرفی مابه گونه ای تعریف شده که همواره مجبور باشیم بخش عمدهای از درآمد ملی خود را صرف خرید و تهیه ی آنها بکنیم و نکته ی درخورتأمل آن است که عادت به الگوی مصرفی دیکته شده سبب می شود که تفاوت دربرابر فرهنگ غیر خودی کم رنگ وپذیرش آن بالا رود.^۱

۲-۳- وابستگی اقتصادی

استکبار جهان نی با سوء استفاده از ضعف اقتصادی جوامع اسلامی، درآنان نفوذ کرده بانام پیشرفت و ترقی، اقدام به رواج فحشا و فساد و ابتذال کرده است. بنابراین نباید باوابستگی

۱. همان، ص ۱۳۵

اقتصادی، روزنه ای برای نفوذ فرهنگ ابتدال غرب بگشاییم. می بایست برای حفظ استقلال فرهنگی، علاوه بر توسعه فرهنگ جامعه، از اقتصادی که امروز به عنوان حربه ی بزرگ برای تبیین سیاستهای فرهنگی و حتی سیاسی و اجتماعی به کار گرفته می شود، غافل نشویم. امروزه می رود که قدرتهای نظامی جای خود را به قدرتهای اقتصادی داده، با ظهور بلوک های قدرتمند اقتصادی در جهان، فصلی تازه گشوده شود. پس، بایستی جوامع اسلامی و در رأس آنان، ایران اسلامی، با توجه به برخورداری از فرهنگ غنی و اصیل و پویای اسلامی روحیه ی انقلابی، با استعانت از نیروی ایمان و احکام نورانی و اسلام و تکیه بر مغزهای اندیشمند و خلاق خود، کشوری الگو و نمونه به جهان ارائه کنند.

با کسب استقلال اقتصادی باید در جوامع بین امللی از موضع قدرت سخن گفته، از حقوق مسلمانان و مستضعفان دفاع کنند و با کمال هیبت و عظمت، سخنان به حق خود را به کرسی عمل بنشانند و اسلام را به عنوان مذهبی که پاسخگوی نیازهای اقتصادی، اجتماعی؛ سیاسی و حتی نظامی می باشد به عالم معرفی کنند.

وضعیت اقتصادی می باید آن چنان شود که کشور، ناچار نباشد خدای ناکرده، برای رفع نیازهای اقتصادی خود دست خواری به سوی غرب دراز کند. زیرادشمنان با سوء استفاده از این مسأله در صدد تحمیل فرهنگ سلطه و ابتدال خود بر آید و به دنبال آن، ما را وادار به عدول از اصول اقتصادی و انقلابی خود کنند. بنابراین، در راه توسعه ی اقتصادی، باید با تکیه بر نیروهای داخلی، و حمایت از مبتکران و مخترعان داخلی و استفاده از تجارب توسعه صنعتی در کشورهای دیگر و کمک گرفتن از دولت هایی که نقش های سوء استعماری ندارند، در راه رسیدن به قله های خود کفایی، با صلابت هر چه بیشتر گام برداشت.^۱

۲-۴- عدم ایجاد ظرفیت های مناسب در اقتصاد

منظور از ظرفیت های اقتصادی، سرمایه ها و پس اندازهای ملی است که به دنبال آن بتوان امکانات زیر بنایی در کشور ایجاد کرد. به عنوان نمونه برای رفع معضل بیکاری باید موقعیت های شغلی ایجاد کرد. لازمه ی ایجاد موقعیت های شغلی سرمایه گذاری است که سرمایه گذاری یا از طریق منابع خارجی مثل وام های خارجی تأمین می شود که این روش مشکلات راهم به دنبال خواهد داشت. و همچنین وابستگی اقتصادی به دنبال دارد و یا از

طریق پس انداز ملی تأمین می شود که لازمه ی پس انداز ملی، مصرف به اندازه ی نیاز و اختصاص مازاد مصرف به سرمایه گذاری است.

تهاجم فرهنگی باترویج مصرف و ایجاد روحیه مصرف گرایی در بین توده ها توان پس انداز جامعه را پایین آورده و به دنبال آن ظرفیت های لازم ایجاد نخواهد شد، که نتیجه ی آن بیکاری، تورم و بی ثباتی اقتصادی خواهد بود. چرا که عدم ایجاد ظرفیت های اقتصادی کاهش تولید را به دنبال دارد و در نتیجه ی کاهش تولید، نیازهای اولیه ی جامعه تأمین نخواهد شد و قیمت ها افزایش می یابد و به دنبال آن تورم ایجاد می شود.

از طرف دیگر کاهش سرمایه گذاری ملی هم زمان با افزایش جمعیت و آن هم افزایش جمعیت فعال نسبت به جمعیت شاغل، بیکاری را به دنبال خواهد داشت. کمبود اتوبانهای بین شهری و فضای آموزشی مناسب، فضاهای تفریحی، ورزشی و..... همه و همه نتایج کمبود و یا عدم ایجاد ظرفیت های اقتصادی است که خود معلول فرهنگ مصرف گرایی ملتها است. به این ترتیب مسأله تهاجم فرهنگی به دلیل ضربه ای که به بنیان اقتصادی کشور وارد می سازد از اهمیت فوق العاده برخوردار است.^۱

۳- نتایج الگوی مصرف برونزا

۳-۱- ترجیح کالای خارجی

برخلاف روزگاری که مصرف کالاهای خارجی ضد ارزش بشمار می آمد، اکنون به گونه ای مصرف آنها رواج یافته که گاه حتی کالای بنجل و یا فاسد خارجی با بهای گران از سوی مصرف کننده خریداری شده و مصرف آن بر کالای مشابه تولید داخلی ترجیح داده می شود. واردات نزدیک به ۲۰ میلیون تنی کالا به کشور در هر سال، علاوه بر نشان دادن گسترش مصرف داخلی و رای امکانات تولید درونی و اقدامات گوناگون بخش تجاری کشور برای تداوم واردات کالاهای خارجی، بیانگر ترجیح مصرف کننده به آن نیز می باشد. بانگاهی به وجود موز، سیگار، نوشابه، شکلات، نارگیل، کیوی و دیگر کالاهای خارجی در کلیه مغازه ها و دسفروشی ها و خرید آنها عموماً به دلیل حیثیتی، وخامت نفوذ کالاهای خارجی و ترویج ایرانیان به مصرف آنها را نشان می دهد. طبیعی است که در مورد تولیداتی که مشابه داخلی

آنها وجود ندارد و یاتولیدات داخلی با کیفیت پایین تر و یا قیمت بالاتر از مشابه خارجی ارائه می شود، وضع به مراتب وخیم تر است.

مقدار مصرف کالاهای وارداتی نیز نشان می دهد که مسأله فقط مربوط به خانوارهای اشرافی و پولدار و سرمایه دار نیست، بلکه لایه های اجتماعی گسترده ای که گاه خانوارهای واقع شده در زیر خط فقر در آن مشاهده می شود، نیز چنین رفتار مصرفی دارند و این امر بیانگر آرزوی داشتن کالاهای خارجی از سوی اقشار فقیر است که عمومیت پیدا کرده است. احساس «نیاز» که رفع آن گاه با قربانی کردن ضروری ترین نیازها انجام می گیرد، وجود نیرویی پرتوان در داخل را برای واردات نشان می دهد.^۱

۳-۲- رواج پاره ای دیگر از وجوه فرهنگی غرب در کشور

در پاره ای از وجوه فرهنگی گرچه در ابتدا بازور به مصرف خارجی آن مبتلا شدیم ولی اکنون با خودی تلقی شدن آن بدون زور مصرف کننده آنها هستیم.

باوجود فرهنگ کهن ایرانی و تنوع بسیار از لحاظ پوشاک و کاملاً منطبق بودن آن باشرایط آب و هوایی و ذوق و هنر ایرانی، از زمان رضا شاه لباس غربی را به زور به تن کردیم، ولی اکنون لباس غربی به امری کاملاً عادی بل شده و می رود تادر دور افتاده ترین نقاط کشور بدلیل ارزش تلقی شدن آن و ضد ارزش به شمار آوردن پوشاک ملی و محلی، رواج یابد. زندگی به شیوه غربی که گاه با توجه به فرهنگ سنتی ایران در برخی موارد بسیار غیر عادی است مانند باکفش راه رفتن روی فرش اتاق گرچه هنوز، عمومیت نیافته ولی لایه های گسترده ای از اجتماع وکوی وبرزن های ثروتمند نشین شهرهای بزرگ را در اختیار خود قرار داده است.

نقش آموزش رسمی کشور از ابتدایی تا عالی ترین سطح آموزش در رواج غرب گرایی و آماده کردن افراد در پذیرش الگوی مصرف غربی تا جایی است که حتی درسالهای پس از انقلاب نیز با وجود تلاشهای بسیار ادامه یافته است.

تقریباً کلیه دانش هاچه بوسله واردات کتاب، نشریه و.....وچه به وسیله آموزش ایرانیان در خارج و سپس رواج آنها بوسیله اینان در داخل، از خارج به داخل منتقل می شود. با توجه به سطح پژوهش کشور و تولیدات بسیار ناچیز آن در داخل، چنین وارداتی شاید ضروری جلوه نماید، ولی بیش از یک سده تکرار عمل وارداتی مزبور نشان می دهد که صرفاً مصرف

۱. ابراهیم رزاقی، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، ج ۱، تهران، انتشارات چاپخش، سال ۱۳۷۴، ص ۷۹

این نوع واردات، مشابه کالاها مطرح بوده است. واردات مزبور تقریباً هیچگونه اثر درونی کردن تولید علوم و فنون به بار نیاورده که هیچ، نوعی اثر آماده کردن افراد آموزش دیده برای پذیرش فرهنگ مصرفی بیگانه رادری داشته است. آموزش رسمی کشور با چنین کارکردی باوجود اینکه هزینه های مادی هنگفت، و عمر گرانبهای نسل ها را صرف خود کرده، به زیر سوال می رود.

تربیت فرزندان نیز زیر تأثیر فرهنگ غربی دگرگون شده است. گرچه شیوه گاه خشن تربیت فرزندان به شکل سنتی پذیرفته نیست، ولی رها کردن فرزند و شرکت ندادن وی در سنین مختلف در مسئولیت پذیری نیز پذیرفتنی نیست. تلاش بی وقفه پدران و مادران در رفع نیازهای بی پایان فرزندان هم اکنون، بحرانی را پدید آورده است. در خانواده های درگیر این بحران مشابه به فرزندان غرب فرزندان پرتوقع، راحت طلب، مسئولیت ناپذیر شده و امکانات ذهنی و بدنی آنان برای انجام وظایف محوله از سوی اجتماع رشد کافی نکرده است. این امر علاوه بر افزایش تشنج در خانواده ها و روابط خانوادگی، شکنندگی شدید جوانان را در برابر مشکلات و سختی ها پدید آورده و آنان را به انواع تعادلهای روانی از جمله افسردگی، اعتیاد مبتلا می کند. هم اکنون با توجه به کمبود کار در کشور و عدم توازن کار انجام شده با برخورداری از درآمد، این بحران به مشکلی اجتماعی نیز بدل شده است.

اگر بتوان تأثیر الگوی مصرف برون را در کوتاه ترین جمله ارائه کرد، می توان آن را در عدم باور به خویش ذکر کرد. تقریباً در مورد هر مشکلی اعم از اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، پزشکی، علمی و فنی و... رو به سوی خارج و کشورهای صنعتی داریم. این ناباوری به خود و مراجعه به خارجی ها شرایطی را در کشور پدید آورده که ایجاد امکانات داخلی برای پاسخ به نیازها و مشکلات علمی و فنی، صنعتی که در پرورش افراد شایسته و ایجاد نهادهای مناسب تجسم می یابد، همیشه به فراموشی سپرده شده است. در نتیجه چنین وضعی با توجه به اینکه پدیدار شدن چنین افراد و نهادهایی امری بلند مدت است، برای پاسخگویی به نیازها و مشکلات، مراجعه به خارج و بیگانگان توجیه شده و این خود تداوم وضع موجود را موجب شده است. به دلیل اتخاذ چنین سیاستی در بیش از یک سده اخیر، اندک اندک این باور در همه پدید آمده که امکان ذهنی لازم برای پاسخ به مشکلات کشور را نداریم، حتی مشکلاتی که کاملاً مربوط به مسائل فرهنگی اجتماعی و روانی افراد جامعه است. در چنین شرایطی تقلید و نسخه برداری بی انطباق با شرایط داخلی از غرب، امری ناگزیر تلقی شد و به

همین دلیل با وجود شکست مکرر چنین سیاستهایی از جمله توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی که توصیه شده از سوی غربی ها بوده، دوباره و چندباره آزمون شده را می آزمائیم.^۱

گفتار دوم: روند کار سلطه گران در تغییر فرهنگ

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه، اولین کاری که سلطه گران که از قدیم هم مرسوم بوده است این است که فرهنگ این کشورها را، باز با نشان، ارزشهایشان، سنتها و ایمانشان راباتحقیر، فشار، با زور و در مواقعی با شمشیر درآوردن چشم کار در تاریخ مواردی از آن داریم نابود می کردند و نمی گذاشتند که مردم به زبان خودشان تکلم کنند؛ برای اینکه زبان با وارداتی راقبول کنند.

وقتی انگلیسی ها به شبه قاره هند آمدند، زبان فارسی را که زبان ایرانی رایج بود، نگذاشتند پا برجا بماند و با گلوله و با فشار گفتند که حق ندارند فارسی حرف بزنید، فارسی را منسوخ کردند، انگلیسی را به جایش آوردند. در دوره ی سیاه پهلوی ها هم باورهای مذهبی و عمومی و نیرو بخش به جامعه، ایمان و اعتقادات را از مردم به تدریج بیرون کشاندند و غیرت زدایی کردند. (بیانات رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در دیدار با هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱/ ۴/ ۱۳۸۳)^۲

گفتار سوم: عرصه های فرهنگ و محورهای مبارزه با تهاجم فرهنگی

برخی از محورهای مهم در دگرگونی الگوی مصرف را بدین ترتیب می توان مطرح ساخت:

۳-۱- مهمترین عنصر موفقیت در مبارزه باتهاجم فرهنگی که به وسیله دگرگونی الگوی مصرف جامعه به معنی عام کلمه انجام خواهد شد، جلب مشارکت مردم در این مبارزه و رساندن آگاهیها به حدی است که هر فرد بتواند از خود و کشور در برابر تهاجم و مزبور دفاع کند. برای رسیدن به این حد از خود آگاهی علاوه بر ضرورت ایجاد نهادهای اجتماعی و فرهنگی بوسیله آنان که پدیده را بهتر می شناسند، شناخت هویت فرهنگی ایران در کلیه زمینه ها و از جمله در زمینه هایی که کشور

۱. همان، ص ۸۰

۲. حسن قدوسی زاده، نکته های ناب، ج ۴، چ ۶، تهران، دفتر نشر معارف، سال ۱۳۸۷، ص ۱۹

مورد تهاجم فرهنگی غرب قرار گرفته ضروری است. آگاهی از هویت فرهنگی و منافع ملی در چارچوب تساوی منافع ملی کلیه ملت‌های جهان شرایطی را پدید می‌آورد، که در درجه ی نخست برای هر ایرانی مشخص می‌شود که از چه می‌خواهد دفاع کند و در صورت ضرورت دگرگونی و پویایی فرهنگ، چه چیزی را به چه صورت و شیوه ای باید رها کند و با چه چیزی جایگزین سازد.

۲-۳- دگرگونی در نظام آموزشی کشور به گونه ای که هر چه سطح آموزشی بالاتر رود، اطلاع و شناخت بیشتری از کشور و مسائل آن توسط دانش آموخته حاصل شود و آمادگی بیشتری برای دفاع از هویت فرهنگی و منافع ملی پیدا کند.

۳-۳- تغییر در محتوای برنامه های تلویزیونی در راستای دگرگونی الگوی مصرف کنونی.

۴-۳- اصلاح نظام مالیاتی کشور به گونه ای که هر کس که درآمد بیشتری کسب کند مالیات بیشتری بپردازد. هدف از این سیاست مورد توجه قرار گرفتن کالاهای تولیدی از سوی افراد اعم از سرمایه داران و صاحبان نیروی کار فکری و بدنی می‌باشد. درهمین راستا کاهش فاصله طبقاتی و کاهش فاصله مصرف طبقات مختلف اجتماعی بوسیله وصول مالیات بیشتر از ثروتمندان و اخذ انواع مالیات بر مصرف کالاها و خدمات مورد مصرف این طبقات، هدف دیگر است.

۵-۳- دگرگونی در فرهنگ کنونی کار و بازگشت به فرهنگ سنتی عجمین بودن منافع فردی و جمعی و منزلت فردی و اجتماعی تلقی شدن کار بیشتر با کیفیت بالاتر و ضد ارزش بشمار آمدن درآمدهای انگلی و غیرتولیدی

۶-۳- دگرگونی در فرهنگ مصرفی در راستای ضد ارزش تلقی شدن مصرف کالاها و خدمات خارجی.

۷-۳- افزایش حقوق گمرکی واردات کالا، مواد، قطعات، ماشین آلات و دانش و فن شناسی تکنولوژی به گونه ای که گرایش استفاده از تولیدات داخلی افزایش یافته و امکانات تولید داخلی بیشتر فراهم شود. دخالت

دولت در قیمت گذاری کالاها تا حدی کالاهای تجملی به ویژه وارداتی گران بدست مصرف کننده آن برسد نیز ضروری است.

۳-۸- اتخاذ سیاست هایی که ارز اختصاص یافته برای واردات مستقیم و غیر مستقیم کالاهای مصرفی تنها از محل درآمد ارزی صادرات غیر نفتی انجام گیرد و به همین ترتیب دخالت دولت در بازار آزاد تنها با چنین ارزهایی صورت می گیرد. البته بخش قابل توجهی از صادرات غیر نفتی کشور، نیز اغلب به این دلیل ممکن گردیده که قبلاً از محل صادرات نفت، واردات ماشین آلات، مواد، قطعات و غیره برای تولید آنها صورت گرفته است.

۳-۹- الگوی مصرف مناسب دادن به مردم، به وسیله زندگی عملی اعم از اداری و خصوصی کلیه مسئولین کشور در دوره های مختلف.

۳-۱۰- دگرگونی در ساختار صنعتی کشور چه از نظر درونی کردن آن و چه از نظر افزایش تولید با کیفیت بهتری برای مصرف داخلی و صادرات، با تأکید بر تأمین کالاها و خدمات اساسی.

۳-۱۱- تجدید نظر در تربیت فرزندان و رها کردن غرب گرایی در این مورد آشنا ساختن آنان از همان کودکی با مشکلات و سختی ها بر حسب توان و رشد آنان از مشارکت در کارخانه تا خرید نیازهای روزمره خانواده، باهدف تقویت مسئولیت پذیری و اندازه خواهی به جای بیشترخواهی و رفاه زدگی.^۱

سه عرصه ی مهم در فرهنگ کشور (در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی))

"من فرهنگ کشور را در سه عرصه به طور مهم و عام مشاهده می کنم....."

اول، در عرصه تصمیم گیری های کلان کشور است، یعنی فرهنگ به عنوان جهت دهنده ی به تصمیم های کلان کشور حتی تصمیم های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید نقش دارد. وقتی ما می خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگ را ترویج می کنیم یا اشاعه می دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می کنیم، در واقع داریم از این طریق فرهنگی را تولید می کنیم، یا اشاعه می دهیم یا اجرا می کنیم. اگر سیاست خارجی مذاکره ای می کنیم

۱. ابراهیم رزاقی، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، ج ۱، تهران، انتشارات چاپخش، سال ۱۳۷۴، ص ۹۰

و تصمیمی می گیریم، عینا همین معنا وجود دارد. بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه ی فعالیت ها گوناگون کلان کشوری حضور و جریان دارد. فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند، چیست؟ این باید در این جا معین شود. بنابراین فرهنگ به عنوان جهت دهنده ی به تصمیم های کلان کشور است، این در واقع اهمیت و بنا گذاشتن یک مبنای فرهنگی را در این جا به ما نشان می دهد.

دوم، فرهنگ به عنوان شکل دهنده ی به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن حاکم است. دولت و دستگاه حکومت نمی تواند از این واقعیت به این اهمیت، خود را کنار نگه دارد. وقتی مردم در خانواده و ازدواج و کسب لباس پوشیدن و حرف زدن و تعامل اجتماعی شان در واقع دارند با یک فرهنگ حرکت می کنند - بنده پیش از انقلاب درس خرنای هایم مثال می زدم و می گفتم فرهنگ مثل توری است که ماهی ها بدون این که خودشان بدانند، در داخل این تور دارند حرکت می کنند و به سمتی هدایت می شوند - دولت و مجموعه حکومت نمی تواند خود را از این موضوع برکنار بدارد و بگوید بالاخره فرهنگی وجود دارد و مردم به چیزی فکر می کنند؛ نه، ما مسئولیت داریم این فرهنگ را بشناسیم، اگر ناصواب است، آن را تصحیح کنیم، اگر ضعیف است، آن را تقویت کنیم، اگر در آن نفوذی هست دست نفوذی را قطع کنیم. بنابراین فرهنگ به عنوان شکل دهنده ی به ذهن و رفتار عمومی جامعه هم یکی از میدان های اساسی است.

چیزهایی که در فرهنگ عمومی ما ضعیف است، یا جایش کم است، یا به قول آقایان احتیاج به دوز بالاتری دارد، کدام است؟

یکی از آنها انضباط است. جامعه ی ما به انضباط، نهایت نیاز را دارد. دیگری، اعتماد به نفس ملی و اعتزاز ملی است، یعنی احساس عزت کردن از این که من اهل ایرانم. به قول سهراب سپهری، "اهل کاشانم، روزگارم بد نیست" این افتخار است. یا در جای دیگر می گوید: "من مسلمانم". اعتزاز به ایرانی بودن، مابه این نیاز داریم. البته این با ملی گرایی ناقص - همان ناسیونالیسم منفی مطرودی که مامی همیشه آن را می کردیم - نباید اشتباه شود، این ناسیونالیسم مثبت است. این ملی گرایی به معنای خوب قضیه است، مابه این احتیاج داریم. مورد بعدی، قانون پذیری است، به هم تنه زدن، از هم جلو نیفتادن، حق همدیگر را برنداشتن، توی

جیب همدیگر دست نزدن، این ها قانون است و ما در جامعه این ها را لازم داریم.

موضوع دیگر غیرت ملی است. اگر ببینیم کسی دارد به نحوی از انحاء به مرزهای فرهنگی یا دینی یا جغرافیایی یا ملی ما تعرض می کند یا فکر تعرض دارد، باید خون ما به جوش آید و غیرت ما تحریک شود "مقوله ی بعدی، تدین و دین باوری است، دین باوری با همان معنای عام خودش. من این جا به نظرم به دانشجویان هم این نکته را گفتم که هر کس شب بیست و سوم و یکم قرآن سرش گرفت و "بک یا الله " گفت، از نظر من او همان دانشجویی است که من می گویم متدین و خدایی و مسلمان و حزب الهی است، کاری ندارم از کدام حزب و جناح و تشکیلات است. ما باید همه را به این طرف بکشانیم که شب بیست و یکم ماه رمضان احساس کنند دلشان به سمت مسجد و قرآن می کشد، این حالات برای کشور ما خیلی لازم است.

موارد دیگر، فرهنگ ازدواج، فرهنگ رانندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره، رشوه بگیریم، نگیریم، بارشوه گیری چه کنیم، کار مردم را چگونه راه بیندازیم - و فرهنگ لباس است... بنده با مد خیلی موافقم، جزو آدم هایی هستم که به مد گرایش دارم، اما مدی که از داخل جوشیده باشد چون مد یعنی ابتکار و نوآوری نه چیزی که از بیرون بیاید. مد آرایش مو و لباس و حرف زدن ما همه اش دارد از بیرون می آید...

الگوی مصرف و سائل زندگی مهم است، فرش و پرده و چراغمان چه طوری باشد، این ها را نمی شود نادیده گرفت. اگر کسی توی بحر این کار برود، می بیند چقدر سرمایه و فکر و همت و هنر دارد صرف این ها می شود که گاهی بسیاری از آنها بیهوده است. بالاخره جایی باید موضع خود را درباره ی این ها معین کند، حتی اگر بگوید من الان وقت ندارم و اولویت تعیین لباس ملی نیست. خیلی خوب، معلوم بشود که ما تا پنج سال یا ده سال این اولویت را نداریم و می خواهیم آن را کنار بگذاریم، لیکن بالاخره این انبار مجموعه ی فرهنگی صاحبی داشته باشد این هم فرهنگ در عرصه ی دوم است.

عرصه ی سوم، فرهنگ به عنوان سیاست های کلان آموزشی و علمی دستگاه های موظف دولت است، یعنی آموزش و پرورش عالی و بهداشت و درمان. دستگاه های موظف دولت بالاخره باید سیاست کلان آموزشی و علمی شان را از مرکزی بگیرند، این مرکز، این شورا است. درست است که آموزش و پرورش یک مجمع مشورتی است، ولی او کار دیگری می کند و نزدیک به اجراست، اما این دورتر از اجراست، کلان تر و وسیع تر نگاه می کند.

وزارت علوم و بهداشت و درمان هم به شدت به این شور احتیاج دارند.....
در بحث فرهنگ به عنوان سیاست های کلان آموزشی و علمی دستگاه های
موظف دولتی که عرصه ی سوم بود یکی از کارهایی که باید در این شورا تصمیم
گیری و اجرا شود. نحوه ی استفاده از مدیران و اساتید وفادار به دین و نظام اسلامی
و انقلاب است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای انقلاب
فرهنگی، ۲۶ / ۹ / ۱۳۸۲)

نتیجه

در مبارزه با تهاجم فرهنگی اطلاع رسانی و تبلیغ باید به گونه ای باشد که هر فرد بتواند
از خود و کشور خود در برابر تهاجم فرهنگی دفاع کند برای این امر لازم است در برنامه های
آموزشی از جمله نظام آموزشی، رسانه ها و ... اصلاحاتی انجام شود و سیاستهایی جهت کنترل
ورود کالاهای خارجی و اصلاح الگوی مصرفی توسط دولت و مسئولین مربوطه اخذ شود.

۱. حسن قدوسی زاده، نکته های ناب، ج ۴، چ ۶، تهران، دفتر نشر معارف، سال ۱۳۸۷، ص ۱۶ الی ۱۹

بخش سوم:

نمونه هایی از تهاجم فرهنگی

فصل اول:

خوراک

مقدمه

پیشرفت جهانی در عرصه های مختلف، زندگی انسان را دگرگون کرده است. صنعت فرآورده های غذایی و کیفیات غذا خوردن یکی از این عرصه هاست. که عواقب مثبت و منفی را به همراه داشته است. عواقبی همچون: روی آوردن به تنقلات مصنوعی مثل فست فودها ، انواع سس ها ، سوسیس ها و کالباس و... به همراه داشته و در زمینه ی کیفیت غذا خوردن هم انسانها را به سمت الگوهای غربی از جمله روی آوردن به رستوران ها و ستهای نا به جا مثل استاده غذا خوردن و... متمایل کرده و باعث شده آداب و سبک غذا خوردن ما که برگرفته از سنت و آموزهای دینی ماست مورد تحریف و تغییر قرار گیرد و کمتر سفارشات دین در زمینه ی نحوی غذا خوردن مراعات شود.

گفتار اول: کیفیت خوراک

۱-۱- غذای حلال

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (ذاریات / ۵۸)

خداست که خود روزی بخش نیرومند و استوار است.

آیاتی که عنوان می شود همه در مورد غذاهای حلال است. پاک و حلال بودن غذا اثرات عجیبی در روح و جسم آدمی دارد. با استفاده از این غذاها انسان تحولی عظیم پیدا می کند و به خود و خدای خود پی می برد، و فردی مفید برای خود و دیگران می گردد و می تواند سرنوشت خود و دیگران را عوض کند و مردم را به سوی الله هدایت کند.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ (بقره / ۲۲)

همانا (خدایی) که زمین را برای شما (به صورت) فرش (گسترانده) و آسمان را (به صورت) بنایی (افراشته) قرار داده و از آسمان آبی فرود آورده و بدان از میوه جات رزقی برای شما بیرون آورده است.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه، انسان را متوجه زمین و گیاهانی که از آن می روید و نیز میوه هایی که از آن ها به عمل می آید، می کند و به او هشدار می دهد. که ای انسان! غذای اصلی تو از گیاهان است، پس از حد خود تجاوز نکن! البته انسان در رژیم غذایی خود از گوشت هم می تواند استفاده کند، ولی مقدار آن باید اندک باشد. صحبت ما در اینجا این است که غذای اصلی انسان گیاه است و گوشت هم می تواند در کنار غذاهای گیاهی به مقدار کم مصرف شود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ (بقره/۱۲۶)

و چون ابراهیم گفت: پروردگارا! این (سرزمین) را شهری امن قرار ده و از ساکنان آن، هر کس که به خدا، روز باپسین ایمان دارد، از انواع میوه ها روزی اش بخش.
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (بقره/ ۵۷)

«از خوراکی های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، تناول کنید.» در این آیه، خداوند متعال انسان را متوجه غذاهای پاکیزه می کند. زیرا روح و جسم انسان را پاک می نماید و باعث می شود نور خداوند در دل انسان تجلی پیدا کند و منور به نور الهی گردد.
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ * أَنَا صَبَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا * ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا * فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا *
عِنَبًا وَقَضْبًا * وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا * وَحَدَائِقَ غُلْبًا * وَفَاكِهَةً وَأَبًّا * وَمَتَاعًا لَكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ (عبس/ ۳۲-۲۴)

پس انسان باید به خوراک خود بنگرد که ما آب را به صورت بارشی فروریختیم آن گاه زمین را شکافتیم و در آن، دانه رویاندیم و انگور و سبزی و زیتون و درخت خرما و باغ های انبوه و میوه و علف (تا وسیله ی) استفاده یشما و دامهایتان باشد.

چنانکه گفتیم در قرآن کریم چهار بار کلمه ی «فَلْيَنْظُرْ» بیان شده است که دو مورد آن در سوره های کهف آیه ۱۹ و عبس آیه ۲۴ درباره ی غذای انسان، یک مورد آن درباره عمل او در سوره ی حج آیه ۱۵ و مورد دیگر آن درباره چگونگی خلقت انسان در سوره طارق آیه ۱۵ است که فرمول زیر را می توان از آن بدست آورد. خلقت انسان + اعمال انسان = غذای انسان.

در سوره ی عبس، ابتدا خداوند متعال انسان را متوجه غذای او می کند که از چه موادی تشکیل شده است و کدام یک در اولویت قرار دارد، ابتدا به دانه ها، خصوصاً به حبوبات که مملو از پروتئین، آن هم از نوع پروتئین گیاهی اند، اشاره می کند.

علت بسیاری از بیماری ها استفاده از غذاهای آلوده و استرس های روحی و روانی است؛ حتی برخی از بیماری های روانی افراد نیز به نوع غذاهای مصرفی آنها بستگی دارد. در مجموع می توان گفت همه ی پروتئین های گیاهی ضدسرطان اند و از پیشرفت این بیماری جلوگیری می کنند. بارژیم غذایی مناسب، این بیماری قابل درمان است و به لطف خدا، بیماری می تواند بهبودی حاصل کند.

در حقیقت مردم، امروزه بیشتر از غذاهایی استفاده می کنند که متخصصین امر در آزمایشگاه برای کشت میکروب از آن ها استفاده می کنند. آیا در پرتو این مواد غذایی، یعنی غذاهای گیاهی، مانند عسل، سیر، آب پیاز، آب میوه جات یا بذرهایی مثل زیره، زنیال و.... باز هم میکروب کشت می شوند؟

خداوند متعال در این آیات انسان را به تعقل و خردورزی فرامی خواند و او را متوجه این نکته می کند که ای انسان! غذای تو همان داروی توست؛ پس دقت کن و ببین که چه می خوری؟

آیا با خوردن غذاهای غربی همانند سوسیس، کالباس، پیتزا و سایر غذاهای ساندویچی سلامتی خود را تأمین می کنید یا به خود ظلم نموده و خود را بیمار می کنید؟

به هر حال عزت انسان در گرو غذایی است که می خورد! انسان هرچه بخورد همان می شود. پس چه بهتر که از گیاهان بیشتری استفاده کند تا خوی و خصلت آنها در ما حلول کند نه خوی و خصلت گاو و گوسفند و بز و شتر و.....

زمانی ارزش انسان بیشتر می شود که اندیشه ای پاک و سالم داشته باشد و افکارش در راه حق و حقیقت متمرکز و سرانجام، نور هدایت را ببیند و بتواند برای خود و دیگران مفید باشد و این مهم تا حد بسیار زیادی در گرو غذایی است که هر روز و هر شب مصرف می کند.^۱

۱. برداشتی از کتاب جمشیدخدادی، پانزده روز تاسلامتی، ج ۱۲، تهران، موسسه نشر شهر، سال ۱۳۹۲، ص ۱۶۵ الی ۱۷۶

۱-۲- تنقلات مصنوعی

موادی از قبیل ، بیسکویت، شکلات ، آب نبات ، یخمک، نوشمک، چیپس و امثال آن هستند که اغلب کودکان از آنها استفاده می کنند و دچار آلرژی می شوند و ناراحتی ها و نگرانی هایی برای خانواده ایجاد می کنند . یکی از علت های مهم آلرژی زا بودن این مواد وجود نمک زیاد، رنگ های شیمیایی، موادافزودنی ،آردنول، قندهای مصنوعی و بکینگ پودر است. این تنقلات از نظر بهداشتی برای کودکان مضر است و معمولاً آن ها را به کم اشتهاپی ، ناراحتی های عصبی ، آلرژی های پوستی و تنفسی و حتی اغلب اوقات بیماری آلورپی (ریزش موضعی مو) دچار می کند . بیشتر کودکانی که مکرراً از این مواد استفاده می کنند ، دچار ورم لوزه های سوم می شوند و از نظر پزشکی باید جراحی شوند .

بارها مشاهده شده است که برخی از کودکان دچار بیماری آسم شده اند ؛ بهترین روش برای تضمین سلامتی آنها استفاده نکردن از این گونه خوراکی ها است . به جای این مواد ، می توان از تنقلات طبیعی استفاده کرد . ایجاد ناراحتی های پوستی و ریزش مو ف از بین بردن اشتها ی کودک و متوقف ساختن رشد آنان ، عصبی شدن و پر خاشگری کودکان ، ایجاد کیست های تخمدان در خانم ها و... از دیگر عوارض ناشی از خوردن این قبیل تنقلات است.^۱

۱-۳- انواع مختلف ظروف غذا و اهمیت استفاده

انسان موجودی است که از طبیعت آفریده شده و ناگزیر باید احتیاجات وی از طبیعت برآورده شود. متأسفانه، زندگی ماشینی و مدرن امروزی اکثراً مسائلی را برای انسان پیش می آورد که از او سلب آسایش و آرامش می شود. بسیاری از مردم هنگام خواب به داروهای روان گردان پناه می برند تا بتوانند اندکی استراحت کنند و شب را به صبح برسانند، تا بتوانند فعالیت های خود را از سر گیرند. هیچ یک از رویدادهای این جهان بی علت نیست. هر پدیده ای علتی دارد، بیمارهای اعصاب و روان و جسم نیز از این قانون مستثنی نیست و مسلماً علتی دارد. یکی از علت های این بیماری ها را می توان استفاده از ظروف غذا دانست. انسان روزانه حداقل دو تاسه وعده غذا نیاز دارد که این غذاها در یکی از انواع ظروف طبخ می شوند. نوع ظروف در طعم و مزه ی غذا اثر بسزایی دارد. هم چنان که طعم و مزه ی غذا نیز در سلامتی

۱. همان، ص ۲۸۴

انسان نقش عمده ای دارد و می تواند شخص را بیمار کند یا از بیماری ها پیشگیری کند. به عنوان مثال، آب گوشتی که در ظرف سفالین طبخ شود، در مقایسه با آب گوشتی که در ظرف تفلون آماده می شود، فوق العاده لذیذتر و خوش عطر و طعم تر خواهد بود. در طبخ غذا مسائل زیادی دخیل هستند، ولی مهمترین آنها روش طبخ و نوع ظرف است که می تواند طعم و مزه ی واقعی به غذا بدهد و سلامتی انسان را تأمین کند. پس نوع ظرف غذا می تواند به انسان آرامش و سلامتی هدیه کند و او را از بیمار شدن نجات دهد و او را در مقابل بیماری ها واکسینه نماید و مهم تر از همه، نشاط و شادابی را برای او به ارمغان آورد و موجب شود از خوردن غذا لذت کافی ببرد.

معمولاً ظرف هایی که مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از ظروف:

(۱) سفالین؛ (۲) لعابی؛ (۳) چینی؛ (۴) مسی؛ (۵) چدنی؛ (۶) سنگی؛ (۷) بلوری؛ (۸) ملامین؛ (۹) آلومینیوم و روی؛ (۱۰) چوبی؛ (۱۱) استیل؛ (۱۲) تفلون؛ (۱۳) پلاستیک؛ (۱۴) نقره ای؛ (۱۵) طلا.^۱

ظروف سفالین

بهترین ظرف برای انسان ظرف سفالین یا گلی است. این نوع ظرف سنخیت کاملی با بدن انسان دارد و غذا در آنها عطر و طعم خاصی پیدا می کند؛ زیرا اینها همانند انسان از جنس خاک اند و در این نوع ظروف غذا خیلی راحت و سریع آماده میشود- حتماً تا به حال با دیزی گلی غذا تهیه کرده اید و دیده اید که غذا چقدر خوشمزه و خوش طعم است. پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در این زمینه می فرمایند: خداوند به زندگی کسانی که اکثر ظروف غذای آنان گلی است، برکت می دهد. به همین جهت بیشتر ظروف موجود در جهیزیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز گلی بوده است.

ظروف لعابی

این ظروف دو گونه اند: الف) ظروف گلی لعابی؛ ب) ظروف چدنی لعابی.

هر دوی این ظروف کیفیت خوبی دارند، ولی ظروف چدنی لعابی بر اثر ضربه یا حرارت به تدریج لعاب خود را از دست می دهند و از حالت بهداشتی خارج می شوند. این در حالی است که ظروف گلی لعابی یا می شکنند یا ترک می خورند که در هر صورت، دیگر قابل استفاده نیستند، به خصوص اگر ترک خورده باشند.

یکی از علت های مفید بودن این نوع ظروف این است که هنگام طبخ، مواد غذایی با این ظروف ترکیب نمی شوند و هیچ نوع تغییری در آن به وجود نمی آید. از ظروف لعابی، به خصوص لعابی چدنی باید مراقبت کامل به عمل آید که صدمه نیند. اگر در لعاب چدن پدیدگی پیش آید، همان قسمت شروع به زنگ زدن می کند و دیگر نباید از آنها استفاده کرد. یکی از محسنات ظروف لعابی این است که باید با شعله و حرارت اجاق کم باشد؛ در غیر این صورت، حرارت زیاد به ظروف لعابی صدمه می زند.

استفاده از این ظروف و حرارت ملایم موجب آرام پختن غذا و در نتیجه، خوشمزگی و لذت شدن آن می شود. چنان که قبلاً گفتیم، طعم و مزه ی غذا یکی از بهترین راه های سلامتی است؛ زیرا خوشمزه شدن چنین غذایی اشتهای انسان را تحریک می کند و انسان غذای خود را با اشتهای کامل میل می کند و از آن لذت می برد و همین امر موجب می شود از نظر روحی و روانی نیز کمتر بیمار شود.

ظروف چینی

یکی از بهترین ظروف غذاست که خوشبختانه در اکثر خانواده ها رواج دارد. یکی از عیوب ظروف چینی این است که نمی شود در آن غذا طبخ کرد که یکی از علت های آن عدم طراحی صحیح در ساخت این نوع ظروف است. بنابراین، غذا را باید در ظرف دیگری طبخ و برای میل نمودن از ظروف چینی استفاده کرد. در مجموع، این نوع ظروف کاملاً بهداشتی اند و استفاده از آنها اشتها را تحریک و باعث وجد و نشاط انسان می گردند و همین امر موجب پیشگیری از بیماری خواهد شد؛ البته به شرطی که ظروف چینی از کیفیت خوبی برخوردار باشند. این نوع ظروف علاوه بر آن که از نظر بهداشتی بسیار مفیدند، شستشوی آنها نیز بسیار راحت و آسان است.

ظروف مسی

این نوع ظروف در گذشته رواج بسیاری داشتند و با قلع، آنها را قلع اندود می کردند که اصطلاحاً به آن «سفید کردن» می گفتند. یکی از مضرات ظروف مسی اکسید شدن آنهاست که بسیار خطرناک است؛ زیرا، اکسید سبز رنگی را ایجاد می کند که بسیار سمی است.

مس، فلزی است که هادی خوبی است و حرارت را به خوبی انتقال می دهد از این رو، غذا در آن سریع طبخ می شود. این نوع ظروف برای طبخ برنج ایده آل است. امروزه ظروف مسی به خاطر سنگین بودن و نیز نیاز به سفید کردن دیگر آن چنان رواجی ندارد و به

ندرت در خانواده ها دیده می شوند. یکی از بهترین کاربرد این نوع ظروف طبخ غذا در حجم های زیاد، مانند جشن های عروسی و مهمانی های بزرگ است.

ظروف چدنی

از این فلز بیشتر ظروفی می سازند که برای سرخ کردن مواد غذایی استفاده می شود. این نوع ظروف بیشتر در مغازه های ساندویچ فروشی و نیز به صورت ماهی تابه های کوچک در منازل مورد استفاده قرار می گیرد، از محسنات این ظروف این است که هنگام سرخ کردن، مواد غذایی به ظرف نمی چسبند و با حرارت کم به سرعت داغ می شوند و حرارت خود را نیز دیر از دست می دهند و همین امر موجب می شود غذا را در آن ها با حرارت ملایم طبخ و در نتیجه، خوشمزه شود. از مزایای دیگر این ظروف این است که هنگام طبخ، با مواد غذایی ترکیب نمی شود و این مسئله از نظر بهداشتی فوق العاده مهم است. برای حفاظت از این نوع ظروف بهتر است هنگام مصرف، از حداقل حرارت استفاده شود.

ظروف سنگی

یکی از بهترین ظرف ها برای تهیه غذاست که متأسفانه امروزه خیلی کم از آن ها استفاده می شود. بابا ظروف سنگی می توان بهترین غذاها را طبخ کرد، خصوصاً غذاهای گوشتی، مانند انواع خورشت و آب گوشت. ظروف سنگی برای تهیه این گونه غذاها بسیار مناسب است و غذا در کمترین زمان، دو تا دو ساعت و نیم که واقعاً زمان کمی است، با حرارت ملایم پخته می شود و مهمتر از آن، غذا در آنها بسیار خوشمزه می شود.

بهترین نوع این ظرف سنگ های سیاه بدون رگه های سفید است. ظروف سنگی یکی از بهترین ظروف غذا است که با هیچ نوع مواد غذایی ترکیب نمی شود. برای آماده کردن این نوع ظروف برای مصرف روزانه و نیز طولانی کردن عمر ظروف از روش های زیر استفاده می کنیم:

أ. ابتداء خرید ظروف دقت کافی به عمل آید تا بهترین نوع آن که سنگ بدون رگه های سفید است انتخاب شود.

ب. پس از آن، ظرف را شسته و ۲۵۰ گرم دنبه ی گوسفند را چرخ کرده و همراه با ۱/۵ تا ۲ لیتر آب در داخل ظرف سنگی بریزید و در حالی که آن را روی توری قرار داده اید، به مدت یک ساعت با حرارت ملایم بجوشانید.

ج. سپس اجاق را خاموش و صبر کنید تا ظرف کاملاً خنک شود.

د. محتوای ظرف را دور بریزید و آن را تمیز و خشک کنید و در جای مناسب

قرار دهید. در این رابطه، توجه به چند نکته لازم به نظر می رسد:

۱- دیگ سنگی را مستقیماً روی شعله ی اجاق قرار ندهید، بلکه همیشه آن را

روی نوری فلزی قرار دهید تا به آن صدمه وارد نشود.

۲- آب و غذا را طوری تنضیم کنید که نیاز به اضافه کردن مجدد آب نباشد. زیرا

این کار باعث می شود غذا طعم و مزه ی خود را از دست بدهد.

۳- سعی کنید از این گونه ظروف با احتیاط استفاده کنید تا دچار ترک خوردگی

و شکستگی نشود.

ظروف بلورین یا پیرکس

استفاده از این نوع ظروف اگر از مواد خوب تهیه شده باشند مانعی ندارد و کاملاً

بهداشتی است، ولی در هنگام طبخ غذا در این گونه ظروف باید دقت شود که کوچکترین

ترشحاتی، مانند قطرات آب با آنها تماس پیدا نکند؛ در غیر این صورت ممکن است خطرانی

به بار آورد و ظرف منفجر شود. علاوه بر این، در هنگام آشپزی با این ظروف باید کاملاً احتیاط

کرد تا از سوختگی نیز پیشگیری شود؛ زیرا کار کردن با آنها کار نسبتاً دشواری است.

ظروف ملامین

از نظر بهداشتی مناسب نیستند و مصرف آن ها به خانواده ها توصیه نمی شود؛ زیرا این

ظروف از مواد شیمیایی ساخته شده اند و برای استفاده ی غذای گرم و داغ توصیه نمی شوند.

استفاده از این نوع ظروف برای غذاهای داغ و گرم عوارض ناگواری را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، بهتر است برای غذاهای سرد به کار گرفته شوند. چون روکش این گونه

ظروف به مرور کنده و خورده می شوند. در مجموع، ظروف بهداشتی نیستند؛ زیرا از

مواد حلقوی آرماتیک ساخته می شوند و این مواد برای سلامتی مضرند.

ظروف آلومینیومی و روی

این نوع ظروف از فلزی به نام آلومینیوم یا روی ساخته می شوند و بیشتر مردم از این

ظروف استفاده می کنند. برای قابل مصرف شدن این نوع ظروف بهتر است ابتدا آن ها را خوب

شسته و با مقداری شیر بجوشانیم. توصیه می شود: اولاً، از طبخ مواد اسیدی مانند گوجه فرنگی

به صورت رب در این ظروف خوداری شود. ثانیاً، در موقع طبخ غذا در آن ها از قاشق چوبی

استفاده شود تا ذرات آلومینیوم و روی با مواد ترکیب نشود.

معایب ظروف آلومینیومی این است که ورود ذرات این فلز در بدن خطرات زیادی از جمله کندی ذهن و شعور و مسمومیت ایجاد می شود، اما استفاده از ظروف روی محسنات زیادی دارد از جمله تقویت مغز و اعصاب و کارکرد بهتر غدد درون ریز؛ زیرا این عنصر با ارزش؛ یعنی روی در تمام هورمون ها نیز وجود دارد و موجب می شود اندام های انسان به راحتی کار خود را انجام دهند و همین امر موجب نشاط و شادابی در آدمی می شود. کمبود روی در بدن باعث به وجود آمدن لکه های سفید در روی پوست و روی ناخن می گردد.

ظروف چوبی

این نوع ظروف اگر از مواد مناسبی تهیه شوند، برای انواع غذاهای سرد بسیار مناسب اند. برای حفظ و نگهداری درست موارد زیر توصیه می شود:

۱- هرچند وقت یک بار، آن ها را با روغن زیتون یا کنجد چرب کنید تا از ترک خوردن آن ها جلوگیری شود و آسیبی به آن ها نرسد؛

۲- بعد از شستن، سریعاً آن ها را خشک کنید. بهترین ظروف چوبی را می توان از چوب گردو ساخت که بسیار زیباست. از این نوع ظروف برای پذیرایی دسر ها، میوه جات، سبزیجات، انواع آجیل و..... می توان استفاده کرد و منظره ی زیبایی را نیز ایجاد می کند.

ظروف استیل

اگر در نظافت این نوع ظروف که از فلزی به نام استیل یا ورشو ساخت می شود، کوشا باشیم، کاملاً بهداشتی اند. عموماً آهن ربا این فلز را جذب نمی کند. در طبخ غذا با این گونه ظروف از حداقل حرارت باید استفاده کرد؛ زیرا حرارت را به سرعت انتقال می دهند و به همین خاطر، از طبخ برنج در این نوع ظروف باید خودداری کرد. در عوض، چنین ظروفی برای طبخ انواع خورشت ها بسیار مناسب اند. البته به شرطی که از حرارت ملایم استفاده شود. این نوع ظروف از نظر روانی منظره خوبی ندارند؛ زیرا محیط بیمارستان را تداعی می کنند و همین موضوع موجب تشویش و نگرانی خاطر می گردد و نیز در هنگام صرف غذا در اثر برخورد قاشق و چنگال با آنها سروصدای خاصی ایجاد می شود که از این نظر ممکن است برای افراد خوشایند نباشد و موجب ناراحتی های عصبی شود.^۱

ظروف پلاستیک

۱. همان، از ص ۳۴۷ تا ۳۵۵

این نوع ظروف معمولاً بهداشتی نیستند و استفاده از آنها برای کودکان مضر است. ظروف پلاستیکی در کودکان آلرژی و حساسیت ایجاد می کند و دچار بیماری های پوستی می شوند. متأسفانه امروزه استفاده از مواد پلاستیکی همه گیر شده اند و ضررهای مربوط به خود را دارند. بنابراین، بهتر است تا حد امکان کمتر از آنها استفاده شود تا از عوارض آن در امان بمانیم.

ظروف نقره

معمولاً این نوع ظروف در همه جا رایج نیست (به جز در خانواده های اشرافی و ثروتمند). ظروف نقره معمولاً بهداشتی نیستند و عمده مضرات آنها ترکیب شده با غذاست. به عنوان مثال، اگر قاشق نقره ای را در زرده تخم مرغ فرو کنیم، به سرعت اکسیده می شود و تغییر رنگ می دهد؛ یعنی زرده تخم مرغ با نقره ترکیب می شود. بهتر است از این نوع ظرف به عنوان ظرف غذا استفاده نشود. معمولاً از این گونه ظروف برای ترئین در دکوراسیون استفاده می کنند.

ظروف طلا

این نوع ظروف فوق العاده گرانبهاست و بیشتر شاهزادگان، اشراف و ثروتمندان از آنها استفاده می کنند. غذا خوردن در ظروف طلایی عموماً برای مردان نا مناسب و مضر است؛ آنان باید از این کار پرهیز نمایند تا آسیبی به آنان نرسد. ممکن است پیرسید که طلا برای آقایان چه ضرری دارد؟ در جواب عرض می شود هر چیزی که عموماً برای خانم ها مفید باشد برای آقایان مضر است؛ چون از نظر جسمی باهم متفاوتند. استفاده از طلا برای آقایان بیماری های خونی صعب العلاجی را ایجاد می کند!

استفاده از این نوع ظروف نوعی اسراف است و لذتی رانیز ندارد، مگر فخر فروشی و به خود بالیدن. از آنچه گذشت، نتیجه می گیریم که ساده زیستن، هنر است و کار هر کسی نیست. ظروف سفالین را می توان بهترین ظروف غذا معرفی کرد، زیرا بابت انسان سنجیت کامل دارند و غذا در آنها فوق العاده خوشمزه و لذیذ می شود و در نهایت سلامتی را برای انسان به ارمغان می آورند. پس باید ساده زیستن را سرلوحه زندگی و شعار قرار دهیم.^۱

۱-۳-۱ - اهمیت استفاده از انواع ظروف

۱. همان، ص ۳۴۷ الی ۳۵۵

ظروف از مهمترین نمادهای تغذیه انسان هستند در تمامی نقوش تاریخی و باستانی، تصاویر ظروف به عنوان نشانه ها و آثار فرهنگ و تمدن به چشم می خورد. ظروف از مهمترین نشانه های حکمت و قدرت علمی نیاکان ما هستند و در تاریخ و تمدن اسلامی و متون فقهی، بخش ویژه ای به ظروف اختصاص داده شده است. ظروف به جز نگهداری غذا، اثرات درمانی نیز دارند و چنان چه می دانیم پخت و نگهداری غذا از عوامل مهم حفظ صحت و تندرستی انسان است. اشاره قرآن به دو فلز مهم مس و روی را از معجزات آن به شمار می آورد زیرا نیاکان ما متوجه شده اند که این دو فلز نه تنها استفاده ظرفی دارند، بلکه مانند دارو عمل می کنند استفاده مدام از غذاهایی که در دیگ طلای پخته می شوند، مقوی قلب و رفع کننده ی وحشت و زائل کننده ضعف است.^۱

۱-۴- ظروف مضر و خطرناک

تماس مستقیم مواد غذایی و نوشیدنی گرم با ظروف یکبار مصرف، قطعاً سرطان زاست. ضرر فوق العاده ای این ظروف را می توان با یک آزمایش ساده دریافت: یک لیوان یکبار مصرف را در مقداری شیر سرد وارد کنید سپس شیر را بجوشانید، حتماً خواهد برید! البته اگر لیوان یکبار مصرف را قبلاً خوب با آب بشوئید، احتمالاً این اتفاق نخواهد افتاد. پس تاجای ممکن از ظروف یکبار مصرف استفاده نکنید. اگر ناچار شدید، تنها مواد غذایی یا نوشیدنی سرد را در آنها بخورید و پیش از مصرف، آنها را کاملاً با آب بشوئید تا مواد پاشیده شده به سطح ظرف در هنگام تزریق پلاستیک به دستگاه قالب زن، از آن پاک شوند.

این مسأله در مورد کیسه های پلاستیکی نیز مصداق دارد و اگر میوه را در داخل آن حمل کردید، حتماً میوه را پیش از مصرف بشوئید. ظروف کیسه های پلاستیکی در کودکان ایجاد آلرژی و حساسیت می نمایند. به نظر می رسد که این همه اصرار برای مبارزه با میکروب ها، مارا دچار بی اعتنایی به مواد شیمیایی بسیار مضر اطرافمان کرده است.

اگر بخواهیم ظروف را به طور خلاصه طبقه بندی کنیم باید بگوییم:

۱- ظروف چینی جزو بهترین ظروف به حساب می آیند.

۲- ظروف شیشه ای و پیرکس، اگر از مواد خوب تهیه شوند کاملاً بهداشتی هستند.

- ۳- ظروف لعاب دار چینی، مشروط به آنکه لعاب بامواد مضر شیمیایی مخلوط نشده باشد، در رده ی بعدی قرار می گیرند.
- ۴- ظروف سفالین زرد رنگ که پیش ترها برای پخت وپز استفاده می شده، جزو ظروف خوبند. بویژه برای نگهداری غذا؛ اما در ظروف ساده ی گلی فقط تا دو بار مجازیم غذا بپزیم، مگر آنکه لعاب مطمئنی داشته باشد.
- ۵- ظروف سنگی برای طبخ غذاهای گوشتی مانند انواع خورش و آبگوشت مفید است، این ظروف نیز جزو بهترین ظرف هستند.
- ۶- ظروف چدنی در هنگام پخت با غذا ترکیب نمی شوند که از نظر بهداشتی حائز اهمیت است.
- ۷- ظروف طلا و نقره: خوردن غذا در آنها شرعاً ممنوع است اما حالت های ترکیب آنها با فلزات دیگر مانند برنج بویژه در قسمت درب ظروف مانند سرپوش سماور ها که یون جزئی آزاد می کند. بلا مانع است.
- ۸- ظروف مسی قلع اندود، به ویژه آنهایی که تازه قلع دار شده اند، جزو ظروف خوبند.
- ۹- ظروف چوبی، اگر از چوب مناسب ساخته شوند، فقط برای غذای سرد مناسب هستند.^۱

گفتار دوم: چگونگی مصرف خوراک

۲-۱- حذف سنت های نادرست

متأسفانه، در جامعه ی امروزی سنت درست غذا خوردن از بین رفته، و به جای آن آداب نادرست غرب حاکم شده است. از جمله این عادت های نادرست دیروقت غذا خوردن، در مهمانی های رسمی و جشن ها به حال ایستاده غذا خوردن، استفاده از چندین نوع غذا برسر میز شام یا نهار، استفاده ی مکرر و مدام از انواع نوشابه ها همراه غذا و جایگزین شدن غذاهای غربی مانند: پیتزا، سوسیس و کالباس و سایر غذاهای «من درآوردی» که بسیار مضر است و اختلالات زیادی در سیستم گوارش و اعصاب ایجاد می کند و وارد شدن با کفش در منزل که

۱ . دکتر حسین روازاده، برگرفته از کتاب بهداشت تغذیه ازدیدگاه حکمای پزشکی ایرانی، ج ۳، تهران، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، سال ۱۳۹۰، از ص ۱۳۰ الی ۱۳۴

صددرصد مغایر اصول بهداشت است. ما مسلمانیم و نظافت و پاکی جزئی از زندگی ما محسوب می شود. بنابراین چه لزومی دارد با کفش وارد خانه شویم؟ با این کار چه چیزی را می خواهیم ثابت کنیم: تنبلی یا تجدد؟^۱

۲-۲- سنت گرایی و تجدد گرایی

۲-۲-۱- سنت گرایی

در این جهان پهناور مردمان بی شماری با آداب و رسوم خاص و مختلف زندگی می کنند مردم هر منطقه به این عادت و رسوم خو گرفته اند و به آن پا بیندند، اما آنها در اجتماعات مختلف متغییرند و از سال ها پیش، بین مردم آن جامعه رواج داشته اند. جوامع انسانی به دو گروه بزرگ تقسیم می شوند: جامعه ی شرقی و جامعه ی غربی. با بررسی تاریخ و تمدن بشری درمی یابیم که اولین تمدنی که در جهان مادی به وجود آمده در اطراف بین النهرین بوده است و به مرور زمان، مردم آن دارای تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم خاصی گردیده اند.

بنابراین، تمدن و فرهنگ شرقی آغاز گردیده و پس از آن به اجتماعات دیگر و ملل مختلف انتقال یافته است. عوامل بسیاری در تغییر فرهنگ و تمدن دخیل بوده است.

عواملی از قبیل محیط، شرایط جغرافیایی، علم و دانش، نوع تغذیه، روابط اجتماعی و هم چنین روابط با سایر ملل در آداب و رسوم انسانی مؤثر است و با پیشرفت زمان، این قوانین با مرور دستخوش تغییرات می شود انسان موجودی است دارای قدرت، خلاقیت و ابتکار که روز به روز بردانش و فرهنگ خود می افزاید و از آداب و سستی که با عقل سازگاری ندارند، می پرهیزد و مسائل مهمتری را جایگزین سنت های غلط می نماید.

همانطور که انسان در روابط اجتماعی خود دارای فرهنگ سنت خاصی است، در مورد تغذیه نیز از قوانین و سنن خاصی پیروی می کند و هرگز حاضر به تغییر و بهبود بخشیدن آن نیست. چه اشکالی دارد انسان در زمینه تغذیه و پخت و پز غذا و تغییر طعم و کیفیت آن تحقیق کند و به نتایج زیبایی دست یابد؟ این امر در تأمین سلامتی انسان نقش عمده ای ایفا می کند. بنابراین، سنت گرایی به این معنا که انسان مدام در یک نقطه توقف کند و پیشرفتی نداشته باشد، کار عاقلانه ای نیست؟ همچنان که عکس این قضیه هم درست نیست که انسان

۱. برداشتی از کتاب جمشیدخدای، پانزده روز تاسلامتی، چ ۱۲، تهران، موسسه نشر شهر، سال ۱۳۹۲، ص ۲۳۱

روز به روز با پیشرفت علم و دانش و مشخص شدن خواص میوه جات و سبزیجات به خصوص مواد غذایی دچار علم زدگی شود و تنها به خاطر برخی از مزه های مصنوعی، خود را اسیر و بنده ی شکم نماید و با دست خود خود را به هلاکت بیندازد.

متأسفانه، جامعه ی کنونی ایرانی دچاره پسرفت شده و به جای غذاهای سنتی، سوسیس، کالباس، پیتزا و مانند آن جایگزین شده است. تغذیه از این نوع غذاها انسان را دچار بیماری های روحی و روانی می کند و در نهایت، ناگزیر به انواع داروهای رنگارنگ پناه خواهد برد. اگر امروز از نظر علوم تغذیه این نوع مواد غذایی را بررسی کنیم، خواهیم دید که اصلاً بهداشتی نیستند و فوق العاده مضر و فاقد ارزش غذایی مفیدند؛ زیرا برای حفظ و نگهداری این نوع مواد غذایی از مواد شیمیایی به نام سدیم نیتريت استفاده می کنند که ماده ای سمی است و اختلالاتی را در بدن انسان ایجاد می کند.

آیا این نوع تغذیه دلیل بر تمدن و تجدد یا بالا بردن انسان است یا برعکس، نشان دهنده ای آن است که اسیر هوی و هوس معده ی خود شده ایم؟ انسان باید در راه سلامت خود و جامعه و پیشرفت آن بکوشد؛ زیرا در هر زمینه ای سلامتی حرف اول را می زند و جامعه ی بیمار از تعادل روحی روانی برخوردار نیست و عقل سالم نیز در بدن سالم است.

انسان موجودی است دوبعدی، که از جسم و روح تشکیل شده است و اگر هر کدام از این دو دچار اختلال یا بیماری شود، مطمئناً در بعد دیگر تأثیر خواهد گذاشت. اگر انسان غذایی میل کند که جسم او دچار ناراحتی و عدم تعادل شود، مطمئناً در روح و روان و ذهن او نیز اثر نامطلوبی به جا خواهد گذاشت؛ زیرا سیستم مغز و اعصاب یکی از مصرف کننده هاست. حال اگر غذای مناسب برای تغذیه آنها ارسال نگردد، دچار ناراحتی خواهند شد. امروزه تنها چیزی که بر مردم حاکم شده این همه اضطراب، استرس و انواع نگرانی ها و فشارهای عصبی است که آنان را فلج ساخته و نمی دانند چگونه باید از آنها نجات یابند. این مشکلات عمدتاً ناشی از سنت های غلط و به ویژه تغذیه ی نادرست است.

بنابراین، بهتر است سنت گرای مطلق نباشیم و تاجای که ممکن است، در بهبود سنت ها تلاش کنیم نه آنکه به گذشته برگردیم. با این که انسان تاکنون از پیشرفت های علمی بزرگی برخوردار شده است، از بسیاری مسائل، از جمله مسائل فرهنگی و آداب و سنن و رفتارهای شایسته به دور مانده و روزه روز به قهقرا رفته است.^۱

یکی از بیماری های قرن حاضر است که گریبان گیر انسان ها شده است. امروزه انسان ها با الهام گرفتن از جوامع غربی و اروپایی می کوشند خود ونحوه ی زندگی و حتی روابط اجتماعی خود را حتی در غذا خوردن روزمره به شکل آنها درآورند. این در حالی است که اگر شرقی ها، به خصوص ما ایرانی ها به تاریخ و تمدن خود بنگریم، به مسائل شگفتی دست می یابیم و می بینیم که در گذشته چقدر صاحب قدرت، عظمت، شوکت و علم و دانش بالایی بوده ایم.

امروزه بدترین روش در مورد تغذیه را از غربی ها گرفته ایم و غذا خوردنمان را مانند آن ها کرده ایم، درست است که غرب و اروپا از نظر علوم و تکنولوژی پیشرفت های چشمگیری داشته اند، اما باید دید در مورد سایر مسائل هم به موازات علم و صنعت پیشرفت کرده اند یا خیر؟

متأسفانه، اکثر مردم با مشاهده ی پیشرفت علم و صنعت غربی ها، در سایر زمینه ها هم از آنها تقلید می کنند. در حالی که انسان آزاده و با منطق کسی است که خوبی ها و نیکی ها را در خود جمع کند و هیچ گونه تعصبی در پذیرفتن واقعیت ها نداشته باشد؛ هر چند این محسنات در مردم غرب و اروپا یا سایر ملل وجود داشته باشد؛ زیرا انسان فطرتاً خدا جوست و به نیکی ها، درستی ها و محسنات عشق می ورزد.

در حقیقت، گرایش به خصائل نیکی، مرز نمی شناسد و رنگ و نژاد نمی داند. انسان باید بکوشد هر جا مسأله درستی را ببیند، آن را قبول ار آن پیروی کند و از آن سرمشق بگیرد. هدف از بیان این مطالب، زیر سؤال بردن غرب و اروپا و سایر ملل نیست، بلکه هدف این است که فرهنگ غلط را نپذیریم و آن را سرمشق خود قرار ندهیم. فرهنگ اگر پیشرفته و قابل اعتماد باشد، باید به آن متمسک شد و پذیرفت. زیرا علم و دانش و فرهنگ مترقی مربوط به همه ی ملل دنیاست و حد مرز نمی شناسد، یعنی وجود مرز های جغرافیایی نمی تواند مانع از اشاعه ی آن گردد.

هر جامعه و ملتی فرهنگ خاص خود را دارد و از سوی دیگر، نباید یک فرهنگ تا ابد بر گروهی از مردم حاکم شود؛ زیرا انسان قابل ترقی است و باید بکوشد روز به روز فرهنگ خود را بهبود بخشد و از جمود و سکون بپرهیزد.

گروهی از جوانان ما نیز خود را به شکل افرادی درآورده اند که درزندگی پیرو هیچ قانونی نیستند و باری به هر جهت زندگی می کنند. حیف است جوانان برومند کشورمان از

این افراد پیروی کنند. آنان با این کار نه چیزی را به دست می آورند و نه علم و فرهنگی از آنان کسب می نمایند، فقط با این کار شکل ظاهری خود را تغییر می دهند. حال باید پرسید هدف جوانان از این کار چیست و این تقلید چه بینشی به آنها می دهد و از این طریق، صاحب چه کمالاتی می شوند؟

پوشیدن کفش در خانه یکی دیگر از اموری که امروزه افراد متجدد انجام می دهند. استفاده از کفش در منزل یا آمدن با کفش از بیرون به داخل خانه کار صحیحی نیست؛ زیرا در درجه ی اول ما مسلمانیم و با پاکیزگی جزء زندگی ما باشد و این کار با پاکیزگی مغایرت دارد.

پاکیزگی و بهداشت اموری است اجتناب ناپذیر و جزء لاینفک زندگی هر انسانی است و هر فردی باید خود را ملزم به رعایت آن بداند تا از بیماری ها مصون باشد. فضای خارج از منزل مانند کوچه و بازار و خیابان یا اماکن عمومی معمولاً مملو از آلودگی هاست. حال چگونه انسان با کفشی که باچنین مکان هایی تماس داشته است، وارد اتاق نشیمن، خواب و یا آشپزی می شود؟

البته اگر کفش تمیزی را مختص رفت و آمد روی فرش قرار دهیم، مناسب و بی اشکال است و وقتی که از بیرون به منزل مراجعت می کنیم، از آن کفش تمیز استفاده کنیم. بنابراین، پیروی از بعضی آداب ملل دیگر، آن هم به طور کورکورانه و غیرعلمی، به جای پیشرفت و تمدن بیماری ها و اخلاق ناشایست را برای ما به ارمغان می آورد.^۱

۲-۳- روایات وارد شده راجع به آداب نشستن پیامبر بر سر سفره

عَنْ الْقُطْبِ فِي دَعْوَتِهِ، قَالَ: وَرَوَى مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مَتَكِنًا إِلَّا مَرَّةً، ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ. أَقُولُ: وَرَوَى هَذَا الْمَعْنَى الْكِنَنِيُّ وَالشَّيْخُ بِطَرَقٍ كَثِيرَةٍ وَكَذَلِكَ مَصْدُوقُ الْبَرْقِيِّ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ يَعْقِبَ فِي كِتَابِ الزَّهْدِ.

ترجمه: در کتاب دعوات آمده است که: پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - جز یک مرتبه در حال تکیه غذا نخورد که پس نشست و فرمود: بارالها! من بنده و فرستاده ی توام.

فی الکافی: مسنداً عن زیدالشَّحام، عن ابی عبدالله-علیه السلام- قال: ماأَکَل رسول الله- (صلی الله علیه وآله وسلم) متَّکئاً منذ بعثه الله عزَّوجلَّ حتی قبضه، وكان یأَکُل أَکله العبد ویجلس جلسه العبد. قلت: ولم؟ قال: تواضعاً لله عزَّوجلَّ.

ترجمه: امام صادق- علیه السلام- فرمود: پیامبر- صلی الله علیه وآله وسلم- از زمانی که به پیامبری مبعوث شد و تاروژی که جان او گرفته شد در حال تکیه غذا نخورد، همچون بردگان غذا می خورد و مانند آنها می نشست، راوی می گوید: چرا؟ فرمود: تواضع برای خداوند عزوجل.

وفی کتاب التعریف للصفوانی: عن امیر المومنین (علیه السلام) : کان رسول الله (صلی الله و آله وسلم) إذا قعد علی المائدة قعد قعدہ العبد، وكان یتکی عن (علی) فعدہ الیسیر.

ترجمه: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: هرگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در کنار سفره می نشست، همانند بردگان می نشست و بران چپش تکیه می کرد.

برداشت شخصی: یکی از آدابی که امروزه وارد زندگی ما انسان ها شده نشستن بر روی صندلی در هنگام غذا خوردن است این نوع نشستن در کنار حسن ها دارای ضررهایی هم می شود که سعی می شود در آینده طبق علوم پزشکی محاسن و مضرات آن بررسی شود متأسفانه امروزه اکثراً تمام رستوران ها و حتی سفره خانه های سنتی بین شهری هم رو به تزئین محل خود با استفاده از صندلی آورده اند طبق این روایاتی که در مورد نحوه ی غذا خوردن پیامبر بودند روی زمین نشستن از روی صندلی نشستن در حال تکیه زدن غذا را میل کردن بهتر است. چه خوب است که باز هم به گذشته ی تاریخی سنت و سیره ی بزرگان دینی خود رجوع کنیم و از آنها الگوگیری کنیم نه از تبلیغات سوء غرب.^۱

گفتار سوم: غذا خوردن با سبک ایرانی اسلامی

غذا خوردن در هر کشوری آداب و سبک خاص خود را دارد؛ مثلاً آدابی که چینی ها، ژاپنی ها، ایتالیایی ها هنگام غذا خوردن رعایت می کنند با سبک و آیین غذا خوردن ما ایرانی ها تفاوت زیادی دارد.

۳-۱- سفره

۱ سید محمد طباطبائی، سنن النبی، مترجم: لطیف و سعید راشدی، ج ۱، تهران، انتشارات وحدت بخش، سال ۱۳۸۸، ص ۲۱۵

در سبک و آداب غذا خوردن ما ایرانی ها برتری ها، مزایا و ویژگی هایی گنجانده شده که برگرفته از سنت و آموزه های دینی مان است که توجه به آن سهم بسزایی در حفظ سلامت و ایفای شخصیت ما دارد که متأسفانه این آداب و آموزه های ارزشمند در حال تحریف و تغییر بوده و نیاز به احیا دارد.

نسل جوان ماتفریباً با آن سفره هایی که روی زمین پهن می شد و خانواده دور آن می نشستند، بیگانه است و در نتیجه بعضی آداب صحیح غذا خوردن به سبک ایرانی و اسلامی رانیز نمی دانند. اغلب جوانان ما به غذاهای فرنگی و سرپایی که اغلب ساندویچی است و در سینی های تک نفره ارائه می شود عادت کرده اند، سفره جای خود را به میز، و غذاهای اصیل سنتی ایرانی جای خود را به غذاهای کنسروی و فرنگی داده ضمن اینکه آداب خوردن غذاهای فرنگی جایگزین آداب غذاهای اصل ایرانی شده است، اما آیا می دانید بر طبق آموزه های دینی و تغذیه ای غذا خوردن دور سفره چه آدابی دارد؟

بدنیست بدانید براساس تحقیقات انجام شده هنگامی که با افراد مورد علاقه مان بخصوص همسر، فرزند و پدر و مادر غذا می خوریم هورمون هایی در بدن ترشح می شود که به هضم غذا کمک کرده و از استرس و اضطراب می کاهد.

سر سفره به حقوق همدیگر احترام بگذاریم شاید افرادی را دیده باشید که در یک مهمانی هنگام خوردن غذا آداب صحیح یا حریم ادب را رعایت نمی کنند یا به غذای که در کنار آنها قرار گرفته قانع نیستند و مدام در شمارش لقمه غذای دیگران و به استهزا گرفتن آنان هستند.

در این خصوص اهل بیت علیهم السلام ضمن اینکه بر حضور جمع خانواده کنار سفره تأکید فراوانی داشته اند آداب مخصوصی را نیز رعایت می کردند. از جمله اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله افراد را از نگاه بیش از اندازه به لقمه دیگران بر سر سفره بر حذر می داشتند، چرا که این نگاه آنها را معذب کرده و آرامش فرد را برای خوردن سلب می کند. از این روایشان برای ایجاد فضایی آرام و خودمانی، اغلب سفره های دراز برپا می کردند و به کسانی که روبه رویشان می نشستند غذا تعارف کرده و همین طور لقمه ای برای آنها می گرفتند و هیچ عجله ای برای کنار کشیدن از سفره از خود نشان نمی دادند و همیشه صبر می کردند سفره به طور کامل جمع شود و بعد بلند می شدند، اما نکته مهمی را که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد آداب سفره بسیار جدی مطرح کرده اند آن است که هنگام پهن شدن سفره هر کس باید هر آنچه که پیش رویش گذاشته شده بخورد و باید به حقوق دیگران در آنچه سر سفره گذاشت احترام بگذارد. در غیر این

صورت سبب بروز بد دلی و تنفر در اطرافیان می شود و این درست مصداق افرادی است که وقتی با سفره ای پر از غذا مواجه می شوند با حالتی تهاجمی به دنبال بهترین و بیشترین های سفره اند.

۳-۲- بسم الله گفتن

«بسم الله» و «الحمد لله» یادمان نرود هر فرد مسلمانی موظف است هنگام شروع به خوردن غذا نام خداوند را با گفتن «بسم الله» بر زبان بیاورد. همان عبارتی که بدون اغراق بیشتر ما در کنار سفره و با دیدن غذاهای رنگارنگ گفتن آن را فراموش می کنیم، اما باید بدانیم خداوند تعالی می فرماید آنچه را که نام خدا بر آن برده نشود، تناول نکنید. سنت پیامبر ﷺ هم براین بود که هرچیزی را که می خواستند میل کنند، حتی مقدار کمی نمک «بسم الله» می گفتند. پس بهتر است بر سفره غذا «بسم الله» با صدای بلند گفته شود، چرا که نه تنها بلند گفتن آن مستحب است بلکه دیگران بخصوص نسل جوان امروزی را در صورت فراموشی به یادآوری واهی دارد و هنگامی که از غذا خوردن فارغ شدید «الحمد لله» بگویید و شکر نعمت به جای آورید و همچنین از میزبان تشکر کنید. این را هم بدانید قبل و بعد از خوردن غذا باید دستها و دهان را با آب بشوید و خشک کنید، زیرا رعایت نکردن بهداشت سبب بروز بیماری و تنفر افرادی می شود که با شما سر یک سفره غذا می خورند.

۳-۳- غذای داغ نخوریم.

پیامبر ﷺ افراد را از خوردن غذای داغ منع می کردند و می فرمود: «خداوند آتش را در غذای ما قرار نداده است» و تأکید داشتند غذای داغ نه تنها برای سلامتی زیان آور است، بلکه موجب می شود فرد غذای را بخورد که طعم آن چندان مشخص نیست. در طب جدید هم ثابت شده است از آنجاکه بافت های بدن با غذاها و نوشیدنی های داغ هماهنگ نیست، خوردن آن می تواند سرعت تخریب و تکثیر سلول های بدن را افزایش داده و احتمال ایجاد تومور و ریسک ابتلا به سرطان مری را افزایش دهد. همچنین غذاهای داغ می تواند روی ساختار مینای دندان اثر منفی گذاشته و موجب تضعیف معده و تهوع و در نتیجه کم غذایی شود.

۳-۴- هنگام خوردن غذا حریم را رعایت کنیم.

در دانش پزشکی و آموزه های دینی آمده که بهتر است نیم ساعت برای صرف غذا زمان بگذاریم و در این مدت خوب غذا را بجویم تا آن را راحت تر هضم کنیم. به فرمایش امام صادق (ع): غذا خوردن را طولانی کنید زیرا لحظاتی از عمر محسوب نمی شود. در شروع

خوردن، سبک ترین غذا را انتخاب کرده و مستحب است خوردن غذا را از کنار بشقاب، نه از وسط و بالای آن شروع کنید. غذا را با دهان بسته بجوید و زمانی که دهانتان پر است صحبت نکنید. به اندازه ی دهانتان لقمه بردارید و بگذارید لقمه ی اول از گلویتان پایین برود و سپس لقمه بعدی را بردارید. آنچه را که از غذا در سفره می ریزد برای حیوانات بگذارید. غذای چون مرغ ویره درسته را با ابزار خود جدا کنید و از تماس مستقیم دست پرهیزید. تکه نان، مرغ یا گوشت استخوان دار، ساندویچ و چیپسی را که در ظرفتان قرار دارد، مجازید با دست بخورید. بشقابتان را بیش از حد پرنکنید و در زمان خوردن غذا سعی کنید با دیگران هماهنگ شوید. غذا را به شکلی رغبت انگیز و جذاب میل کنید. هنگام خوردن لقمه ها را مزه مزه کنید و فقط روی خوردن تمرکز کنید تا بتوانید بیشترین لذت را از عطر و طعم غذا ببرید.

اگر نوشیدنی یا غذایی خواستید که با شما فاصله داشت خودتان بلند نشوید و از کسی که در نزدیک غذاست کمک بگیرید. اگر غذا شور، شفته، سفت، یا سرد شده بود شکوه و گلایه راه نیندازید، چون مهمانان تنها هدف شما از شرکت در این مراسم را خوردن غذا می دانند. اگر در مهمانی در حال صرف غذا بودید و آشنایی را دیدید بلند نشوید. تکان دادن سر یا دست کافی است، چرا که بلند شدن شما موجب ناراحتی هم نشینتان خواهد شد. هنگامی که از خوردن فارغ شدید بشقاب را به جلو هل نداده و دستتان را روی زانو قرار دهید. برای خارج کردن غذا از لابلای دندانهایتان با نخ دندان و خلال کردن عذرخواهی کنید و به جای دیگری بروید.

۳-۵- برسر سفره لم ندهید.

از آموزه های دینی است که وقتی کنار سفره می نشینید بدن خود را به هیچ چیز تکیه ندهید و هیچ وقت ایستاده و سرپایی غذا نخورید. تکیه دادن بریکی از دستها و یا دست دیگر غذا خوردن، تکیه دادن بر پهلوی، پشتی یا بالش یا خوردن غذا به حالت دهر و درازکش روی زمین نه تنها برای سلامتی مضر بوده، بلکه از اوصاف متکبران و ستمگران است.

۳-۶- چه کسانی زشت غذا می خورند؟

بر طبق آموزه های دینی، کسی که قبل از آوردن غذا گرسنگی خود را حفظ نکند و چشمانش را به در اتاق یا دست هر کسی که وارد اتاق می شود بدوزد. فردی که صدای جویدن و بلعیدن لقمه غذایش حسی زننده در اطرافیان ایجاد کند. شخصی که لقمه را در دهانش گذاشته و با انگشتانش آن را به زور در حفره دهان جا می دهد کسی که غذا را از ظرفی به ظرف دیگر می ریزد تا خنک شود. فردی که نان یا غذا را از ترس این که دیگری بخورد به

سوی خودش می کشد یا نان را تکه تکه کرده و برای گرم شدن زیر ظرف غذا می گذارد و به قصد خوردن، چربی دستانش را با آن پاک می کند. شخصی که در حال جویدن لقمه است و قبل از آن که آن را قورت بدهد، دهانش باز و چشمش به لقمه ی بعدی است.^۱

گفتار چهارم: نکاتی در زمینه اصلاح الگوی مصرف غذا

گزارشات موجود حاکی از آن است که کشور ما با انواع مشکلات تغذیه ای ناشی از کم خونی و پرخوری مواجه است. از یک طرف مشکلات ناشی از کم خونی به شکل سوء تغذیه (کوتاهی قدی، کم وزنی و لاغری) در کودکان زیر ۵ سال کشور و کمبود ریز مغذی ها به ویژه کمبود آهن و کم خونی ناشی از آن، کمبود ید و گواتر، کمبود کلسیم، کمبود ویتامین های A و D, B در افراد جامعه وجود دارد و از سوی دیگر پر خوری و تغییرات الگوی مصرف غذا به صورت افزایش مصرف مواد قندی و چربی موجب شیوع روزافزون بیماری های متابولیک نظیر بیماری های قلب و عروق، دیابت، چاقی و انواع سرطان ها و افزایش فشار خون در کشور است.

سوء تغذیه و کمبود ریز مغذی ها با عواقبی مانند اختلال در رشد و تکامل جسمی و مغزی کودکان، کاهش بهره ی هوشی، کاهش قدرت یادگیری، افت تحصیلی، کاهش مقاومت بدن در مقابل بیماری ها، افزایش ابتلاء به بیماری ها و در نهایت کاهش توانمندی هایی ذهنی و جسمی افراد جامعه همراه است و شیوع روز افزون سکتة های قلبی و مغزی، افزایش فشار خون، دیابت و انواع سرطان ها که یکی از عوامل مهم و زمینه ساز آن تغییر در رژیم غذایی و الگوی مصرف غذا به شمار می رود، ضمن کاهش طول عمر افراد جامعه، هزینه های درمانی سنگینی را به افراد تحمیل می کند.

با توجه به اینکه یکی از اقدامات اساسی در زمینه اصلاح الگوی مصرف غذا، توجه به نحوی طبخ آن و رعایت تعادل و تنوع در برنامه غذایی روزانه است بهتر است موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- در طبخ غذا از روغن مایع استفاده شود و در صورت امکان غذاها به جای سرخ شده، به صورت آب پز، بخارپز، کبابی و یا کم سرخ تهیه شود.

۱. سایت تبیان، بخش تغذیه و آشپزی

- ۲- در صورت تهیه غذابه صورت سرخ شده، از حداقل مقدار روغن (روغن مایع مخصوص سرخ کردنی) استفاده شود. استفاده از حرارت بالا هنگام طبخ ایجاد ترکیبات شیمیایی نامطلوب در روغن می شود. این مواد باعث کدر، بدبو، غلیظ شدن روغن و دود کردن آن می شود. بنابراین، روغن با شعله کم حرارت داده شود. مصرف زیاد روغن جامد ممنوع است.
- ۳- غذاها به شکل کم چرب تهیه شوند، به طور مثال پوست و چربی مرغ قبل از طبخ جدا شود؛ تمام قسمت های چربی قابل رؤیت گوشت قرمز قبل از طبخ گرفته شود.
- ۴- برای تهیه انواع خورش مثل قورمه سبزی، خورش کدو و بادمجان، سبزی، کدو، بادمجان با روغن کم و به مدت کوتاه تفت داده شود. سرخ کردن زیاد و طولانی مدت سبزی ها موجب از بین رفتن ویتامین های آن می شود.
- ۵- دقت شود که تمام قسمت های کباب به طور یکنواخت پخته و مغز پخت شود و مقدار چربی تا حد امکان کم باشد.
- ۶- یک پیاله ماست همیشه و روزانه سرو شود، بهتر است ماست پاستوریزه کم چربی عرضه شود.
- ۷- به جای انواع نوشابه های گازدار که به علت قند زیاد (هر بطری ۳۰۰ میلی لیتری نوشابه در حدود ۲۸ گرم قند دارد) موجبات چاقی را فراهم می کند، نوشیدنی های سالم تر مثل دوغ پاستوریزه کم نمک توصیه می شود. نوشابه های گاز دار به علت داشتن مقادیر زیادی فسفات، جذب کلسیم غذا، در وعده ی غذایی را مختل نموده و بدین طریق موجب کمبود کلسیم و نهایتاً پوکی استخوان می شود.
- ۸- با توجه به آخرین توصیه سازمان جهانی بهداشت در زمینه کاهش مصرف نمک و کمتر از ۵ گرم در روز، توصیه می شود از حداقل مقدار نمک در طبخ غذا استفاده شود و نمک مورد استفاده، نمک یددار و تصفیه شده باشد و به شرط صحیح نگهداری نمک یددار برای حفظ ید آن (ظرف در بسته، پوشش رنگی و غیرقابل نفوذ نسبت به نور) تأکید شود.
- ۹- با توجه به اینکه ویتامین ها و املاح مورد نیاز بدن از سبزی ها و میوه ها باید تأمین شود، به سر و سبزی و صیفی تازه مثل گوجه فرنگی، فلفل سبز دولمه ای، کاهو، کلم به صورت سالاد و یا در کنار غذا و سبزی و صیفی پخته (هویج، چغندر، کلم، گل کلم، کدو، لوبیا سبز، نخود فرنگی و...) تأکید می شود.

- ۱۰- خوردن حداقل یک نوع میوه مناسب با فصل، بخشی از ویتامین های مورد نیاز بدن را تأمین می کند.
- ۱۱- با توجه به روند رو به گسترش بیماری های قلبی و عروقی، چاقی و انواع سرطان ها که مستقیماً در ارتباط با مقدار و نوع چربی مصرفی است، از قرار دادن کره حیوانی و گیاهی در کنار غذاها مثلاً چلوکباب و یا جوجه کباب همراه با برنج خودداری شود.
- ۱۲- استفاده از سس مایونز همراه سالاد به علت مقدار زیاد چربی آن توصیه نمی شود. درمقابل می توان از آبلیمو، سرکه و روغن زیتون برای سالاد استفاده کرد.
- ۱۳- سبزی ها را می توان در اکثر غذاها وارد نمود. به عنوان مثال سرو غذاهایی مثل باقالپلو، سبزی پلو، ماست و خیار، ماست و سبزی به منظور افزایش مصرف سبزی ها در برنامه غذایی روزانه افراد توصیه می شود.
- ۱۴- گوشت و ماهی دارای پروتئین مرغوب با قابلیت هضم آسان می باشد و در مقابل امراض قلبی، دیابت و افسردگی مؤثر هستند. سرو ماهی حداقل دو بار در هفته به علت نقش آن در پیشگیری و کنترل بیماری های قلبی، و عروقی توصیه می شود. نحوه صحیح طبخ ماهی به شکل کم روغن و کم سرخ شده حائز اهمیت است و باید مورد توجه قرار گیرد، روش های طبخ بخارپز، آب پز و کباب پز کردن مناسب تر می باشد.
- ۱۵- میان وعده ها بخشی از انرژی و مواد مغذی بدن را تأمین می کنند. درواقع با مصرف یک میان وعده سالم، بدن مجدداً انرژی گرفته و توانایی انجام کار را می یابد. انتخاب میان وعده در حفظ سلامتی بدن نقش بسزایی دارد. آهن برای حفظ و تداوم توانایی های جسمی و ذهنی افراد ضروری است. از منابع غذایی غنی از آهن مانند: جگر، گوشت، مرغ، زرده تخم مرغ، حبوبات (عدس، لوبیا، ماش و...) انواع مغزها (گردو، بادام، پسته) استفاده شود.
- ۱۶- مصرف انواع آجیل های بدون نمک، میوه ها و سبزی ها، ساندویچ نان پنیر و سبزی، نان پنیر، گردو، نان تخم مرغ، خرما، شیر خرما، کشمش و سایر خشکبار در مقادیر مناسب از جمله میان وعده های سالم هستند.
- ۱۷- در برنامه غذایی کودکان و نوجوانان از انواع خشکبار مثل توت خشک، برگ آلو، انجیر خشک، کشمشو... که منابع خوبی از آهن می باشند، استفاده شود.

۱۸- لبنیات، حبوبات، کنجد و مغزها و برخی از سبزیجات مانند خانواده کلم و برخی ماهی ها مثل کلیکا و ساردین دارای کلسیم هستند. از تخم مرغ و ماهی که دارای ویتامین D هستند در برنامه گنجانده شود.^۱

نتیجه

در جامعه اسلامی رعایت سنت‌های درست تغذیه‌ای کم رنگ شده و سنت‌های نادرست غربی جایگزین شده‌اند باید تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای به بیان مضرات این سنت‌های (الگوهای) غربی پرداخت و مردم را به سوی احیای سنت‌های اسلامی که گرفته از دین مبین اسلامی است تشویق کرد و از شیوع بسیاری از بیماری‌های خطرناک درمانشان نامشخص است جلوگیری کرد.

۱. سایت اطلاع رسانی حوزه، پیام زن، آبان ۱۳۸۸، شماره ۲۱۲

فصل دوم:

پوشاک

مقدمه

امروزه پوشش بدن مسأله ای مهم و جداناپذیر از زندگی انسان هاست. اسلام در باب پوشش و رعایت حدود آن الگوها و محدودیت هایی را معرفی کرده است که نوع پوشش هر شخص بیانگر شخصیت و فرهنگ و سنت های حاکم در بعد فردی و اجتماعی می باشد. از آن جایی که پوشش مردم به خصوص زنان و جوانان نما دفرهنگی هر جامعه می باشد کشورهای غربی به نام مد برای ترویج فرهنگ ابتذال و بی حجابی به ارائه الگوهایی ضد اخلاقی برگرفته از پوشش غربی است پرداخته و به مقابله با الگوهای اصیل اسلامی در زمینه پوشش می پردازند.

گفتار اول: اهمیت پوشش و عفاف

نوع لباس و پوشش زنان در محیط کار و تحصیل، نشانگر شخصیت و وقار و متانت زنانه ی آن ها و برای مردان نمودی از خوش سلیقگی، آراستگی و پابیندی به اصول اجتماعی می باشد.

پوشاک با توجه به جنس، رنگ، شکل و دوخت، زمانی معنای فرهنگی یافت که جوامع انسانی توسعه یافتند و فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ظاهر شدند و عقاید و آرمان های قومی و مذهبی پایدار گشتند. چنانچه امروز هر بخشی از پوشاک بنا بر ویژگی های فرهنگی محیطی که در آن جا مورد استفاده قرار می گیرد، دارای اهمیت می باشد. در محیط آموزشی به ویژه دانشگاه ها، لباس عامل پر اهمیتی در جهت تبلور شخصی انسان ها محسوب می شود.

منشأ اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عقیف بودن و زیبا نمایان شدن است. اگر به گروه های گوناگون اجتماعی نگاه کنیم، می بینیم که لباس زنان، مردان و کودکان با یک دیگر متفاوت است، پوشش روستاییان و شهرنشینان به یک گونه نیست و اصناف و صاحبان حرفه های گوناگون نیز به تناسب کار خویش، لباس خاص بر تن می کنند.

پوشش افراد از یک سو، هویت اعتقادی، قومی واجتماعی، نژادی و سرزمینی را مشخص می سازد و از سوی دیگر ویژگی های شغلی، سیاسی، مذهبی، شأن و منزلت اجتماعی، اقتصادی، طبقاتی را آشکار می سازد. اهمیت توجه به پوشش تا به حدی است که دولت مردان و صاحبان و مدیران محیط های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، دست به تدوین قوانین ویژه در این رابطه می زنند، قوانینی که اجرای آن برای افراد که وابسته به آن مجموعه می باشند الزامی است و تخطی از آن عواقب دنیال خواهد داشت.^۱

۱-۱- چیستی عفاف

علمای اخلاق در تعریف عفاف گفته اند: عفت آن است که قوه شویه در خوردن و نکاح از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آنچه عقل نهی می کند، اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است.

و شهید مطهری عفاف را این گونه تعریف می کند:

«عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن»

در حقیقت، عفت؛ کنترل شهوت است و نه کشتن آن و شهوت در لغت یک مفهوم عام است که هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می شود، اما شهرت یک مفهوم خاص هم دارد که همان شهرت جنسی است.

۱-۲- عفاف در پوشش

«حجاب و پوشش» یکی از مهمترین مصادیق عفاف به شمار می رود. آدمی دوست دارد که همیشه مورد توجه دیگران قرارگیرد و نفس آدمی، او را به جلوه گری و خودنمایی دعوت می کند. زنان که مظهر زیبایی و جمال هستند، به طور ذاتی تمایل بیشتری به نمایان ساختن زیبایی های خویش دارند؛ از این رو خداوند در قرآن دستور به آنان می دهد که روسری خود را طوری بر روی سینه هایشان بپندازند که گردن و سینه هایشان پوشیده شود:

«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»^۲

۱. فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، شماره ۱۸، قم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۳۱

۲. سوره نور، آیه ۳۱.

عفاف امری همیشگی است و به زمان یا مکان خاصی متعلق نمی باشد؛ از این رو آدمی چه در مقابل محارم و چه نا محرم، چه هم جنس، چه در خانه و چه در بیرون از خانه باید مراقب نوع پوشش خود و پاسدار حریم عفاف باشد، اما آنچه از طریق مخالفان و معاندان اسلام تبلیغ و القا می شود این است که حجاب تنها در مقابل نامحرم معنا پیدا می کند، و در غیر از این حالت پوشاندن همه ی بدن برای زن مفهومی ندارد.

گفتار دوم: منشأ و آثار گرایش به پدیده ی مُد

۱-۲ - مُد پدیده ی وارداتی غربی

صورت های بزرگ کرده، موهای چرب و ژله زده و به اصطلاح امروزی ها فشن، لباس های عجیب و مارک دار، شلوارهای جین با پاچه های لوله تفنگی و به اصطلاح ساپورتی یا گشاد چند جیب، مانتوهای تنگ و چسبان و... همه از جمله ره آوردهای هجوم ثانیه ای مدهستند. پدیده ای که هردهه تحفه ای را به دوستدارانش ارزانی داشته و می دارد. چنان که از سال ۲۰۰۰ تاکنون، جریانی تلفیق یافته از سابق و موج های جدید را به همراه داشته است. صاحب نظران این پدیده (مُد) را روشی موقت اعلام می کنند که براساس ذوق و سلیقه ی افراد جامعه، سبک زندگی، نوع لباس پوشیدن، آداب معاشرت، معماری و... آن ها را تحت تأثیر قرار می دهند. پس می توان گفت که مد به تغییر سلیقه ی ناگهانی و مکرر و اکثر یا برخی از افراد جامعه اطلاق می شود که باعث گرایش و بروز رفتارهای خاص یا مصرف کالاهایی ویژه و پیش گرفتن سبکی نو می شود.^۱

۲-۲ - منشأ پدیده ی مد گرایی

کارشناسان اعتقاد دارند، برخی به دنبال احساس بی هویتی اجتماعی، سعی می کنند به هر وسیله ای واز جمله لباسی که به تن می کنند یا آرایش خاص سر و صورت برای خود، تشخیص ایجاد کنند و با ایجاد تغییر در نوع لباس و آرایش، توجه دیگران را به خود جلب کنند. تحقیقات نشان داده در این پدیده از چند چیز الگوپذیری می شود:

(۱) پوشش و آرایش دوستان صمیمی

(۲) مجلات مد

(۳) هنرپیشه های داخلی و خارجی

۱. فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، قم، شماره ۱۸، سال ۱۳۸۹، ص ۱۰۰

- (۴) ماهواره وسایت های اجتماعی
- (۵) پوشش و آرایش افراد خانواده وفامیل
- (۶) مشاهده لباس های موجود در بوتیک ها
- (۷) مشاهده ی فیلم های خارجی
- (۸) پوشش و آرایش معلمان و اساتید دانشگاه ها
- (۹) کتاب های مصور کودکان و ...
- (۱۰) لباس ها و آرایش های بعضی از ادارات: خدمه ی هواپیما و به بهانه ی تبعیت از برند جهانی هواپیمایی^۱

۲-۳- ره آورد و آثار گرایش به پدیده ی مد

مد در هر دهه وقرنی که تحفه ای را به طرفدارانش ارزانی داشته، یک چیز را از آنها سلب کرده است وآن حجاب و عفت بوده است. در حقیقت بی عفتی یا بدحجابی، اصلی اجتناب نا پذیر در ترسیم مد والقای آن از طرف غرب بوده است. در همین راستا، این فرآیند عواقب دیگری را نیز به همراه داشته و دارد که مهمترین آنها عبارتنداز:

- (۱) بدن واعضا که خداوند آنها به عنوان امانت دراختیار انسان ها گذاشته درسایه ی شوم مد در معرض دید عموم قرار می گیرد، این امانت ها در پیوند زناشویی از آن همسر می باشند ولی مد باعث می شود که به شیوه ای حق همسر ضایع گردد.
- (۲) وقتی فرد با پیروی کورکورانه ازمَد، خواسته یا ناخواسته به بی عفتی و بی بنده باری کشیده می شود محبت همسر، خانواده، به تدریج اطرافیان راازدست می دهد.
- (۳) در جریان مد ومدپرستی، اعتقادات مذهبی، باورها و ارزش های فردی و جامعه دستخوش تغییر و تزلزل قرار می گیرد وبه مرورزمان، تمام اعتقادات مذهبی ودینی، رنگ می بازند.
- (۴) آدمی با مد گرایی هر روز افسرده تر وبا پیروی از مد بی عفتی، بی ارزشی ودر نهایت بی شخصیتی را به جان می خرد.
- (۵) مد پرستی انسان را موجودی مصرفی تبدیل می کند که هر لحظه و هر ثانیه خرید یک لباس، یک وسیله ویک کالای جدید، تمام هم وغم چنین فردی می شود.

۱. همان، ص ۱۰۰

۶) حضرت علی علیه السلام می فرمایند: کسی که با سرعت به دنبال خواسته های دل برود، در واقع شتابان به سوی مرگ می رود. تاریخ نشان داده انسان های مقام پرست یا پول دوست، با پیروی از خواسته های دلشان، عمرشان را کوتاه کرده اند.^۱

گفتار: سوم: بهداشت تن

انسان یگانه موجودی است که به پوشش نیاز دارد و این نیاز تا زمانی که در این جهان به زندگی خود ادامه می دهد، از ضروریات او به حساب می آید. پوشاک انسان باید از جنسی تهیه شود که با بدن او سنخیت کامل داشته باشد. چون انسان از خاک و طبیعت آفریده شده، باید پوشاک او نیز از طبیعت باشد تا دچار بیماری های پوستی آلرژی نشود و احساس راحتی و آرامش نماید. یکی از بزرگترین نعمت های خداوند که به انسان ارزانی شده است، الیاف های طبیعی مانند پنبه است که آن را طلای سفید می نامند و واقعاً با ارزش است که برای لباس های زیر آن استفاده می شود.

یکی از محسنات لباس های پنبه ای جذب کامل عرق است و موجب می شود پوست بدن صدمه نبیند و دچار عرق سوختگی نشود. از دیگر خواص لباس های پنبه ای جلوگیری از حساسیت های پوستی است که فوق العاده مهم است. این نوع پوشاک بهداشتی است و برای کودکان و نوزادان واقعاً ایده آل است. جالب این که این نوع پارچه به راحتی انواع رنگ های گیاهی را به خود می گیرد. از این نوع پوشاک به خاطر سبک و بهداشتی بودن آن و داشتن رنگ های زیبا و دلپذیر بهتر است برای لباس های خواب استفاده شود. از دیگر الیاف های طبیعی، کتان و کنف است که می توان از آن ها لباس های شیک و زیبا تهیه نمود.

از الیاف های طبیعی دیگر پشم بعضی از حیوانات و نیز مووکرک برخی از حیوانات مانند موی بز و کرک شتر است که می توان از آن ها لباس های زمستانی تهیه کرد و از آسیب سرما در امان بود. با الیاف های گیاهی حیوانی نیز می توان وسایل زندگی فراهم نمود. از مهمترین ویژگی های این قبیل لباس ها این است که بدون ایجاد هیچ گونه حساسیتی انسان را از سرما و گرما محافظت می کنند؛ این گونه لباس ها طبیعی و با بدن انسان سنخیت دارند.

یکی دیگر از الیاف های طبیعی و با ارزش، ابریشم است که فوق العاده لطیف و زیباست و می توان با آن لباس های با رنگ های دلنشین تهیه کرد. این نوع لباس بسیار لطیف است و

جاذبه ایجاد می کند. از این رو بهتر است این نوع پوشاک را خانم ها استفاده نمایند تا مهر و محبت همسرانشان نسبت به آنها روز به روز بیشتر شود. البته مسأله ی مهمی که باید در این رابطه در نظر گرفت رنگ لباس است.

در مجموع اگر وسائل زندگی از مواد واجناس طبیعی تهیه شوند، زندگی واقعاً زیبا و دلپذیر خواهد شد. استفاده از وسائلی مانند: نمد، گلیم، جاجیم، زیلو و سایر مواد طبیعی جلوه خاصی به محیط اطراف نیز می دهد و باعث می شوند انسان از بودن در آن محیط احساس آرامش کند و اعصاب و روانی آرام و فکری آسوده داشته باشد. به طور خلاصه، باید از وسائلی استفاده کرد که از طبیعت سرچشمه می گیرند، ولی امروزه با گسترش صنایع پتروشیمی، موادشیمیایی زیادی در جامعه تولید و مصرف می شود که در نتیجه زندگی نشاط طبیعی خود را از دست داده و مصنوعی شده است و در پی آن نیز بیماری های اعصاب و روان رواج یافته است. با افزایش فراورده های صنعتی صنایع پتروشیمی و استفاده از آنها در صنایع پوشاک و وسائل خانگی، حساسیت ها و آلرژی ها روز به روز افزایش یافته است. از نظر علم پزشکی این نوع بیماری ها قابل درمان نیست. بنابراین، اگر به طبیعت باز گردیم بسیاری از مسائل حل خواهد شد و شادابی و نشاط از دست رفته، به خصوص آرامش، به زندگی ما باز خواهد گشت. به امید روزی که به خود بیاییم و در زندگی طبق خود قدم برداریم تا لذت انسانبودن را بچشیم. زندگی زمانی زیباست که به طبیعت خویش باز گردیم تا روح خدا در وجودمان تجلی یابد و از تجلی آن، هدایت گر خود و دیگران باشیم.^۱

گفتار چهارم: معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن

مقوله «پوشش» و «استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای «پوشش» و «لباس» کارکردهای در دو حوزه «فردی» و «اجتماعی» قابل تصور است: الف) کارکردهای فردی؛ همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خود استتاری» و تأمین امنیت در برابر گرما و سرما. ب) کارکردهای اجتماعی؛ از جمله کارکردهای اجتماعی «پوشش» و «لباس» هویت بخشی آن است، چرا که نوع پوشش نشان دهنده سنت ها، ارزش ها و باورهای یک جامعه است.

۱. جمشید خدادادی، پانزده روز تاسلامتی، چ ۱۳، تهران، انتشارات موسسه نشر شهر، سال ۱۳۹۲، ص ۳۷۹

اسلام در باب «حجاب» که از ضروریات آن است دستوراتی درباره الگوی پوشش و حدود آن صادر کرده؛ برای مثال فرد مسلمان از پوشیدن لباس های شهرت و تفاخر نهی شده و در مقابل استفاده از مقنعه های بزرگ و روسری سفارش شده است. علاوه بر باورهای دینی عوامل دیگری همچون شرایط جغرافیایی و موقعیت اجتماعی اقتصادی افراد در پوشش آنها مؤثر می باشد. مقوله ی پوشش و لباس از جمله مسائلی است که همواره انسان در زندگی با آن در ارتباط بوده و به عنوان یک نیاز ضروری و جزء جدایی ناپذیر حیات خود، به آن نگرسته است. این تعلق و نیاز به پوشش و استتار بدن، در طول تاریخ بشری و در میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته است و امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعریف است. مسئله ی دیگر اینکه مقوله ی پوشش و لباس او ویژگیهای منحصر به فرد انسان است، لذا این امر در میان سایر موجودات و از جمله حیوانات وجود ندارد و حیوانات با استفاده از قابلیت های فیزیکی اندام بدن خود از جمله پوست بدن، مو و پشم یا پر در پرندگان از خود شرایط متنوع جوی و محیطی محافظت می کنند.

لباس در زندگی امروزه انسان کارکردهای گسترده و متنوعی دارد. از جمله کارکردهای فردی این مقوله، پاسخگویی به نیاز فطری خود استتاری است. براساس این نیاز، انسان در هر شرایطی حتی در محیطی که کسی نباشد، تمایل درونی به برخورداری از حداقل میزان پوشش دارد و از برهنگی می پرهیزد. همچنین تأمین امنیت فردی از جهت محافظت بدن از گرما و سرما و شرایط متنوع جوی (آفتاب شدید، باد و باران)، گزند حشرات موذی و جلوگیری از تحرک هوسبازان برای هرگونه اقدام احتمالی، عامل مهمی برای رعایت پوشش در محیط خارج از خانه محسوب می شود.

پوشش و بهره گیری از لباس به نیاز طبیعی خود آرائی و زیبای دوستی انسان نیز پاسخ می دهد. تنوع الگوهای پوشش در میان مردم در لباسهای مؤید این مسأله می باشد. افراد با توجه به سلیقه، انگیزه ها و فرهنگها حاکم بر محیط، در انتخاب شکل، رنگ و جنس لباس مورد علاقه. خود اعمال نظر می کنند و با جلوگیری از طریق آن به حس خودارایی و زیبایی دوستی درونشان پاسخ می دهند. متأسفانه امروزه بازیه روی در پرداختن به این امر، جنبه های منفی پوشش در قالب تجمل گرایی، مدپرستی و خود نمایی نمود بیشتری یافته است که میتوان گفت علت اصلی آن غفلت از خودارایی درونی و تهذیب نفس است. در سوره ی اعراف به این مهم اشاره شده است: (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا لِبَاسِ

التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ...) ای فرزند آدم ما لباسی که ستر عورت شما کند و جامه های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و برای شما باد به لباس تقوا که این تقوا که این نیکوترین جامه شماست.

از سوی دیگر کارکردهای اجتماعی لباس را نمی توان نادیده گرفت. امروزه لباس هویت خاصی به افراد و حتی جوامع بخشیده است. الگوهای مختلف پوشش ضمن ایجاد شخصیت و منزلت فردی میتوان بیانگر سنت، ارزشها و نوع فرهنگ حاکم بر جوامع باشند. مهمتر از همه لباس امروزه نماد فرهنگی جوامع و جزئی از پیکره آن محسوب می شود تا جایی که با هنجارها و ارزشهای حاکم بر جوامع گره خورده و به عنوان یکی از ابزار مهم در جهت شناسایی فرهنگهای مختلف سو حتی تحول در ساختار فرهنگی یک جامعه به کار گرفته می شود. از این روی بسیاری از قدرتهای استعماری، از این حربه بر نفوذ فرهنگی در ملتها و در نهایت سلطه ی همه جانبه بر آنها استفاده می کنند. واقعه کشف حجاب در دوران رضا خان پهلوی و تلاش اروپائیان برای ترویج فرهنگ ا بتذال در ایران از طریق ارائه الگوهای ضد اخلاقی پوشش غربی در پیش از انقلاب گواه بر این مدعاست.

پس از این توضیح باید گفت: تمام ادیان الهی بویژه دین مبین اسلام، به مسئله ی پوشش بعنوان یک نیاز طبیعی و ارزش توجه خاص نموده و ابعاد معنوی آن را نیز مطرح کرده اند که دیدگاه اسلام در این رابطه منحصر به فرد است. دین اسلام با توجه به امتیاز انسان با سایر موجودات در همه ی احکام و تعالیم خود نیازهای مادی و معنوی و ویژگیهای متعالی او را در نظر گرفته است. بر این اساس احکام اسلام در پرهیز از اختلاط نامشروع میان زن و مرد و رعایت حدود شرعی در این رابطه مطابق با مصالحی است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان وجود دارد و می تواند منجر به سعادت و تکامل مادی و معنوی او شود. مسأله پوشش زنان در احکام و تعالیم دین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است که در کنار مباحث و موضوعات مربوط به روابط میان زنان و مردان و مسائل شرعی آن مطرح می شود.

بطور کلی معیارهای مطلوب پوشش زن مسلمان در اسلام را می توان در کلمه «حجاب» خلاصه کرد. امروزه به زنی که در انجام وظایف شرعی خود کوتاهی کرده و پوشش اسلامی را رعایت نکند، بدحجاب یا بی حجاب گویند. کلمه حجاب، در لغت در معنایی پرده ا فکندن و حائل قرار دادن میان دو چیز است و امروزه به پوشش ظاهری زنان اطلاق می شود.

البته در آیات و روایات به معنای نخست اشاره شده و کلمه حجاب در معنای دوم بکار نرفته است. در داستان حضرت سلیمان، غروب خورشید ا ینگونه توصیف می شود: «حتی

توارث بالحجاب» یعنی تا آن وقتی که خورشید در پوشته پرده مخفی شد. همچنین در سوره احزاب آمده است: «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ...» اگر از آنها متاع و کالاهای مورد نیاز مطالبه کنید از پشت پرده از آنها بخواهید شده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

أ. عفاف ذهن: نیرو را ندن ذهنیت گناه و معصیت در ذهن پرهیز از فکرو خیالات باطل از توصیه های اسلام است. چرا که مقدمه و زمینه ساز سقوط انسان در ورطه گناه و ارتباط نامشروع، ذهنیت ساز آن است. همان طور که در احادیث آمده است، برخی افراد بدون آن که مرتکب عمل زشت زنا شوند، در خود ذهنیت زنا را می‌پروراند و در فضای روحی زنا به سر می‌برند.

ب. عفاف نگاه: از دستورات مؤکد اسلام رعایت نگاه و پرهیز از نظر کردن به نامحرم است. چرا که بیشترین تأثیر منفی را بر دل می‌گذارد. با توجه به اهمیت مسأله، خداوند در سوره نور می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و دامن خود را حفظ کنند، این کار برای آنها پاکیزه تر است خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. همچنین در حدیثی پیامبر ﷺ فرمودند: «النظره مسموم من سهام ابليس» نگاه به نامحرم تیری است که شیطان به قلب انسان می‌زند.

ج. عفاف گفتار: فقهای اسلامی تأکید دارند که برای زن جایز نیست صدای خود را به گونه ای خوش آهنگ، نازک و ملایم جلوه دهد که موجب تحریک نامحرم شود. علاوه بر این در برخورد با نامحرم از بیان کلمات و الفاظ احساسی و تحریک کننده پرهیز و در گفتار جدیت نشان دهد تا افراد ضعیف الایمان و بیمار دلان سوء استفاده نکنند. با توجه به اهمیت مسأله، قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر ﷺ فرمود: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» با صدای نرم بگونه هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع نکنند بلکه به خوبی و شایسته سخن بگویند.

د. عفاف در تمایلات رفتاری (برخورد حسّی): اسلام هرگونه ارتباط و برخورد حسّی میان زن و مرد اجنبی را حرام کرده است لذا مرد نمی‌تواند با هیچ عضوی از اعضای خود با عضوی از اندام بدن زن نامحرم تماس حاصل نماید. از این رو مصافحه (دست دادن)، بوسیدن و لمس کردن اعضا بدن زن نامحرم حرام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فرمایند: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَيُصِيبُ خَطَا مِنَ الزَّانَا، زَنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ وَزَنَا الْقَبْلِ وَزَنَا الْيَدَيْنِ الْمَسُّ» هیچکس نیست مگر اینکه دچار بهره ای از گناه زنا می شود. زناى چشمها نگاه به نامحرم است و زناى دهان بوسیدن نامشروع و زناى دستها تماس با بدن نامحرم است.

ه. عفاف در رفتار و معاشرت: زن مسلمان علاوه بر پوشش ظاهری باید در نوع حرکات، برخوردها و حتی راه رفتن نیز زمینه سوء استفاده افراد اجنبی و هوسباز را از میان ببرند. برخوردهای سنگین توأم با متانت شرم و حیا، تواضع و وقار، کم گوئی و پرهیز از گشاده روئی مفرط، برخوردهای جلف، معاشرت دوستانه و اختلاط با مرد بیگانه بریک زن مسلمان لازم است. در سوره نور آمده است: «وَلَا يَضْرِبْنَ أَرْجُلَهُنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْضَعْنَ مِنْ زِينَتُهُنَّ» نباید زنان هنگام راه رفتن پای خود را بر زمین بکوبند تا زینت پنهانشان دانسته شود.

و. عفاف در زینت : زن مسلمان باید علاوه بر پوشش اعضا و اندام خود، هر نوع زیور و زینت را از معرض دید نامحرمان پنهان سازد و از هرگونه آرایش و خودنمایی در برابر افراد بیگانه و اجنبی پرهیزد تا زمینه جلب توجه و تحریک آنان فراهم نشود. با توجه به اهمیت مسئله در سوره نور خداوند می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضِفْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (ای رسول ما) زنان مؤمنه را بگو تا چشمها و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جزء آنچه قهراً ظاهر می شود، در برابر بیگانه آشکار نسازند.

ز. عفاف در پوشش: حکم وجوب زن در برابر نامحرم یکی از احکام مسلم اسلام است که درباره آن تردیدی نیست. در قرآن کریم روایات و احکام فقهی به این مسئله و کیفیت آن اشاره شده است. لذا علاوه بر تعبیر ذکر شده در مقوله حجاب، زن مسلمان مهم تر از همه باید حدود شرعی را در پوشش ظاهری خود رعایت کند و اندام بدن را از معرض دید دیگران پنهان سازد.

به طور کلی تمام مباحث مطرح شده در باب حجاب و پوشش اسلامی زنان به دو محور اساسی باز می گردد: نخست رعایت حد پوشش به معنای حفظ عورت و دیگری پرهیز از خودآرائی نامشروع است.

اسلام از زنان خواسته است که حدود پوشش اسلامی را به منظور حفظ عورت خود رعایت کنند با توجه به روایات و تفاسیر آیات قرآن کریم، عورت زن، تمامی اعضا بدن او بجز قرص صورت و دو کف دست می باشد و لذا الگوی پوشش مورد استفاده زنان باید بگونه ای باشد که بتوان این حدود را تأمین کند. در سوره نور آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُفْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» به زنان مؤمنه بگو چشمهای خود را فرو بندند و عورت‌های خود را پوشیده نگاه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقداری که ظاهر است آشکار ننمایند.

در تفسیر آیه «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» یعنی آن مقداری که زنان در پوشش خود می توانند آشکار نمایند به احادیث متعددی استثنای شده است. از آن جمله در حدیث پیامبر در برخورد با اسماء دختر ابوبکر می فرمایند: «یا اسماء! ان المراء اذا بلغت الحيض لم تصلح ان یری منها الا هذا وهذا وأشار الی کفه ووجه» ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این و اشاره فرمود به چهره و قسمت میج به پایین دستش.

علاوه بر این، پوشش زنان ضمن تأمین حدود پوشش اسلامی، باید بتواند برجستگی‌های اندام بدن را نیز بپوشاند و به عبارتی گشاد باشد و از سوی دیگر بدن نما نباشد یعنی پارچه آن را از زیر اندام بدن را نمایان نسازد.

در مسئله دوم تأکید بر آراستگی و خودآرائی مشروع زنان در برابر محارم به ویژه همسر، اسلام از زنان خواسته است تا خود آرائی نامشروع در برابر نامحرمان و در محیط اجتماع پرهیزند و زیور و زینت خود را جز در برابر محارم آشکار نکنند. از هر عاملی که موجب تحریک و جلب توجه نامحرمان شود دوری کنند.

علاوه بر معیارها و احکام مطرح شده در حدود پوشش اسلامی، برخی از مصادیق پوشش زنان در قالب آیات و روایات بیان شده است که از آن جمله می توان به «جلباب»، «خمار»، و «سراویل» اشاره کرد. در سوره نور از زنان خواسته شده است که از پوشش «خمار» بدرستی استفاده کنند:

«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) معنای خمر در این آیه «روسری» است.

همچنین در سوره احزاب شکل دیگری از پوشش به زنان معرفی می شود: «يَدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جِلْبَابٍ...» یعنی جلباب‌های خود را بر خویش افکنند. «جلباب» در این آیه بنابر تفاسیر، نوعی

مقنعه است که از روسری بزرگتر واز چادر کوچکتر می باشد و سر و سینه زن را با پوشش وسیع خود می پوشاند.

درباره استفاده از شلوار نیز پیامبر فرمود: «اللهم اغفر للسرولات» یعنی خدا رحمت کند زنانی را که شلوار می پوشاند. همچنین در حدیث دیگر فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِتَّخِذُوا وَالسَّرَاوِيَّاتِ فَإِنَّمَا أَسْتَرْتِهَا بِكُمْ، حَصِّنُوا إِذَا خَرَجْتُمْ» ای مردم! شلوارها را برای پوشش بگیرید زیرا آنها پوشاننده ترین لباسها است و بوسیله آن حجاب زنان خود را هنگام خروج از منزل حفظ کنید.

پس از بیان مباحث و معیارهای اصلی پوشش اسلامی زنان، به مواردی نیز اشاره می کنیم که استفاده از آنها در احکام و تعالیم دینی مذموم بوده و نهی شده اند. یکی از این موارد استفاده از لباس شهرت است. پوشیدن لباسی که در شأن کسی نباشد و موجب شهرت کاذب و انگشت نما شدن او شود و استفاده از آن از نظر رنگ، شکل، جنس و نحوی دوخت خارج از عرف جامعه باشد، لباس شهرت تلقی می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند علیه السلام خداوند دشمن کسی است که بواسطه لباس انگشت نما شود. لباس شهرت بر سه قسمت است:

أ. لباس کمیاب، منحصر به فرد و غیر متعارفی که با الگوهای رایج جامعه سازگاری ندارد.

ب. لباسی که استفاده از آن در میان کفار، مشرکان و دشمنان اسلام رایج است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَمُ بَخِيرٌ مَالٌ يَلْبَسُوا الْبَاسَ الْعَجَمُ وَيَطْعَمُوا اطعمه العجم فاذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل» حال این است امت همیشه نیکو خواهد بود تا زمانی که لباس بیگانگان را بپوشند و غذاهای آنان را نخورند و آن را زمان که لباس و غذای بیگانگان را مصرف نمودند خداوند آنها را ذلیل خواهد کرد.

ج. همانندسازی زن و مرد به یکدیگر در لباس: پیامبر فرمود: «اعن الله الرجال يلبس لبسه المرأة والمرأة تلبس لبس الرجال» خدا لعنت کند مردی را که لباس زن بپوشد و زنی را که لباس مرد بپوشد.

از دیگر مواردی که در اسلام نسبت به آن نهی شده است، پوشیدن لباس تفاخر، لباس مجلل، گرانیقیمت و غیر متعارفی است که برای فخر فروشی و تکبر و رزی در میان مردم پوشید

می شود. این نوع لباس تقویت کننده صفت خود کامگی در انسان است که حاکمان و سلاطین جور و نیز ثروتمندان دنیاپرست از آن بهر می گرفته اند پیامبر فرمود: «من لبس ثوباً فاخترت فیه حسب الله به من سفیر جهنم» کسی که لباس بپوشد و در آن لباس تکبر ورزد، خداوند او را به گوشه ای از جهنم فرو برد.

استفاده از لباس های مصور و نقش دار نیز در احادیث نهی شده است چرا که موجب کم شخصیتی فرد می شود. توازن بین پوشش اسلامی و شخصیت زن مسلمان بطور کلی توصیه های اسلام در خصوص پوشش زنان مسلمان از ویژگیها و امتیازات خاصی برخوردار است که تأمین کننده شخصیت و منزلت وجودی زن می باشد. بخشی از این توصیه ها واحکام مربوط به رعایت حدود پوشش اسلامی که پوشش تمام بدن زن به غیر از صورت و کفین دست را دربر می گیرد و نیز پرهیز از خودآرائی و جلوهگری نامشروع بویژه در برابر نامحرمین می باشد. علاوه براین، تعالیم اسلامی توصیه به استفاده از جلباب و خمار برای پوشش سر و سینه، شلوار برای پوشش پاها و لباس های گشاد و تمام قد برای پوشش اندام بدن می کنند. بکارگیری رنگ های روشن و درعین حال سنگین و غیر زننده که موجب جلب توجه نشود، پارچه های باجنس طبیعی از جمله پنبه و کتان تهیه شده باشد، پارچه های نرم و لطیف و درعین حال غیر نازک که بدن نما نباشند از دیگر توصیه های اسلام در خصوص پوشش زنان است. البته باید گفت بکارگیری شکل و مدل، رنگ و جنس لباسها در شرایط متنوع محیطی و درمیان اقوام و قبائل مختلف باهم متفاوت است لذا تعریف جامع و مشخصی را برای الگوی پوشش تمامی زنان مسلمان نمی توان ارائه کرد. لیکن به لحاظ اهمیت و حساسیت این مسأله، اسلام قواعد کلی را برای تبیین الگوی مناسب پوشش زنان ارائه نموده است که این الگوها تأثیر عمیق و گسترده ای را برای فرهنگ پوشش بانوان ایرانی داشته است.

۴-۱- نوع لباس، نمادی از فرهنگ جامعه

لباس فراتر از یک نیاز طبیعی در زندگی انسان، امروزه بعنوان نمادی از فرهنگ جامعه محسوب می شود. که این نماد و شاخص فرهنگی در قالب خرده فرهنگها و سنت های قومی و قبیله ای بیشتر تجلی می کند به گونه ای که برای باز شناسی و تمایز فرهنگهای مختلف از یک دیگر می توان از الگوی پوشش آنان بهره گرفت. در گذشته و در میان قبائل، نوع لباس افراد، نشانگر تعلق آنها به قوم یا قبیله خاصی بوده است. لباس علاوه بر کارکردهای فردی، پیامدهای اجتماعی رابه وجود می آورد و در ابعاد منفی ایجاد تفاخر و چشم و هم چشمی می کند.

همچنین این مقوله یک ابزار مهم در جهت نفوذ فرهنگی در جوامع محسوب می شود که قدرتهای سلطه طلب واستعمارگر از این اهرم به نحو گسترده ای برای نفوذ فرهنگی در جوامع و گسترش ابتذال و بی بند باری استفاده می کنند. تاریخ چهل ساله گذشته ایران بویژه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی گواه بر این مدعاست. بکار گیری گسترده ژورنالهای خارجی که الگوی پوشش غربی را ترویج می کنند در طراحی و تولید لباسهای زنانه نیز در همین راستا صورت می گیرد در کنار مسئله تأثیر متقابل فرهنگ و لباس بر یکدیگر، اثرگذاری اصول و ارزشهای اسلامی را بر الگوی پوشش زنان ایرانی نمی توان نادیده گرفت. پابندی زنان ایرانی به باورهای دینی و اصول ارزشی اسلام موجب شده است در کنار سلاقی فردی، هنجارها و خواسته های عرفی و عوامل تجاری از جمله تبلیغات، قیمت، مد، و... تعالیم دینی بیشترین تأثیر را بر فرهنگ مصرف پوشاک زنان داشته باشد.

باورهای دینی به دلیل عمومیت داشتن در میان افراد، قرار گرفتن در اعماق فکر و جان آدمی و نیز تأثیر گسترده و عمیق بر ابعاد مختلف زندگی انسان، از اهمیت دو چندان برخوردار است. عوامل تجاری در یک فرایند مقطعی و محدود می توانند بر الگوی مصرف تأثیری گذار باشند اما هیچگاه همانند انگیزهای ناشی از باورهای اصیل دینی نمی توانند پایدار باشند.

البته علاوه بر الگوی پوششی اسلام برای زنان، عوامل متعدد دیگری نیز بر فرهنگ مصرفی پوشاک زنان تأثیر داشته است که از آن جمله به عوامل جغرافیایی، اقلیمی، فرهنگ، آداب و رسوم، برهه تاریخی و زمانی، موقعیت اجتماعی و جایگاه طبقاتی افراد، شرایط اقتصادی، شرایط سنی و جنسی افراد، سیاست و تکنولوژی می توان اشاره کرد.

ارتباط مقوله و فرهنگ را از جهت دیگری نیز می توان بررسی کرد و آن ارتباط لباس و پوشش غربی با فرهنگ غربی است. در یک بررسی دقیق می توان دریافت ریشه اصلی الگوی فعلی پوشش غربی که مروج ابتذال و بی بند و باری در جوامع به ظاهر متمدن و پیشرفته می باشد، به نوع باور و اعتقادات آنان باز می گردد. در بینش غربی، بر پایه ی اصل انسان محوری، تمامی فعالیت ها و امکانات موجود، باید در جهت کامیابی و لذت جویی هر چه بیشتر انسان صرف شود و لذا اندام بدن زن به صورت یک اهرم در جهت ارضاء شهوات و نفسانیات بکار گرفته می شود. از این رو این اهرم هر چه ساده تر و بهتر باید در اختیار مرد قرار گیرد. پوشش زنان غربی عموماً شامل لباسهای کوتاه، تنگ و بدن نما می شود که جلوه بیشتری به اندام زن می بخشد و زمینه لذت جویی مرد را بیشتر فراهم می کند.

۴-۲- لباس و مقوله وابستگی اقتصادی

اثرات لباس در مقوله های اقتصادی نیز قابل توجه است. ارتباط تنگاتنگ لباس با فرهنگ جامعه و وابستگی اقتصادی آن بر صاحبان قدرت و سرمایه، متأسفانه لطمه های بسیاری به الگوی مناسب و مطلوب پوشش در جامعه وارد نموده است. بسیاری از سرمایه داران ضمن ناآشنایی نسبت به معیارهای اسلامی و عدم پایبندی به آنها، تنها هدف خود را کسب سود و منفعت قرار داده اند و لذا برای دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. از این رو مشاهده می شود ارزشهای والای دینی و فرهنگی جامعه قربانی مطامع اقتصادی سرمایه داران می گردد. برای زیر پا گذاشتن اصول و ارزشها، استفاده از الگوهای پوشش غربی، مارکها و مدلهای خارجی بهترین ابزار وسیله است. لذا طراحان لباس بویژه در عرصه ی پوشاک زنانه، با حمایت مالی قدرتهای سرمایه ای استفاده از ژورنالهای خارجی را برای طراحی و تولید لباس در دستور کار خود قرار دهند.

مسأله ی دیگر در مقوله ی لباس پدیده مد گرایی است. این پدیده که ساخته و پرداخته فرهنگ غربی است موجب تجمل گرایی، مصرف گرایی، مفرط، تفاخر و چشم به هم چسبی، تزلزل شخصیت و اشتغالات نامطلوب ذهنی در فرد می شود و الگوهای کاذب و ضد ارزشی را ترویج می دهد.

بسیاری از سرمایه داران در عرصه ی پوشاک برای نیل به اهداف اقتصادی خود از پدیده مد به عنوان یک اهرم مناسب برای جلب مشتری و فروش بیشتر استفاده می کنند. ارائه الگوهای جدید و جذاب در مقاطع زمانی معین که عموماً به صورت تقلیدی و در قالب های ضد ارزشی و غربی ارائه می شوند، نظر خریداران را به خود جلب می کند.

برای معرفی یک الگوی جدید به عنوان مد در جامعه و جلب نظر افراد برای استفاده از آن، تبلیغات به عنوان یک ابزار مؤثر و کار آمد بکار گرفته می شود. معرفی الگوها و قالبهای جدید پوشش از طریق رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو تلویزیون، اینترنت و به ویژه ماهواره ها و شبکه های خارجی، همچنین ارائه مدلهای جدید لباس در مجلات و نشریات به ویژه زنانه، تبلیغ از طریق پوسترها و تراکتهای تبلیغاتی، عرضه عمده الگوهای جدید در فروشگاههای بزرگ و مراکز عمده فروش همراه با تبلیغات و عرضه در ویتترین، طراحی مدلهای جدید با استفاده از ژورنالهای خارجی و بکار گرفتن الگوها و مدل های نو و جذاب از سوی افراد سرشناس و مورد علاقه مردم بویژه بازیگران در فیلم های سینمایی و تلویزیون و نیز ورزشکاران از جمله عوامل مد شدن لباس و پوشش خاصی در جامعه است.

البته گاهی دست اندرکاران سیاست گذاران تولید وعرضه پوشاک برای مد شدن یک الگو، البته آن را به صورت محدود وبا قیمتهای بالادرمیان اقشار مرفه جامعه ترویج وارائه می کنند. برخورداری محدودگروهی از افراد جامعه ازاین الگو، نوعی امتیاز فردی اجتماعی را درمیان افراد بوجود می آورد وعلاقمندی سایر اقشار جامعه را برای برخورداری از آن مدل جدید بیشتر می کند. این زمینه مناسب موجب می شود عرضه کنندگان در فرصت زمانی مناسب الگوی مربوط را به صورت انبوه ودر قیمتهای متعادل دراختیار جامعه قرار دهند واین امر موجب مد شدن الگو در میان افراد جامعه شود. به هر حال باوجود فواید اقتصادی مدگرایی برای صاحبان قدرت وسرمایه، این پدیده پیامدهای منفی وزیانباری از نظر فرهنگی برای جامعه دارد.^۱

نتیجه

پوشش غربی امروزه که به نام مد درمیان جوانان ما گسترش یافته مروج ابتذال وبی بندوباری، تجمل گرایی، تزلزل شخصیت و... درافراد می شود وجانشن الگوهای اصیل اسلامی که باعث ارزش دهی به مقام ومنزلت بخشی به شخصیت افرادند شوند.

۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله اندیشه صادق، علیرضانوری، شماره ۹۸، تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۴/۶

فصل سوم:

معماری

مقدمه

مسکن همواره یکی از مواردی است که بشر برای ادامه ی حیات خود به آن نیازمند است. معماری اسلامی که یکی از انواع معماری های رایج در جهان می باشد نشان دهنده ی نوع اعتقاد و وحدت اسلامی است. ولی سرزمین های غربی به گسترش اندیشه ی معماری خود در کشورهای اسلامی پرداخته اند و سعی کردند سبک ها و نماهای غیر اسلامی را در کشور اسلامی ترویج کنند. تقلید بدون آگاهی برخی از این سبک ها سبب از بین رفتن فرهنگ معماری و هویت معماری آن کشور شده است. این تقلید از فرهنگ غربی و کم رنگ شدن سنت ها و اصالت های معماری اسلامی سبب شده که اصل آرامش روحی و روانی در ساخت و سازهای جدید کمتر مراعات شود.

گفتار اول: معماری اسلامی

۱-۱- زمینه تحقیقی معماری اسلامی

سال ها، معماری اسلامی به عنوان یک زمینه تحقیق تاریخی به خاطر ریشه های شرق شناختی اش باموانعی روبه رو بود. ساختار معماری برحسب نوع به سبک های مختلف دسته بندی می شدند و به عنوان اشکالی ساکن و بدون تغییر تصور می شدند.

معماری اسلامی که باعنوانی چون معماری «سارانسکی»، «مغربی»، «محمدی» نامیده می شود، تا سال های دربین مکاتبی قرار داشت که از نظر تئوریک در زمینه تحقیقاتی معماری، چندان پیشرفتی نکرده بودند. از یک سو مطالعاتی فراتر از چارچوب رده بندی، تیپ شناخت یاسبک شناختی ازسوی دیگر، مطالعاتی در خصوص ضرورت فرهنگی یا جبر محیط ضروری می نمود. این نگرش هایبانگر تأثیرماندگار دوست اصلی در هم تنیده مطالعه تاریخ معماری اسلامی از ظهور آن تا اواخر قرن بیستم میلادی بود. نخستین سنت ریشه در نوع نگرش غرب به اسلام بود که شرق شناسی خوانده می شود و دومی نحوه ی نگارش تاریخ هنر و معماری بود. که تا دهه ی ۱۹۸۰م. پیوسته تاریخ معماری غرب را به عنوان تاریخ معماری برتر معرفی

کرده و معماری دیگر فرهنگ ها در دسته بندی های مردم شناسی و غیر تاریخی قرار می دادند. نخستین گروه دانشجویان معماری اسلامی در گنج جمع آوری، پردازش و تفسیر داده های به دست آمده در مورد جنبه های مختلف فرهنگ جامعه شرق شدند. آنها از شهرها و منظره های شرقی دیدن کردند، میزان تخریب ساختمان ها را اندازه گیری و ثبت کرده و با استفاده از تکنیک های طراحی از فری هند گرفته تا پروژکشن های دقیق دوربین، آن ها را به تصویر کشیده و کاتالوگ های چشمگیری از مجموعه ساختمان ها، بنا ها و جزئیات معماری و تزئینی تهیه کردند تا به این وسیله، میراث معماری غنی اسلامی را که تا آن زمان ناشناخته مانده بود به اروپا و طبقات غالب خود شرق شناسا نند. سرانجام معماری اسلامی به آرامی در اوایل قرن بیستم میلادی، بخشی از تاریخ هنر شد و نخستین دانشکده های مطالعات هنر اسلامی شامل تاریخ معماری، در دانشگاه های غربی و مراکز تحقیقاتی برپا شد. مدرنیته به عنوان یک روش زندگی و مدرنیسم به عنوان یک انقلاب معماری، زندگی و نمودهای فرهنگی جهانی را تغییر داده و فرهنگ های اسلامی نیز ناخودآگاه از این تغییرات تأثیر پذیرفته اند. تغییر شکل های دوره مدرن، به ویژه طی دهه های پس از پایان جنگ جهانی دوم، جنبه های مثبت و منفی ای با خود به خود به همراه داشته که نه تنها نحوه زندگی را تغییر داده بلکه محیط پیرامون ما را شکل داده است.

واکنش نسبت به مدرنیسم، اشکال مختلفی را به خود گرفته است. پست مدرنیسم با اصول اخلاقی سطحی اش، عمری کوتاه داشت. برخلاف، مدرنیسم، که خود را در زمینه های مختلف نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی و..... مطرح می کرد، پست مدرنیسم درون معماری رشد کرد و تا حدودی به حوزه های دیگر نیز نفوذ کرد که مهمترین آنها حوزه ادبیات بود و به میزان زیادی در آن رشد کرد. جنبش پست مدرنیسم تا حد زیادی فردی بود.

«معماری آزاد» در جهت نفی هر گونه کنترلی بود؛ نفی کنترل سیاسی در طراحی ساختمانها توسط افرادی که سعی داشتن مشکلات مسکن خود را حل کنند. این جنبش بر اساس ساخت و سازهای روزمره قرار داشت و باعث سکنی گزیدن افراد زیادی در جنوب آمریکا، شبه قاره هند، یونان، شمال آفریقا، اندونزی و ترکیه شد و همه اینها پس از جنگ جهانی دوم بعنوان راهکارهای جهت حل مشکلات مسکن در کشورهای شد که به سرعت به سمت شهرنشینی پیش می رفتند.

مسکن همواره یکی از موارد اصلی مورد توجه معماری بوده و تقاضاهای روز افزونی برای مسکنهای جدید وجود داشته است. در بهترین نمونه ها، خانواده ها و افراد در فردیتترین

حالت تحت تاثیر معماری قرار می گیرند. در هر مبحث معماری نکته قابل توجه حل مسائل و مشکلات مربوط به قشر کم درآمد جامعه بوده است که کوششهای مضاعفی را می طلبد. بسیاری از جوامع مسلمان در بافتهای روستایی زندگی می کنند. اما گسترش روستاها و معماری مربوطه آن در روند تحولات و معماری دارای جایگاه مشخصی نیست حال آن که با توجه به اهمیت غیر قابل انکار زندگی روستایی این امر باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.^۱

۱-۲- زمینه تاریخی معماری اسلامی

هنگام ظهور اسلام، دوسرزمین قدرتمند جهان، درایران ورم، بردنیای آن زمان حاکم بودند وهر کدام در درنشان دادن قدرت سیاسی خود از ابزارهای گوناگون بهره می گرفتند. یکی از ابزارهای آنها هم معماری بود ساخت بناهای بزرگ و تبلیغ بر بزرگی آنها در تیسفون ورم شرقی دیده می شود. خاطره بزرگی «ایوان مداین» هنوز در ذهن ایرانیان باقی مانده است. کلیسای «ایاصوفیا» بابزرگی افسانه ای خودنماد امپراطوری رم شرقی بود. در این هنگام قدرت سومی در سرزمین عربستان ابراز وجود کرد. این قدرت ابزار هنری خاصی در دست نداشت.^۲

۱-۳- بعد عرفانی معماری اسلامی

معماری معنوی به نیاز روحی انسان ها شکل گرفته است، نیازی که او را به وحدت برساند. لذا، هنرمند معمار با این نگرش به دنبال خود نمایی نیست. او خود وسیله ای برای اهداف معنوی اش است. هنر سنتی بیشتر بی امضا است، یا اگر نام هنرمند آمده، اطلاعات اندکی درمورد زندگی اش در دست است هنرمند را به خود معرفتی است در همان حال که گمنام می ماند به گفته ی «اردلان» هنرمند سالک محصول یا اثر خاص خود را می آفریند و هنرمند صنعتگر در بخشی از فرآیند آفرینش الهی سهم می شود. بنابراین، اثر این ویژگی ها را دارد:

- ۱- اثر بازتابی است از صور در ملوک یا عالم مثال؛
- ۲- اثر وسیله ای است برای عروج معنوی هنرمند؛
- ۳- اثر آزادکننده ی هنرمند از تعلقات است و عروج روح او را در پی دارد؛
- ۴- اثر نمایشگر تعادل، صفا، صلح و سلم است؛

۱. مارکوس هستین و پیتر دیوسف معماری اسلامی، مترجم: اکرم قیطاسی، تهران، انتشارات سوره، سال ۱۳۸۸، ص ۲۵

۲. مبانی نظری معماری، ملک طباطبایی، تهران، انتشارات فاطمی، ج ۱، سال ۱۳۹۰، ص ۷۶

۵- اثر (صورهنری) قادر است انسان را به شئون والاتر هستی و سرانجام وحدت رهنمون شود.

معماری به عنوان یک پدیده در این جامعه ی وحدت گرانشان دهنده ی اصل وحدت است. فضا، نور، رنگ، سطح، و ماده اجزایی اند که با نگاه معناگرایانه به آنها نگرسته شده است. از این دیدگاه معماری در میان آفرینش های هنری نقش بسیار محوری می یابد. معماری ارائه دهنده ی ابزار گوناگون در جهت نشان دادن مفهوم وحدت است. فضا یک مسیر از کل به جزء را طی می کند و سپس، دوباره به کل می رسد. جنبه های کاربردی فضا و تأثیر شرایط اقلیمی و اجتماعی بر آن، سبب ایجاد محصولاتی از این فرآیند می شود که یکی از آنها حیات مداری است. این محصول در معماری ایران برای زندگی سالم تعریف شده و همچنین روابط خویشاوندی جامعه ی سنتی بر لزوم نوعی مرکزگرایی در کاربرد فضا تأکید دارد. مرکزیتی که بر مبنای اهمیت نقش خانواده در جامعه ی سنتی است.

معماران ایرانی سعی داشته اند انسان را از میان فضای بی مانع عبور دهند و سدی در راه عبور انسان پدید نیاید. آدمی در این معماری متداوماً در فضای امواج گسترده، که پیوسته یکتاست، پیش می رود.

۴-۱- معماری اسلامی بر اساس فکر اسلامی

به طور کلی، هنر اسلامی می کوشد تا محیطی به وجود آورد که در آن انسان به تواند وزن و وقار فطری و اولیه ی خود را باز یابد. بنابراین، از هر گونه بت دوری ورزد. حتی به معنای نسبی و موقت آن، هیچ چیز نباید. حجاب بین انسان حضور نامرئی خداوند باشد. هنر اسلامی نظامی را می سازد که مبین تعادل و صلح و آرامش است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که: خداوند امت خود را مورد عنایت قرار داده تمام سطح زمین را جایگاه عبادت او قرار داده است. در این معماری پلان هایی با نقطه ی عطف مرکزی و حیات میانی، گنبد ها طاقها و دروازه های که بسیار اندیشمندانه تزئین شده اند، به صورت مجموعه ای مطلوب مورد توجه قرار گرفته اند. همه معمارهای اسلامی کوشیدند تا فضایی به وجود آورند که کاملاً متکی به خود باشند و همه جا در تمام مقامات خود، کلیه صفات و کیفیات فضا را متجلی سازد.

این معماری است که انسان را به مشاهد و شهود سوق می دهد. این معماری با علم هندسه سروکار دارد و هندسه ای که در این معماری مورد نظر است نه فقط جنبه کمی بلکه

جنبه کیفی نیز دارد، که جنبه کیفی آن در تناسبات بنا و هماهنگی اجزای آن یافت و سبب وحدت بی مانند بنا می شود.

معماری اسلامی سعی نمی کند که سنگینی طبیعی سنگ را -چنانکه در معماری گوتیک متداول است- نشان دهد. در معماری اسلامی ماده ی سنگین و بی شکل باحکاکی طرح های تزئینی زخرفی و اسلیمی حجاری به اشکال مقرنس و مشبک، سبکی شبیه اشیای ماوراء الطبیعی می دهد و بدین وسیله نور بر هزار جهت می تابد و سنگ و گچ را مبدل به یک جوهر قیمتی می سازد. این معماری از آن روزیاست که وابسته به کانون وظایف بشری است که همانا پیوند دادن نزدیک ساختن آسمان و زمین است. وظیفه ی مکان مقدس گشودن دروازه ای است به جهان آینده. ایجاد محیطی متعادل، همراه با صلح و آرامشی برای استفاده کننده ای به نام انسان از اهداف این نوع معماری است. بر این مبنا فضای کیفی تعریف می شود قضایی که وجد انسان رابه همراه دارد و او را به مشاهده و شهود وای می دارد.^۱

گفتار دوم: معماری غربی

۲-۱- انواع معماری

انسان ها طی قرون متمادی، با توجه به نحوه ی اعتقاداتشان، به چند نوع معماری روی آوردند که عبارتند از: معماری اسطوره ای، معماری توحیدی، معماری شرکت آلود که در ادامه به توضیح هر کدام از آنها می پردازیم و مصادیق آنها را بیان می کنیم.

۲-۱-۱- معماری اسطوره ای

این نوع معماری به جنبه و محتوای آرمانی خود بیش از ضرورت های کاربردی تکیه داشته و مصالح، مهارت، وقتی که در شکل گیری به کار گرفته شده با معماری های محلی یا ابنیه ی مسکونی کاملاً متفاوت است. هدف اصلی معماری اسطوره ای القای معانی مخصوص بوده است، لذا فرم های به کاررفته در این شیوه ی معماری به گونه ای است که با توجه به اصول زیبای شناسی حداکثر تأثیر بر احساسات انسانی را بگذارد. این معماری به تئوری های انتزاعی و اصول ایدئالیستی (آرمان گرایانه) بیش از عملکرد و احتیاج توجه می کند. لیکن به سبب درک عمومی و تفهیم معنای همگانی الگوهای این معماری، ازپاره ای سنت های معماری آغازین یا محلی بهره گرفته است. اهرام و معابد مصری کاملاً نمایانگر اصولی اند که در ساخت

ابنیه ی اسطوره ای مؤثر بوده است. مثلاً به طور مشهود در این ابنیه منابع و نیروی انسانی فوق تصویری به کاررفته است. این ابنیه بیش از آنکه قابل سکونت باشند، برای القای عظمت و رخنه در احساسات انسانی شکل گرفته اند و نمایانگر هنر و مهارت گروه زیادی از طراحان و هنرمندان اند. مدل های مانند پرستشگاه های یونانی یا کلیساهای قرون وسطایی، از مفاهیم مشترک اجتماعی و از تکنولوژی برتر زمان خود سود می جویند. معماری اسطوره ای را می توان به صورت جلوه والایی از هنر یا یک سمفونی برجسته تصور کرد که از ترکیب متناسب چندین عضو متضاد ولی مرتبط به وجود آمده است.

۲-۱-۲- معماری توحیدی

این نوع معماری بر مبنای اعتقاد توحیدی انسان هاطی قرون متمادی شکل گرفته است. در این نوع معماری یگانگی خداوند مانند مرکز دایره است که همه چیز از او منشأت می گیرد و اصل وحدانیت الهی اصل بسیار مهم در تحلیل این معماری به شمار می آید. این نوع معماری در نقاط مختلف جهان نموده هایی دارد، ولی بیشتر به آن بخش از معماری توحیدی که به فرهنگ ما نزدیکی دارد می پردازیم معماری توحیدی در جهان غرب و جهان اسلام خود را در کلیساهای، مساجد، و سایر کانون های توحیدی نشان می دهد. برای توضیح بیشتر در مورد این نوع معماری ابتدا معماری گوتیک، به عنوان یکی از نمونه های معماری مسیحیت و پس، معماری اسلامی را توضیح می دهیم.^۱

۲-۱-۳- معماری گوتیک

نحوه ی تفکر معماری گوتیک ناشی از پاره ای از جنبه های مذهبی است، زیرا نفوذ سنت های مسیحیت تأثیری بسیاری بر معماری گوتیک گذاشته و فرم های متمرکز بناهای قبل از مسیحیت را به صورت فرم های خطی تغییر شکل داده است. همچنین، خطوط کشیده ی عمودی روحی منظم و باهیت، که القاکننده ی قدرت و توانای خداست، به فضاهای داخلی بخشیده است. سازه با عظمت طاق های بلند و دیوارهای شیشه ای منقوش که میان جرزهای ضخیم آن به صورت معلق استوارند، به وجود آورنده ی احساسی از کشش و انرژی اند و با تکرار نیرومند عناصر مشابه بر فرم آنها تأکید شده است. در این معماری محورها کنترل کننده ی طراحی است و ترکیب کل اجزا تعادل دارد و فرم کلیساهای این زمان بیان کننده ی همان زبان معمارانه ی باشکوه و متکی بر اصول فرم،

۱. همان، ص ۷۵

فضا، نور، تزئینات داخلی و دسته ای از نمادهای قابل توجه است. حال به معماری اسلامی می پردازیم و ابتدا زمینه ی تاریخی آن را بررسی می کنیم.

۲-۲- معماری شرک آلود

در قرون اولیه ی اسلام، هنگامی که امویان به حکومت رسیدند، حاکمان سلطه گرای اموی برای نشان دادن زتدگی دنیوی خود از هنر دنیوی بهره گرفتند. ساخت کاخ های بزرگ، مساجد باشکوه برای جلوه -گر کردن قدرت خود و تخریب یادگاری های صدر اسلام به بهانه ی نوسازی آنها، برخی از کارهای آنهاست. در مورد آخر می توان به تخریب یادگارهای حضرت رسول ﷺ در مدینه اشاره کرد که به وسیله ی «ولید» -خلیفه ی اموی- تخریب شد و با این کار یکی از مقدس تری مکان های مسلمانان، جایگاه حضرت رسول ﷺ خانه ی او، و مسجد و یادگار اواز بین برد.

مسجد اموی دمشق احتمالاً در مکانی که یک کلیسا جای داشته بنا می شود. بخش قبله ی آن شبستانی بزرگ باستون های متعدد و پوشش چوبی دارد. روی محور قبله، یک گنبدخانه دارد و در سوی دیوار قبله ی آن، مقصوره ای نفیس ساخته شده است. شیوه ی کامیاب اموی در واقع با سادگی و متانت مسجد در آغاز اسلام هماهنگی نداشت.

۲-۳- تأثیر خانه سازی غربی بر سبک زندگی ایرانی

رهبر معظم (مدظله العالی) در دیدار شهرداری تهران و اعضای شورای شهر پایتخت با ایشان، نکته مهمی را در لابه لای بیاناتشان مورد توجه قرار دادند که طی سالیان اخیر بارها و بارها هم از سوی معظم له و هم از جانب علما و مراجع معظم تقلید عنوان شده است. رهبر فرزانه انقلاب در این جلسه ضمن اشاره به تأثیر گذاری معماری و نمای ساخت و سازها بر فضای سبک زندگی ابراز داشتند:

« باید هرچه ممکن است محیط زندگی شهر، به گونه ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت تر و امکان پذیر باشد.»

حدود دوسال پیش بود که آیت الله العظمی جوادى آملى طی سخنانی در دیدار اعضای کمیته تخصصی شهرسازی سازمان نظام مهندسی کشور باینکه در شهرسازی و معماری هرآنچه که عقل آن را فهمید همان ملاک است، اظهار داشتند: «باید توجه داشت که معماری اسلامی به آن معنی نیست که در آیه ای در قرآن باشد تا براساس آن عمل کرد اما این گونه می

توان عنوان کرد، اگر هر چیزی از ابتدا تا انتهای آن محکم و علمی نباشد و براین اساس عمل نشود آن امر اسلامی نیست.» این استاد و مفسر برجسته قرآن کریم همچنین در دیدار بر این نکته کردند که: «ساختن خانه های با آشپزخانه های به اصطلاح این که در آن صاحبخانه نتواند خود را از مهمان مصون و مستور نگه دارد، اسلامی نیست؛ زن باید هنگامی که در خانه مهمانی وجود دارد، بتواند بدون آنکه در معرض دید مهمان باشد کارهای خود را انجام دهد و از نگاه دیگران مصون و محفوظ بماند.»

ایشان همچنین با اشاره به این که نمای بیرون منازل باید طوری طراحی شود که خانه ساخته شده بر دیگر منازل ها اشراف نداشته باشد، افزوده بود: «منازل در کشورهای غربی دیوار خاصی ندارد و از طریق نرده از یک دیگر جدا می شوند و این به دلیل آن است که آنها منزل را به جایی پرورشگاه، آسایشگاه می پندارند.

چندی بعد، این بار آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) بود که طی بیانات مهمی تصریح کردند: «تقلید از سبک غربی به بلایی برای کشور و ساختمان های کشور تبدیل شده، در حالی که باید ساختمان ها به صورت سنتی بنا شود چرا که گردشگرانی که به ایران می آیند، می خواهند ساختمان های سنتی و اسلامی ایران را ببینند نه این که بناهای مانند ساختمان های خود را مشاهده کنند.

آیت الله العظمی سبحانی نیز چندی پیش در دیدار روسای سازمان های نظام مهندسی سراسر کشور با ایشان با اشاره به بایسته های ساخت و ساز اسلامی، نسبت به توسعه بیش از حد آپارتمان نشینی و نیز تشویق مردم به انبوه سازی هشدار داده و رعایت اصول شرعی در صدور پروانه ساخت را خواستار شدند.

این مرجع تقلید بیان داشتند: «اینکه ساختمان های بلند ساخته می شود که بر تعداد زیادی از واحدهای مسکونی اشراف دارند، شرعی نیست؛ باید مصوبه ای در قانون صدور پروانه گنجانده شود که از ساخت این گونه سا-ختمان ها جلوگیری شود.»

البته اگر بخواهیم به همه توصیه های علما و بزرگان و مراجع در این باره بپردازیم می بایست کتابی نگاشت و بی شک حجم محدود این وجیزه را یاری پرداختن بدان نیست، بلکه غرض آن است که بدانیم بخش قابل توجهی از سبک زندگی اسلامی، ارتباط مستقیمی با نوع خانه و کاشانه ای دارد که افراد بر می گزینند و دقیقاً از این روست که توجه به مسأله ساخت و ساز اهمیت پیدا می کند.

اساساً ساختار و مدل خانه ها و فراتر از ساخت و ساز شهری، برجهای مسکونی، ساختمانهای اداری و نیز پارکها همچنین مساجد و... همگی می توانند در فرهنگ و باورهای انسان نقش ویژه ای چه در بعد مثبت و یا منفی، ایفا کنند.

متأسفانه رویه ساختمان سازی در کشور طی یک دهه اخیر و توسعه آپارتمان نشینی آن هم بون توجه به شرایط بومی و دینی، آسیب ها و چالش هایی را در سبک زندگی بسیاری از مردم جامعه ما به ویژه در عرصه عفاف و حجاب پدید آورند، که به یقین در بازه زمانی طولانی مدت، شاهد تأثیرات نا مطلوب آن بوده و خواهیم بود. به تعبیر رسای یکی از بزرگان چنان چه می خواهیم فرزندان باحیا، مسجدی و با غیرت باشند باید در ساخت و سازهایمان مراقب بوده و اصول و معیارهای دینی را در این باره کاملاً مراعات کنیم.

از سویی تردیدی وجود ندارد که نگرش تقلیدی از فرهنگ غرب و پشت پا زدن به سنت ها و اصالت های معماری اسلامی، بستر ساز وضعیتی شده که اصل آرامش روحی و روانی کمتر در ساخت و سازهای جدید مراعات می گردد و حال آنکه بی گمان با رعایت ساخت و ساز اسلامی به بهترین نحو ممکن هم می توان امنیت و آرامش را برای اعضای خانواده فراهم کرد و هم این که از حقوق شهروندی و حقوق همسایگان به خوبی حراست نمود. بر اساس آموزه های اسلامی، این که ساختمانی جلوی ورود نور خورشید به ساختمان دیگر را بگیرد و یا ای که ساختمانها نسبت به هم اشراف داشته باشند، پذیرفته نیست و باید از این گونه ساخت و سازها که مخالف نظر شرع مقدس و نیز حقوق شهروندی و همسایگی است، پرهیز کرد.

همچنین باید توجه داشت که چنانچه منزل مسکونی انسان به شکلی ساخته شود که هنگام ورود مهمان و مهمانان، زنان و دختران ناگزیر از حضور در برابر آنان باشند، چه بسا که در این صورت، موضوع حجاب و پوشش اسلامی تبدیل به مسئله ای طاقت فرساشده و خواه و ناخواه، موجب ضعف سستی باورهای خانوادها در مساله عفاف و حجاب گردد.

از آن سوی ماجرا نیز اگر منزل به شکلی ساخته شود که مهمانان وارده مزاحمتی برای خانواده نداشته باشد، در این صورت خانم و دختر خانه براحتی و بدون لباس و پوشش اضافی، می توانند وسائل پذیرایی را فراهم نموده و حجاب لازم اسلامی، هیچ دغدغه و مزاحمتی برای آنان نداشته و موضوعی کاملاً سهل و آسان خواهد بود. شاید برای بسیاری از مخالفان این یادداشت، جلب و تعجب برانگیز باشد که هم اکنون در بخشی از معماری های اروپایی، از اندرونی و بیرونی معماری قدیم ایران الگوگیری شده به طوری که این بناها، به صورت اندرونی و بیرونی ایرانی ساخته شده اند. اینجاست که دردمندانه باید آرزو کرد و امید داشت که

ایرانی مسلمان از اصالت های خود دور نشده و بتواند باتکیه برداشته های بومی و دینی، از آسیب های زندگی مدرن امروزی و سکونت در خانه هایی که فاقد روح آرامش و امنیت هستند، مصون بماند. سخن آخر هم این که مسئولان و مردم باید به هوش باشند خدای ناکرده گرایش ما به سمت شهرسازی و خانه سازی مدرن و چشم نواز به گونه ای نباشد که بعداً در دامی بیفتیم که امروز بسیاری از شهرهای کشور مسلمان و تاریخی ترکیه به جهت از دست دادن معماری اسلامی خود و حرکت بر قاعده کشورهای غربی به آن دچار شده اند.^۱

گفتار سوم: مرزهای فرهنگی – اجتماعی و مرزهای معماری

برای خواندن معماری سرزمین های گوناگون از نگرش فرهنگی – اجتماعی استفاده شده است. جملات زیر ما را به موضوع مرزهای فرهنگی و مرزهای معماری نزدیک می کند: «خانه ی یک انگلیسی قلعه ی اوست»، «به خانه ی من عرب خوش آمدی. خانه ی من خانه ی توست». این دو جمله از دو فرهنگ متفاوت گرفته شده است. جمله ی اول، ویژگی اصلی خانه در فرهنگ یک انگلیسی را بیان می دارد که آن را مانند یک قلعه تعریف می کند که قلمرویی مشخص با دیوارهای حفاظتی و برج دیده بانی دارد و آن را برای حفاظت و امنیت بیشتر ساکنان آن می سازند. نفوذ به این برج ها بسیار سخت است و حریم خصوصی اش بر همه چیز آن حاکم است. خانه ی امروز یک انگلیسی بیان کننده ی همین طرز تفکر است. انگلیسی ها برخلاف دیگر مردم اروپایی، به خانه های چند خانواری علاقه ی چندانی ندارند. به یک چهاردیواری جدا و مستقل برای سکونت خود تمایل دارند. خانه ی کوچک آنها دو طبقه است در طبقه ی همکف ناهار خوری و نشیمن است. فضایی به نام پذیرایی در این خانه وجود ندارد. اتاق نشیمن سه عدد مبل دارد. این برای خانه ی چهار نفری مناسب است. مهمان در این خانه ها جایگاه خاصی ندارد و معمولاً مهمانان به صورت سرپایی پذیرایی می شوند.

جمله ی دوم ویژگی های رفتاری یک عرب مسلمان را نشان می دهد، جمله با خوشامدگویی آغاز می شود. چیزی که در سرزمین های شرقی و به خصوص کشورهای مسلمان دیده می شود. در ادامه میزبان خانه ی خود را به مهمان تقدیم می کند. این تقدیم نشان تقدیم احترام است نه مالکیت خانه.

۱. سایت خبرگزاری رسمی حوزه، مقاله سید محمد مهدی موسوی، تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۴

با توجه به موارد فوق در می یابیم که الگوهای رفتاری می تواند در کالبد خانه دیده شود. افزون بر این الگوها، تقسیمات اجتماعی، پدرسالاری، روابط اجتماعی، میهمان نوازی، حریم ها و درجات آنها در کالبد بنا مؤثر است. آنچه در اینجا بر ما اهمیت دارد، تعریف مرزهای فرهنگی سرزمینی به نام های عرب و انگلیسی و غیره است که تمایز وجوه فرهنگی و اجتماعی را نشان می دهد.

نگرش فرهنگی - اجتماعی می تواند ابزاری برای ایجاد مرزهای شدید فرهنگی - اجتماعی باشد که این مسئله در نوشته های نویسندگان و محققان عرب به وفور دیده می شود. آنها با عاریت گرفتن وجوه فرهنگی در تحکیم قوم گرایی عرب تلاش می کنند. عاریت گرفتن از دین بزرگ اسلام و ریختن آن در ظرف قومیت عرب یکی از روش های آنهاست. همان طوری که می دانیم، دین اسلام در سرزمین عربستان ریشه های شرک و جاهلیت عرب را خشکاند و تأثیر شگرفی بر روابط اجتماعی آنها گذاشت. از نگاه معمارانه یکی از نشانه های روابط اجتماعی در دوران جاهلیت عرب را می توان در نحوی ورود به خانه های یکدیگر مشاهده کرد. در آن زمان در سرزمین عرب هر فردی به خود این اجازه را می داد که بدون اجازه از راه در ورودی، یا دیوار یا بام خانه وارد خانه ی دیگر شود. اگر فرض بگیریم که در هر حال ساکنان خانه های عرب حداقل حریم خصوصی را برای برخی از فعالیت های خود نیاز داشتند. بنابراین، چنین روشی برای ورود به خانه یکدیگر به معنی شکستن حریم های خصوصی ساکنان آن خانه به حساب می آمد. دین اسلام تغییری بزرگ در این نحوه ی رفتار به وجود آورد. قرآن به مؤمنان می فرماید: « ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه ای مگر خانه ی خودتان، تا آنکه با عملی ورود خود را اعلام کنید؛ وارد نشوید و به اهل خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است امید است متذکر شوید.»^۱ رسوخ این آیات الهی در دل مؤمنان و تغییر رفتار اجتماعی باتکیه بر این آیات، به تحول بزرگی در معماری جهان اسلام منجر شد. ساخت انواع کوبه و حلقه بر در ورودی برای به صدا درآوردن آن به هنگام ورود به خانه، ساخت دیوارهایی به نام «حجاب» در پشت در ورودی برای جلوگیری از دید به داخل بنا، ساخت هشتی ها و راهروهای پرپیچ و خم و موارد مشابه در معماری سرزمین های اسلامی دیده می شود.^۲

۱. سوره نور، آیه ۲۷

۲. مارکوس هستین و پیتر لیوس، معماری اسلامی، مترجم: اکرم قیطاسی، تهران، انتشارات مهر، سال ۱۳۸۸

گفتار چهارم: رویارویی با بحران هویت در معماری اسلامی

برای جلوگیری از فرهنگ وارداتی بیگانه باید از فرهنگ و معماری بومی بهره برداری کرد. معماری بومی از یک فرهنگ خاص محلی سخن می گوید. فرهنگ بومی به دست مردمان همان محل شکل گرفته، رشد کرده و در رویدادهای سخت تحت تأثیر قرار گرفته است. ما به عنوان یک ایرانی با شناخت شرایط فرهنگی و بومی کشورمان به دنبال هویت خودمان بگردیم. بهتر می توانیم در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه مقاومت کنیم.^۱

گفتار پنجم: شناخت مسکن و ابزار معماری برای تجلی وحدت در معماری

اسلامی

۵-۱- شناخت مسکن

تمام موجوداتی که خلق شده اند و در این کره ی خاکی زندگی می کنند، بدون استثنا به مسکن و سرپناه نیاز دارند. هر موجودی بر مبنای فطرت و غریزه اش برای خود جایگاه و مأوایی می سازد و به نوعی زندگی خود را سپری می کند. جالب این است که این نوع موجودات از حد خویش تجاوز و تعدی نمی کنند. به همین شکل، این مسأله به نسل های بعدی انتقال می یابد و هیچ نوع دگرگونی یا پیشرفتی در امر لانه سازی یا تهیه ی مسکن آن ها صورت نمی گیرد. تنها موجودی که از این قانون مستثناست، انسان است. انسان از ابتدای آفرینش طبق فطرت و غریزه ی خود محلی برای مسکن خود انتخاب نموده و با گذشت زمان و پیشرفت امور تغییرات فاحشی در آن بوجود آمده است. ابتدا از زندگی در غار شروع کرده، سپس به زندگی روستایی و بعد از آن به زندگی شهری روی آورده است و امروزه نیز شاهد و ناظر زندگی در آسمان خراش ها هستیم. بر اثر ازدیاد جمعیت جهان، متخصصین امر، مسکن های خاصی به نام آپارتمان برای زندگی مردم طراحی نموده و ساخته اند. با پیشرفت علم و صنعت، انسان خود را اسیر نموده، و روز به روز عمر خود را کوتاه می کند و خود را به ورطه ی هلاکت و نابودی می کشاند. به عنوان نمونه خانه های چند دهه ی قبل را با خانه های امروزی مقایسه می کنیم تا مسأله روشن تر شود.

۱. همان، ص ۶۹

در گذشته انسان از مصالح ابتدایی و اولیه طبیعی، مانند سنگ و خاک و رنگ های معدنی برای ساختن مسکن خویش استفاده می کرد و از مصالح امروزی مانند آهن و بتن و مواد شیمیایی، به خصوص رنگ های متداول امروزی خبری نبود. در گذشته، قطر دیوارها را حدود یک متر در نظر می گرفتند و در سقف ها از طرح طاق چشمه یا گنبدی استفاده می کردند و نیز برای رنگ آمیزی، رنگ های معدنی به کار می بردند که هیچ گونه ضرری نداشت.

محاسن خانه های قدیمی: اولاً: قطر دیوار باعث می شد تبدلات حرارتی به راحتی انجام نشود؛ این نوع خانه ها در تابستان خنک و در زمستان گرم بود. ثانیاً: نوع طاق یا سقف خانه ها که گنبدی شکل بود و شکل هندسی آن در انسان آرامش ایجاد می کرد. علاوه بر این استحکام فوق العاده ای برخوردار بود؛ به نحوی که امروزه پل های بزرگ و عظیم را قوسی شکل می سازند.

یکی دیگر از حسنات خانه های قدیمی دور بودن توالت از محل زندگی، یعنی اتاق ها و آشپزخانه ها بود، این در حالی است که امروزه توالت داخل ساختمان و چسبیده به حمام یا آشپزخانه است که از نظر بهداشتی اصلاً کاردرستی نیست. بدتر از همه بوی نامطبوع آن است که در فضای اتاق و آشپزخانه می پیچد و حالت مشتمنز کننده ای به انسان دست می دهد. ما معماری سنتی و فرهنگ خود را فراموش نموده و معماری و فرهنگ غربی را جایگزین آن کرده ایم. ممکن است بپرسید باز دیاد جمعیت چه کار باید کرد؟ در جواب باید گفت ایران کشوری پهناور است و خداوند متعال همه نوع نعمت را به این مملکت ارزانی داشته است و به اندازه کافی زمین بایروبی آب و علف در آن وجود دارد که بتوان خانه های مسکونی و ویلایی یا چند طبقه ساخت که با سنت ها و معیارهای اسلامی و ایرانی منطبق باشد.

امروزه، یکی از مضرات آپارتمان نشینی نداشتن فرهنگ صحیح آن است. در بسیاری از آپارتمان ها به قول ما ایرانی ها قانون «چهار دیواری اختیاری» حاکم است، نه قانون «آپارتمان نشینی».

آپارتمان سازی و آپارتمان نشینی مضرات زیادی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: آپارتمان نشینی زندگی اشتراکی با سلیقه های مختلف و بوجود آمدن محدودیت هایی متعدد است.

از ضررهای دیگر آن استفاده از بتن است که در اعصاب و روان آدمی اثرات سوئی دارد؛ زیرا بتن تشعشعاتی دارد که در اعصاب و روان اثر منفی می گذارد. استفاده از مواد شیمیایی مانند موکت و امثال آن موجب می گردد الکتریسته های ساکن در بدن انسان تولید و انبار شود

و مدام با دست زدن به دستگیره های درب یا اشیاء فلزی دیگر تخلیه صورت گیرد و در نتیجه، دچار شوک الکتریکی شویم. این امر نیز موجب ناراحتی های اعصاب می گردد.

برعکس دوام خانه هایی که با سبک معماری ایرانی اسلامی ساخته شده اند، نسبت به خانه های مسکونی جدید بیشتر است و انسان از سکونت در آنها احساس شادابی بیشتری می کند. این نوع خانه ها دارای حیاط بزرگ و باغچه ای متعدد با انواع گل ها و بعضاً دارای درختان میوه است که یک حالت و جلوه ای خاصی ایجاد می کند.^۱

۵-۲- ابزار معماری مسلمانان برای تجلی اندیشه ی وحدت در معماری اسلامی

معماران مسلمان برای تجلی اندیشه ی وحدت در آثارشان از ابزارگونگون بهره گرفتند: بورکهارت نویسنده کتاب هنر اسلامی، زبان و بیان به سه مورد آن اشاره می کند: هندسه: که وحدت را در نظم فضایی جلوه گر می سازد. وزن: وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیرمستقیم در فضانمودار می سازد. روشنایی: که نسبت آن با شکل های قابل رؤیت مانند وجود مطلق است به موجودات. او معتقد است معماران سرزمین های اسلامی سعی کرده اند از مواد ساده ی ساختمانی جواهر قیمتی بسازند تا به هدف خود که نشان دادن نور است دست یابند.

در توصیف بهشت از زبان پیامبر ﷺ به معماری پرمعنایی دست می یابیم. بهشت توصیف شده گنبدی بسیار بزرگ از مروارید دارد که بر چهار دیوار آن حرف الهی نگاشته شده است.^۲

نتیجه

برتی جلوگیری از فرهنگ های نادرست و صد شئون اسلامی باید در زمینه ی معماری از سبک های -خانه سازی سنتی و بومی حمایت شود منازل مسکونی باید طوری طراحی شوند که در آنها حفظ حریم شود ما به عنوان یک ایرانی با شناخت شرایط فرهنگی و بومی کشورمان به شناخت هویت و حفظ سنت های اصیل دینی خودمان کمک می کنیم و با این کار بهتری می توانیم در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانگان مقاومت و ایستادگی کنیم.

۱. جمشیدخدادی، پانزده روز تا سلامتی، چ ۱۲، تهران، انتشارات موسسه نشر شهر، سال ۱۳۹۲، ص ۳۸۱

۲. ملک طباطبایی، مبانی نظری معماری ف چ ۱، تهران، انتشارات فاطمی، ص ۷۸

بخش چهارم:

راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب

فصل اول:

راهکارهای درون مرزی

مقدمه

تهاجم فرهنگی هدفی گسترده را به دنبال دارد بنابراین لازم است جهت مقابله با آن همه ی اقشار و سازمان ها وارگان ها باهم همکاری کنند و به آگاهی سازی مردم بپردازند این مسئولیت شامل علماء و روحانیت دانشجویان، مسئولین دولتی و نظام های آموزشی، دستگاهها و نهادهای فرهنگی-هنری و.... می شود باید تمامی این گروه های نام برده گرد هم جمع شوند و مسیر ترقی در جهت حفظ سنت های اسلامی و دفاع از آنها در جامعه بپیمایند.

گفتار اول: نقش حوزه های علمیه و دانشجویان

۱-۱- بیداری و پویایی حوزه های علمیه و علما و تبلیغ حفظ ارزش های اصیل دینی

نقش مؤثر و کلیدی حوزه های علمیه و علمای دینی در حرکت های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه ی ملت ایران از چشم هیچ کس پوشیده نیست و حقیقتی ا نکار ناپذیر است. در انقلاب اسلامی نیز اگر همت و پایداری و رشادت و از خودگذشتگی این مردان حوزه نبود، ملت هیچ گاه شاهد طلیعه ی آزادی و استقلال ملی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نمی شود. و اما در روزگار پیروزی و برقراری نظام اسلامی اگر رسالت حوزه حساس تر از روزگار مبارزه نباشد، کمتر از آن نیست. در این زمان لزوم بیداری و هوشیاری حوزه ها بیشتر از هر زمان دیگر احساس می شود. اصولی که حوزه ها باید به آن اهتمام جدی داشته باشند بدین ترتیب است:

- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت
- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه ی اسلامی
- تبیین همه جانبه اسلام برای جهان امروز.
- آگاهی از تحولات و مسائل جاری دنیا.
- ترسیم ارکان و پایه های تفکر اسلامی - انقلابی.
- میدان دادن به تحقیق و نوآوری.
- کسب فضایل اخلاقی و معنوی.

- اهمیت دادن به تبلیغ

- استفاده از روشهای نوین در تبلیغ و پرهیز از سخنهای سطحی

- اهمیت شناخت زمان و مکان در تبلیغ

- ارائه عملی اسلام به جهان معاصر

- ساده زیستی روحانیت و رعایت تقوای الهی

- اهمیت دادن به نماز جمعه

بدون تردید تهاجم فرهنگی هدفی عام دارد، ولی باید گفت که روزنه های رسوخ آن در پیکره ی جامعه ی اسلامی افراد ضعیف الایمان و لاابالی می باشند و این رسالت حوزه های علمیه است که با حفظ و تعمیق ایمان معنوی در آحاد ملت اسلامی این روزنه های رسوخ استکبار را مسدود کرده و امید آنها را به یأس تبدیل کنند.

«ما اگر به این وضعیت و به عواقب آن که در دهه ی آینده درست در اوج شکوفایی انقلاب در سطح بین المللی و درست وقتی که به سربازان تازه نفس و امیدوار و توجیه شده محتاج هستیم، بدان دچار خواهیم شد. اگر به این وضعیت فکر نکنیم قدم از قدم برنخواهیم داشت. اگر نسل سوم درست تربیت نشود همه چیز را یاد خواهد داد و شاید خیلی هم مقصر نباشد.

او نمی داند چه چیزی در دست دارد و به چه قیمتی بدست آمده است او نمی داند چه غم های مقدسی و چه خون های معطر مصرف شده است. او نمی داند کاری که از ۴۲ تا امروز صورت گرفته است یک استثناء تاریخی است. حرکتی برخلاف تقدیر سیاسی جهان بوده است اعجاز بوده است. اگر به این نسل تفهیم نشود که در چه موقعیتی است و بهتر بگوییم در بهترین موقعیت ممکن جهان کنونی بسر می برد اوقدرت هیچ چیزی را نخواهد داشت « شما امروزه برای طبقات مردم بایستی خوراک فکری لازم که آنها را به اسلام مؤمن کند و از گناه بیزاری کند و به ثواب راغب کند و آنها را به در خانه خدا ببرد، داشته باشید»

از اصولی که باید در تبلیغ بدان توجه کنیم استفاده از جوابها و پاسخ های روشن و مستدل به طوری که بتوانیم اذهان عمومی را روشن کنیم تا دشمن قادر به اجرای سیاستهای تزویری خود نشود. «امروز سخن و عمل ما زیر ذره بین دشمن اسلام قرار دارد و در چنین شرایطی باید به مطالب مستند و منطقی توجه واز سخنان سست پرهیز شود تا مخاطبان ما در برابر تهاجم فکری وذهنی دشمنان مصونیت پیدا کنند»

ضعف در معرفی صحیح فرهنگ اسلامی یکی از مهمترین عوامل زمین ساز تهاجم فرهنگی است و هرگونه اقدام مؤثری در این زمینه نیز می تواند سد محکمی در مقابل تهاجم فرهنگهای بیگانه باشد. حوزه های علمیه یکی از مهمترین مراکزی هستند که وضعیت تبلیغ و رساندن فرهنگ اسلامی را به جامعه دارند.

یکی دیگر از اصولی که باید در تبلیغ بدان توجه کنیم، قرارگرفتن در موضع تهاجمی است. ما باید برای دنیا الگوهایی عرضه کنیم و برای نیل به این هدف، برخورد مابا هجوم تبلیغاتی غرب دفاعی است. دفاعی نه مقرون به صرفه است و نه محتمل به پیروزی، مادر مقابل فشار تبلیغاتی قرار داریم در مقابل، هزینه های تبلیغاتی ما بسیار کم است.

۱-۲- ساده زیستی روحانیت و اهمیت به نماز جماعت و جمعه

ساده زیستی یکی از خصوصیات بارز روحانیت اسلام است که همیشه با او همراه بوده است.

حضرت امام رحمته الله علیه که خود نمونه بارزی از روحانیت مسلمان است در این مورد چنین می فرماید:

«ارزش انسانها به این نیست که یک هیاهو داشته باشند ارزش روحانیت دبه این نیست که یک بساطی داشته باشند و یک دفتر و دستکی داشته باشند... شما گمان نکنید اگر باچندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه تان پیش مردم بزرگ می شود. آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است این که زندگی شما روحانیون ساده باشد این سادگی وبا مردم بودن، آنها را باشما مأنوس می نماید و آنان مدافع حقیقی روحانیون می گردند این توطئه دشمن رانیز خنثی می کند.»

ارائه عملی اسلام به جهان معاصر، اصلی انکار ناپذیر است، اگر ما خواهان آن هستیم که مکتب جهان شمول خود را تا اقاصا نقاط دنیا گسترش دهیم. باید الگوهای عملی در این زمینه ارائه کنیم. علت نمود پیدا کردن جاذب تبلیغات غرب در جامعه، محرومیت طبیعی مادر جامعه است وقتی جوان، از نظر غرایز ذاتی و نیازهای درونی ارضاء شود به راحتی می تواند شخصیت متلاطم خود را باز یابد و از لحاظ رشد شخصیت اجتماعی در مسیر طبیعی و مطلوب قرار می گیرد تنها با سخن گفتن و تکرار نصایح بیهوده نمی توان جوانان را جلب ارزشهای معنوی کرد.

لذا زبان تبلیغات امروز ونحوه ی بیان آن باید متناسب با تحولات ارتباطی جدید باشد ماباید به جای تبلیغ بیش از اندازه در زمینه ی ارزشهای معنوی اسلامی پیاده شدن عملی این

ارزشها را در جامعه تحقق بخشیم تا افراد در عمل جامعه ایده آل اسلامی را ببینند واز نزدیک تفاوت آن را با سایر جوامع درک کنند ما باید در عمل نشان دهیم که در جامعه و دنیای متلاطم و ناامن چگونه می توان در سایه ی اسلام به آرامش روحی رسید و با نشاط و متانت خواص در خدمت دیگران بود. دنیایی که معتقد است، انسان که دلهره ندارد انسان نیست درحالی ما اعتقاد داریم «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

اهمیت دادن به نمازهای جمعه جماعات از دیگر وظایف حوزه است «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» پس به این حدیث لباس عمل بیوشانیم و در جامعه آن نشر دهیم و بسیاری از منکرها را بزداایم و این وظیفه ی علمای دینی است که با برگزاری برنامه های مختلف و جاذب برای اقشار مختلف البته در چارچوب اسلام، مسلمانان را بیش از پیش متوجه این فریضه الهی کنند.

امروز چشم امید مردم به روحانیت است، تکیه معنوی مردم به روحانیت است و بزرگترین مظهر عمومی روحانیت درهمه جای کشور ائمه جمع هستند. البته درحوزه های علمیه و مراکز علمیه اساتید و مراجع هستند، لکن مخصوص بعضی از نقاط کشورند و آنچه در همه جای کشور عمومیت دارد امامت جمعه است که هم نماینده کل روحانیت است و هم نماینده ی نظام.

منبرهای جمعه رابایستی پر جاذبه کرد. جوانها را باید به آن جذب کرد. از چیزهایی که باعث تنفر می شود پرهیز کرد و از چیزهایی که ایمان را از روحانی سلب می کند اجتناب کرد.

امام راحل رحمته الله دراین باره می فرماید:

« وصیت این جانب به حوزه های مقدسه ی علمیه آن است که کراراً عرض کرده ام که دراین زمان مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می کنند... البته در رشته های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرارگیرند علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس سیر و سلوک الی الله رزقنا وایاکم که جهاد اکبر می باشد.»

۱-۳- تقویت مدیریت هوشیاری و آگاه، دانشجویان و اساتید متعهد، در دانشگاه های و نظام آموزشی عالی

دانشگاه تجلی گاه بقاء ودوام علم، شناخت طبیعت وانسان، کشف قوانین خلقت، آموختن راه صحیح زندگی ومحل پرورش استعدادها، ابتکار، نوآوری وتخصص است. این فضای دانش وتجربه ومنزلگاه شناخت شعور وکارخانه ی آدم سازی ومهارت آفرینی، اگر آراسته به تعهد وتقوا بوده درحاکمیت تفکر اصیل دینی باشدتخصص ها تقدس یافته، تعهد ومسئولیت عجین دانش شده است، علم ، عالم ومتعلم فارغ از لغزش های اندیشه وعمل به خصوص در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه مصونیت می یابند.

در این محیط مقدس باآمیزش دین ودانش، عشق به یادگیری ویاددادن اوج می گیرد وهمه درمسیر خدا و خدمت به خلق، کشف ابهامات هستی، رازهای طبیعت وخلق وجذب تکنولوژی شایسته موفق خواهند شد.

۱-۳-۱- تهیه متون آموزشی منطبق با مبانی فرهنگ اسلامی و نظارت بر چگونگی

اشاعه ی افکار

یکی ازاساسی ترین گامها درجهت رسیدن ودست یافتن به چنین محیط مقدسی، تدوین دروس آموزشی توسط کارشناسان ومتخصصان متعهد داخلی است.

« نظر به این که متون درسی دانشگاهها به خصوص دربخش علوم انسانی عموماً از منابع مبتنی برنظریات مادی گرایانه محققان غربی اخذ گردیده ودرقالب نظرها وتئوری های کلاسیک به صورت رسمی واردنظام آموزشی کشور شد وبه همین دلیل در بسیاری از موارد تضادهای اصولی فی ما بین این متون ومکبانی فرهنگی اسلامی وجود دارد، تازمانی که متون آموزشی با مبانی فرهنگ اسلامی تطبیق داده نشود، انتظاردانشگاه اسلامی وتریت انقلابی دربین عامه دانشجویان تصوری ساده لوحانه خواهد بود.»

علاوه بر علوم انسانی، بایدیک فلسفه اسلامی برای علوم طبیعی وتجربی تدوین شود ونقطه نظرات اسلام در این زمینه بحث شود واز طرف دیگر در کتابهای تدوین شده دانشگاهی کمتر از دانشمندان مسلمان نامی برده می شود. باید درصدد مطرح کردن واقعیتهای جامعه ی اسلامی باشیم ولاقل واقعیت های موجود را بشناسیم.

« مامحتاج یک فلسفه اسلامی برای علوم انسانی هستیم. ماباید آزمایش جهان بینی اسلام را پس بدهیم ما باید اثبات کنیم که دارای جهان بینی مستقلی هستیم وتعریف مستقل از انسان داریم وعلوم انسانی خاصی را براساس آن به وجود می آوریم. ماتصور درستی از علوم انسانی- اسلامی نداریم، ما روی این قضیه کارنکردیم. باید افرادی باشند که فکر کنند واین مطلب را گسترش دهند وآن را به نقد بگذارند ودر سطح بین المللی این مسائل را مطرح

نمایند ماباید مجلات به زبانهای دیگر داشته باشیم. بسیاری از این بن بستها ناشی از مبانی غلط علوم انسانی غربی است اگر انقلاب یک بعد سیاسی و مختص به ظواهر و شعارها شود جامعه مبدل به جامعه‌ی اسلامی نمی شود و دانشگاه پیوند منطقی با اسلام و انقلاب اسلامی پیدا نمی کند.»

یکی از وظایف اصلی و اساسی مدیریت دانشگاهها و دانشجویان و اساتید متعهد نظارت بر کارکرد تعداد محدود اساتید غیرمتعهد است. مدیریت دانشگاه ها باید بیدار و هوشیار م، نظارتی دقیق بر کار اساتید داشته باشد تا اگر خدای ناخواسته در گوشه کنار، سخنانی معترضانہ گفته و شنیده می شود، جلوی آن گرفته شود.

« سپردن ذهن و روح و دانشجوی جوان و مسلمان به دست فرهنگ رفتگان خود باخته که حداکثر هنر آنان کپی برداری از سنت های فرهنگی و اجتماعی بیگانگان می باشد آن هم با حربه از کار افتاده، استفاده از تخصصها، چیزی جز آسیب پذیر ساختن سازمان دفاع فرهنگی جامعه اسلامی در برابر مادی گرایی غرب نخواهد بود.»

۱-۳-۲- رسالت دانشگاه در مقابل تهاجم

رسالت دانشگاهها و نظام آموزشی عالی برای مقابله با تهاجم فرهنگی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- تربیت نسلی انقلابی و اسلامی
- حاکم کردن ارزشهای اسلامی بر دانشگاهها
- پشتیبانی از تحقیقات و پژوهش، پژوهشگران و اساتید.
- نظارت با کار اساتید در اداره کلاسها و پر کردن کلاسهای دانشگاه.
- نظارت دقیق بر جزوات ارائه شده به دانشجویان از لحاظ محتوا و کمیت و کیفیت علمی.

امام راحل رحمته الله در این باره می فرماید:

« از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسأله ی مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاهها است که به واسطه ی اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می گذرم. باید ملت غارت شده بدا نند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه ی مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاههای بوده است. اگر دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت جوانان اشتغال داشتند هرگز میهن مادر حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی رفت و هرگز

قراردادهای خانه خراب کن برملت محروم وغارت زده تحمیل نمی شد وهرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی شد وهرگز دودمان پهلوی ووابسته های به آن، اموال ملت را نمی توانستند به غارت ببرند ودرداخل وخارج پارک ها وویلاها برروی اجساد مظلومان بنا کنند وبانک های خارجی رازدسترنج این مظلومان پرکنند وصرف عیاشی وهرزه گیری خود وبستگان خود نمایند. اگر مجلس ودولت وقوه قضائیه وسایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی وملی سرچشمه می گرفت ملت ماامروز گرفتار مشکلات خانه برنداز نبود.... ووصیت من به جوانان عزیز دانشگاهها این است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور وملت خودشان مصون باشد.»

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز می فرمایند:

« انسان در بعضی بخش های دانشگاه مشاهده می کند که متأسفانه کتا بهاخلیلی فاصله دارند ازآنچه که باید باشد فرض بفرمایید دربخشهای حقوقی این است، در خیلی از بخشها این جور است.»

« دانشجویان هرگز نباید در مسائل انقلابی سردی کنند. البته این امر شیوه های دارد ونمی توان با دستور و حکم این روحیه را حفظ کرد.»

« مدیر ودانشجویان واستادان باید اصالت را به اسلام بدهند ورعایت احکام اسلام را بکنند. ارزشهای اسلامی در دانشگاه مورد مسابقه قرار بگیرند.»

« دانشگاه باید تلاش علمی وتحقیقی خود را با روحیه ی انقلابی ونشاط اسلامی دنبال کند وگرنه سرنوشت آنها بهتر از دانشگاههای دوران طاغوت نخواهد بود که در آن خود باختگی علمی دربرابر بیگانگان وتحقیر ارزشهای خودی راه را برجوشش استعدادها می بست ومغزهای مستعد را هم به گریز ازمرز وبوم خود تشویق می کرد.»

گفتار دوم: نقش مراکز آموزشی و کانون خانواده

۲-۱- ایجاد محیطی سالم و نظارت دقیق بر کار آموزشی مهدکودکها و مدارس و مراکز آموزشی

ازامور بسیار با اهمیت وسرنوشت ساز مسأله ی مراکز تعلیم وتربیت از کودکستان ها تا دانشگاهها است.

« تربیت را باید از مهد کودک ها وقبل از دبستان آغاز کرد وتا پایان دبستان به آن اهتمام داشت. تا وقتی کودک شکل فرهنگی خود را می گیرد وقبلاً واکسینه شده باشد. برای مقابله ی اساسی باتهاجم فرهنگی بایستی به این نکته مهم اشاره کنم وآن ضرورت توجه به امر ساخت

از کودکی در این محیط شکل می گیرد. کودک در این دوران موجودی است کاملاً وابسته به خانواده و انعطاف پذیر که شخصیتش تکوین نیافته و آماده هرگونه شکل پذیری است. لوح ضمیر کودک همچون آینه شفاف است که به سهولت نقش نیک و بد را در خود می پذیرد و می تواند مورا پرهیزکار و یاتبهکار، مرد زندگی یا اجتماع، سعید یا شقی بار آورد.

پیامبر ﷺ می فرمایند: وقتی انسان صالح و نیکوکار شد خداوند به واسطه صالح بودن او فرزند و فرزندزادگانش را نیز نه صلاح خواهد آورد.

در این میان مادران بیشترین و موثرترین نقش را در صلاح و فساد دختر و پسر به عهده دارند، چرا که زمینه های تربیت و پرورش طفل حتی قبل از تولد آغاز می شود و در واقع سعادت و شقاوت کودک در رحم مادر پی ریزی می شود.

امام راحل رحمته الله در این باره می فرمایند:

"نقش زنان در عالم از ویژگی خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقلال و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند، می تواند بالعکس آن باشد."

"تهاجم فرهنگی مشکل جدی و فوری جهان سوم و به خصوص جهان اسلام است که باید جهان سوم و جهان اسلام خود را برای مقابله با آن آماده کنند و این امکان پذیر نیست مگر با خود سازی از داخل خانواده."

مبارزه با گسیختگی خانواده روش موثر دیگر با تهاجم فرهنگی می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: "هیچ بنایی در اسلام مقدس تر از بنای خانواده نیست."

غرب در طول دوران استعماری خود به یلری متخصصان خود فروخته، عوامل استحکام خانواده را بررسی کرده و آنها را یکی پس از دیگری تخریب نموده است. از هم گسیختگی خانواده یک هنجاری شناخته شده است و باید با آن مبارزه گردد. افزایش سطح سواد والدین، جلوگیری از ازدواج های تحمیلی، تقویت مراکز مشاوره جهت راهنمایی افراد در انتخاب همسر مناسب، و ازدواج های صحیح، آشنانمودن زن و مرد نسبت به حقوق خود در زندگی مشترک، آگاهی به زوجین در زمینه ایجاد ارتباط درست با یکدیگر و آشنا نمودن افراد جامعه به اهداف اسلامی ازدواج و ارزش های صحیح تربیتی از عوامل مهم جلوگیری از گسیختگی خانواده هاست.

«تهاجم فرهنگی مشکل جدی وفوری جهان سوم وبه خصوص جهان اسلام است که باید جهان سوم وجهان اسلام خود رابرای مقابله با آن آماده کنند واین امکان پذیر نیست مگر با خودسازی از داخل خانواده.» مبارزه با گسیختگی خانواده روش مؤثر دیگر مبارزه باتهاجم فرهنگی می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: هیچ بنای دراسلام مقدس تر از بنای خانواده نیست.»

آگاهی نمودن افرادنسبت به نقشه شوم استعمار درارتباط با تضعیف خانواده ها عا مل مهم دیگری در استحکام بخشیدن به خانواده ها می باشد.

اگر محیط خانواده به کانون امنیت وآسایشی برای فرزندان مبدل شود وپدر ومادر درآن با فرزندانشان پیوند دوستی برقرار نمایند. آنان نیاز ها وکاستی ها ی مادی ومعنوی خویش را باوالدین درمیان می گذارند ودرنتیجه گروههای منحرف نخواهند توانست آنها را در دام فریب خود بیفکنند.

این مهم برآورده نخواهد شد مگرآنکه پدرومادر خود را مسئول بدانند وحقوق همدیگر را مراعات کنند واحترام یکدیگر راپاس بدارند. دوران بلوغ ونیازهای جوانان، یعنی حرمت طلبی واحترام خواهی وا لگوجویی، سامان خواهی و پیشرفت گرایی رادرک کنند و بدانند که درقبل آنان چه وظایفی دارند ورفتاری که ایشان درخانه و احیاناً فیلمی که میبینند ویا نواری که گوش می دهند چه تأثیری برنونهالانشان دارد.

در این میان وظیفه ی دولت در جهت حفظ کانون خا نواده ها، سامان دادن به امورا قتصادی است. به صورتی که خانواده ها برای امرارمعاش ناچار از داشتن چند شغل نباشند وبتوانندضمن نظارت وهمیاری با فرزندان، ارتباط عاطفی وکلامی باآنان برقرارنمایند، هم هیچ ترویج وابلاغ معارف دینی وتشویق مردم است.

برپایی فرهنگ وشعایراسلامی وا همیت دادن به دستورات قرآنی وائمه معصومین علیهم السلام اولین قدمی است که باید درمبارزه با تهاجم وشبیخون فرهنگی ازطرف ملت مابرداشته شود. حضور در مساجد واحیای سنتهایی چون اعتکاف در مساجد وغباررویی از آنها باعث خواهد شد که مردم به خصوص جوانان درصدد خودسازی وبازگشت به هویت فرهنگی - ملی ودینی خود برآیند. فرهنگ اسلامی به عنوان یک فرهنگ حقیقت گرا که متکی بر ارزشهای با بها وذی قیمت است درجای جای زندگی انسان پیش بینی های لازم را کرده است ودر هر زمان عباد تهای خاص قرارداده است. عباد تهایی چون نماز وروزه ونمازعیدین به طور که حتی شادی های انسان را هم باعبادت درآمیخته، نه آن که شادیها رامنع کند، بلکه هماهنگ

بارزشهای و لای انسان کرده است. بنابراین اگر ملتی با واقعیت اسلام آشنا شود آنچنان عاشق آن خواهند شد که دیگر نمی توانند از آن دست بردارند.

بنابراین کافی است که جنبه های مختلف دین اسلام را به مردم نشان دهیم و آنها را با زیباییهای آن آشنا سازیم. تا دیگر از هیچ هجومی بیمی به دل راه ندهیم.

۲-۳ - ارائه‌ی الگوی کامل و جامع و جهت‌دار کردن برنامه‌های صدا و سیما در مسیر

رشد معنوی جامعه

ارائه‌ی الگوی جامعه و کامل یکی از وظایف اصلی صدا و سیما می باشد. گاهی اوقات هنرپیشه ها و گویندگان ظواهری دارند که به حقیقت در شأن و منزلت یک انسان مسلمان نیست. جوانان ما نیز به واسطه‌ی غریزه‌ی الگو طلبی از آنها پیروی می کنند.

یکی از عوامل موفقیت در الگوسازی برای جوانان استفاده از جنبه های مثبت افرادی چون ستاره های ورزش‌سینما می باشد. چرا که جوان سعی در شبیه سازی خود با افرادی دارد که مورد علاقه اش می باشند. منعکس کردن اخلاق و کردار پسندیده این افراد، زمینه ای برای احیاء ارزش های اجتماعی و مذهبی خواهد بود.

اگر قبل از الگوسازی به دنبال الگوهای فرهنگ های دیگر برویم این مسائل همان از خویشتن‌گریزی است و برای فرهنگ ما خطرناک است. باید نمونه های ملموسی از الگوهای خود را مشخص کرده و به جامعه ارائه کرد آنگاه فرد می تواند انتخابگر شود.

« اگر متولیان فرهنگ کشور همت کنند. باطراحان مبتکر و هنرمندان و نقاشان و خطاطان خودمان می توانند چندین لباس برای گروه های مختلف سنی جداگانه و مطابق فرهنگ و مذهب و سنت ایرانی طراحی کند و تولید کنندگان را موزب کند که از آن الهام گیرد و به طور جدی از تقلید طرح های بیگانه دست بردارند.

نکته مهم دیگر این است که برای جذاب تر شدن و مؤثر بودن فیلم های تلویزیونی اولاً تولید کنندگان، نویسندگان و کارگردانان این برنامه ها باید به هدف نهایی آگاهی کامل داشته باشند و به صورتی عمل کنند که به هدف خود برسند، و پس از پایان کار تمام خواسته های اولیه که موجب طرح چنین برنامه هایی شده تحقق یابد.

یک عامل برای دست یابی به چنین هدفی آن است که بازیگر شناخت کامل داشته و به نقشی که ایفا می کند ایمان داشته باشد. در آن موقع است که این بازی می تواند اثرات خود را بر بیننده بگذارد. برای مثال ایفاگر نقش عمرو عاص در سریال زیبا و مؤفق « امام علی - علیه

السلام- می گوید: «درست است که عمروعاص شخص نابکاری بوده ولی من به عنوان یک نفرده سیاست مدار وفکور به اواحترام می گذارم سعی کردم به خوبی حق او را دریافای نقش او ادا کنم.» و اگر این سریال توانست اثرات شگرفی در بینندگان ایجاد کند، تنها به آن خاطر بود که بازیگران با مطالعه و عشق و علاقه کار می کردند.

یکی از نظرات ارایه شده در دومین کنگره ی سراسری انجمنهای اولیا و مربیان کشور این بود که چراخانم های محجبه در نقشهای پایین و گاهی بی ارزش و در عوض خانم های آراسته در نقش زنهای فهمیده و کارآمد ظاهر می شوند. این هم نکته بسیار ظریفی هست که دست اندرکاران صدا و سیما باید بدان اهتمام داشته باشند.

رهبر معظم انقلاب -حفظه الله تعالی- میفرماید:

«هدف این است که با صداوسیما را به اوجی برسانیم که برنامه های مطلوب با بهترین کیفیت ها در جهت رسوخ دادن و نفوذ دادن اندیشه ی اسلام ناب در زندگی مخاطبان باشد تا به حد کمال برسد. یعنی از اول صبح یعنی از اول پیچ رادیو را باز می کند و از آن ساعتی که برنامه های تلویزیون شروع می شود تا آخر شبیک یک برنامه هایش باید این خصوصیات را داشته باشد حتی آرم برنامه ها حتی موزیک فیلم ها و برنامه های گوناگون، حتی چهره ی گویندگان و مجریان که دیده می شود، حتی لحن کلام گویندگانی که صدایشان شنیده می شود، تک تک برنامه ها نباید از محدوده این خصوصیات خارج باشد، لذا کار مهم است.»

در برنامه های اخیر صدا و سیما که سعی شده از مظاهر سنتی و ملی استفاده شود. به خوبی شاهد نتایج آن هستیم. چرا گلیم و جاجیم ایرانی و وسایل حصیری ساخت شمال ایران جای خود را در خانه ها باز کرده است.

آشنا کردن جوانان با عظمت فرهنگ اسلامی یکی دیگر از وظایف صداوسیما است. نسل سوم انقلاب باید دریا بد که چه امکانات با لقوه ای دارد باید به عظمت فرهنگی خود واقف شود و باید بدانند ما بهمین فرهنگ توانسته بودیم به پیشرفتهای عظیمی برسیم. او باید بداند که اگر می گویند ما عقب مانده ایم، شاید چنین باشد ولی حقیقت آن است که اگر عقب مانده هم باشیم، عقب مانده و عقب نگه داشته شده از اصل خود هستیم.

تبلیغات صداوسیما به جای توسعه ی مصرف برای گسترش تقاضا و ایجاد رونق اقتصادی باید احیا کننده ی مفاهیم چون قناعت، صرف جویی، دوری از اصراف و تبذیر، توصیه کننده به امر خیر، احیاگر وقف و نظر و تلاش برای رفع مشکلات مادی و معنوی مسلمانان باشد.

«صدا و سیما مسئولیت آموزش عمومی و ارشاد فرهنگی و سیاسی و تبیین مبانی اسلام و مقابله با توطئه‌های تبلیغاتی دشمن را با بهره‌گیری از هنر اصیل و سالم بر عهده دارد.»

«محصولات فرهنگی تولید شده در مقیاس وسیع و بسیار سرعتی فوق العاده زیاد و با هزینه‌های بسیار کم توزیع شده و در دورترین نقاط در خانه‌ها دریافت می‌گردد. و کنترل چندان‌ی نیز روی این مبادله نمی‌توان داشت و به عبارتی هیچ نوع برخورد انفعالی کارساز نخواهد بود برای دفاع از ارزشها و فرهنگ خود و با استفاده از همین ابزار اقدام به ارائه فرهنگ خود نموده و درواقع با ارائه صحیح و وسیعی ارزشها و اعتقادات است که می‌توان محدوده‌ی یک فرهنگ را گسترش داده و از نفوذ فرهنگ بیگانگان جلوگیری کرد.»

«رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیاد دارد و هم در تبلیغات صحیح.... این دستگاه و تمام مطبوعات این طور است متها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است. اهمیت رادیو و تلویزیون از همه بیشتر است، این دستگاهها، دستگاههای تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه تربیت شود یک دستگاه عمومی است. دانشگاهها، موضعی است، این یک دانشگاه عمومی است. یعنی دانشگاهی است که در تمام نقاط سطح کشور گسترده است.... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام اقشار ملت را روشن کند. تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر باریاورد تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آزادنش با بی آورد، از غرب زدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد. این از همه چیزهای در این دستگاه است مهمتر است و وظیفه دارد که با مردم محکم معلم و شاگرد داشته باشد. اشخاص نویسنده، اشخاص گوینده اشخاص فهیم، اشخاص مطلع در این جابجاست بکنند. فرصت به آنها بدهند در این جابجاست بکنند، زیادند اشخاصی که پیشنهاد معلمی را می‌کنند. به اینها باید فرصت بدهند. به جای آن چیزهای که به درد ملت نمی‌خورند یا مضر به حال ملت است. یک چیزهای مفید به مردم بدهند و یک غذای مفیدی به مردم بدهند مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح و سالم.»

باید بتوا نیم آن قدر فیلم مناسب تولید و آماده و بهره‌برداری کنیم و چنان این فیلم‌ها جذاب و مایه دار باشند که قدرت نظا می را از دشمن به طور کامل بگیرد بنابراین «تلویزیون و رادیو در صورت استفاده‌ی بهینه، وسیله‌ی دفع تهاجم و به ویژه برنامه‌های ماهواره می‌تواند باشد.» تولید گسترده‌ی برنامه‌ی جذاب تلویزیونی و ویدیویی به صورتی که علاوه بر تغذیه‌ی داخل کشور به مصرف صادرات هم برسد می‌تواند عاملی مؤثر برای مقابله با تهاجم فرهنگی باشد. «حیات آرمانی فردا و زندگی جهانی آرمان گرایانه فردا، به اقتدار تصویری است. باید ا

اقتدار تصویری پیدا کرد، باید اقتدار تبلیغاتی پیدا کرد، پیوند ارزشهای جهانی انقلاب و صمیمیت ولایت، رهبر فرهیخته، بادلها و کانون های احساس جغرافیایی وسیع محرومان در گرو یک اقتدار تصویری برومند و بلند مرتبه است.

۲-۴ - هماهنگی دستگاه های تبلیغی نظارتی غذایی و گسترش عدالت اجتماعی برای

مقابله علمی با تهاجم فرهنگی

یکی از قدمهای اصلی در مقابله با تهاجم فرهنگی، تحقق عدالت اجتماعی است. هر نظامی برای اداره کشورش نیازمند امکانات مالی است و باید در یک سازماندهی منطقی و متأثر از ارزشهای اجتماعی، نظام مالیاتی مشخص را سازمان دهی نماید

امام راحل رحمته الله در این باره می فرماید: « قانون مالی اسلام که اساس حیاط کشور بر آن است چنان چه در پیش تر دیدیم به طوری وصل شده است که هر چه کشور اسلامی رو به ترقی گذارد مالیات آن تضاعف ترقی می کند چنانچه از مراجعه به قانون خالصه جات مطلب واضه شود و یک همچون قانونی که چنین کشتی دارد و خود به دنبال احتیاجات بزرگ می شود. قابل نسخ نیست بلکه برای همیشه و برای همه ی کشورها وضع شده است.»

هماهنگی همه دستگاه در تبلیغ و مقابله با تهاجم فرهنگی یکی از ارکان اصلی در مقابله با این تهاجم می باشد. تبلیغ منسجم و هماهنگ، نفوذ پیام و ابهت آن را سرچندان می کند.

اندیشه های که در ابلاغ کلام و نظر، دچار چندگانگی و تشتت می شوند، ناچار هر لحظه انتظار ضربات سختی را از طرف مقابل دارند. اظهار نظرهایی نا هماهنگ و احیاناً نسنجیده از سوی ارگان های مختلف مربوط به تبلیغ در یک کشور، موجب فرسایش قدرت دستگاه تبلیغات و درگیر شدن اجراء و صرف نیروی آنان در خنثی سازی یکدیگر می شود..

«تجدید نظر در مباحی کلیات و سیاستهای تبلیغی-ترویجی نظام و سرمایه گذاری گسترده در جهت ایجاد هماهنگی و یکدستی در سیاستهای تبلیغی و ترویجی تحت نظارت مرکزی که مستقیماً از طریق مقام معظم رهبری یا نمایندگی ایشان اداره گردد.»

«اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده رئیس جمهور و رؤسای جمهوری ما بعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود از نظر اسلام و عقل محکوم و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت

عمومی ومقالات ومصالح کشور حرام است وبر همه ی مسلمانان جلوگیری از آن واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود واز آنچه درنظر شرع حرام وآنچه بر خلاف مسیر ملت وکشور های اسلامی ومخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است ،به طورقطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می باشند و مردم وجوانان حزب الهی اگر برخورد به یکی از ا مور مذکور نمودند به دستگا ههای مربوط رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی کردند خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند متعال مدد کار همه باشند.»

یکی از وظایف دولت دربرابر جوانان ایجاد اشتغال وفراهم نمودن امکانات تفریحی سالم می باشد.

« قشر جوان احتیاج با تفریحات سالم دارند. برای اویجادامکانات تفریحی ضروری است.»

بانگاهی کشورهای چون ژاپن دراشتغال به کار افراد جامعه ی آن، متوجه یک قضیه جالب می شویم که جذب کار شدند همراه کار زندگی نمودن موجب شکفتن قوه ی خلاقیت ودوری از بی برنامهگی ولغویات وتن پروری است به هر حال مسئله ی اشتغال به کار از امور مهم در قضیه ی مقابله با تهاجم فرهنگی است .

« درمقابله باتهاجم فرهنگی بایدزمینه وشرايط پذیرش القای تهاجم فرهنگی راشناخت و برنامه ی جامع در جهت خنثی نمودن آن اجرانمود .در مورد جوانان که هدف اصلی تهاجم هستند عواملی ازقبیل بیکاری وکمبود زمینه اشتغال، به تأخیر انداختن امر ازدواج وکمبود برنامه های متناسب برای پر کردن اوقات فراغت می توانند زمینه ی رسوخ الگوهای فرهنگی باشند.»

همسویی تمام نهادهای فرهنگی کشور وضرورت تحول در تمام ارگانهای آموزش اعم از آموزش وپرورش و سایر مراکز آموزش عالی.

یکی دیگر از حرکت های که می تواند بسیاری از اوخده ها وتوطئه های جهان خوران رادراین عرصه ی تهاجم فرهنگی در هم بکوبد،خصلت «مردمی بودن»کارگزاران نظام است. اگر مردم ومسئولان دو گروه جدا از هم باشند،مسئولان در بسیار ی از قضاوتها و اظهار نظر ها وتصمیم گیریها ، در اشتباه افتاده،طرحهایش دچار خدشه خواهد شد ومردم نیز نسبت به او ونظام بدبین خواهند شد.

«اگر فلان مسئول شناخته شده ای با هزار ویک دلیل غیر موجه استفاده از ساختمان لوکس در شمال شهر را توجیح نمی کرد،امروز شهرداران قادر بودن به کمک همان قاضی از

بناها و کاخهای چندصد میلیونی که به قیمت بی‌خا نمایی و گرسنه ماندن هزاران جوان مسلمان و متعهد تمام شده است جلوگیری به عمل آورند و موال به غارت این مردم محروم، توسط عده ای مفت خور و طماع و پیر مدعارابر گردانند.»

امام راحل رحمته الله در این باره می‌فرمایند:

«ما (بحمدالله) امروز همه دست اند رکازهایمان کاخ نشین نیستند، دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست، آن آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه ی دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای ناخواسته از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند (خدای ناخواسته) و از این خوی ارزنده ی کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که مابرای کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینی ها خیلی صدمه خوردیم مجلس های ما مملو از کاخ نشین بود و در بینشان محدودی بودند که از آن کوخ نشین ها بودند. و همین معدودی که از کوخ نشینها بودند از خیلی از انحرافات جلوگیری کردند و سعی می کردند برای جلوگیری آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشند چطور زرق و برق دنیا (خدای ناخواسته) در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرماید:

«روحانیون به تقوا، به ورع و به بی‌اعتنایی به دنیا در چشمها شیرین شدند. بدون ورع، بدون دور انداختن دنیا نمی‌شود در چشمها شیرین ما ند.»

«بدین ترتیب اعمال و رفتار کسانی که امروز در جایگاه والا و مقدس مسئول و کارگذار نظام اسلامی انجام وظیفه می‌کنند، تأثیر تبلیغی مثبت و یا منفی بسیاری زیادی برای اسلام و جمهوری اسلامی دارد. آنان باید همچون مردم در تمامی مسائل و مشکلات جامعه حضور فعال داشته و در محل کار نیز هیچ مانعی بین آنان و ملت رنج کشیده نباشد. اگر مردم و مسئولان دو گروه جدا باشند، مسئولان باید در بسیاری از قضا و تنها به اشتباه خواهند رفت و مردم نیز نسبت به آنان و نظام بد بین خواهند شد.»

زهد گرایی مسئولان و رهبران جامعه قدمی در جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی است، هم از بعد فردی و هم از بعد اجتماعی. با زهدگرایی علاوه بر اینکه مسئولان خود را از انحراف باز می‌دارند، زمینه‌ای خواهند شد برای هدایت جوانانی که از یک طرف هدف اصلی تهاجم بوده و از طرف دیگر به دلیل خصوصیت آرمانگرایی

وعدالت طلبی، مسئولان را زیر ذره بین داشته و از هیچ مسأله ای مثل بی عدالتی و رفاه طلبی کارگزاران آزرده خاطر نشده و نومید نمی گردند.

بدیهی است برای مبارزه با این مشکل، قوه ی قضاییه باید آن چنان قاطع عمل کند که دیگر هیچ کس به خود اجازه ندهد به ثروت اندوزی نامشروع بپردازد و به این طریق اتحاد مردم و مسئولان مابیش از پیش مستحکم گردد و مردم و نظام را از خود بدانند و با چنگ و دندان از آن دفاع کنند..

« از این قرار عدم دخالت ملت، از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می باشند، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آیه، و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.»

بدین ترتیب وظایف دستگاههای اجرایی و قضایی را در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- پیوند هر چه بیشتر مسئولان با مردم
- انتقادپذیری مسئولان
- اصلاح نظام اداری
- مبارزه با ثروت اندوزی کارگزاران نظام
- ایجاد عدالت اجتماعی.
- توجه بیشتر به امور فرهنگی.
- توجه بیشتر به اشتغال جوانان، و ایجاد امکانات تفریحی سالم برای اوقات فراغت آنان
- اتخاذ سیاست های اقتصادی نویم متناسب با فرهنگ خودی
- هماهنگی همه ی دستگاهها در تبلیغ و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب^۱

گفتار چهارم: نقش جوانان برای مقابله با تهاجم فرهنگی

برای مبارزه با تهاجم فرهنگی، همه باید کمک کنند و در این زمینه نقش نوجوانان و جوانان جدی تر و اساسی تر است، زیرا آنان هدف های اصلی برای تهاجم فرهنگی هستند. جوانان و نوجوانان عزیز با تکیه بر ایمان و آگاهی می توانند سد هایی نفوذ ناپذیر در برابر هجوم فرهنگی دشمن ایجاد کنند. توجه به نکات زیر در این مبارزه و رسیدن به پیروزی یاری گر آنان است.

۱ . عباس فیروزی، بنانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، ج ۱، فم، انتشارات شکوفه یاس، سال ۱۳۸۹، ص ۱۵۷.

- ۱- شیوه ها و روش های نفوذ و هجوم دشمن رابه خوبی بشناسند، دشمن شناسی شرط لازم دشمن ستیزی است.
- ۲- خود را به ایمان و علم مجهز و مسلح کنند. خودسازی معنوی، تهذیب نفس، پاکی و صفا، تکیه بر عبادت و در یک کلمه پیوند عمیق و استوار با پروردگار و درکنار آن مطالعه و مستمر و ژرف بسیار سازنده و نگاه دارنده است.
- علم و آگاهی به زندگی معنی و جهت می بخشد و انسان را در هجوم تند بادهای مقاوم و پایداری می کند. امام علیه السلام در این زمینه می فرماید:
 « زندگی زیر چتر علم و آگاهی آن قدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته ها آن قدر خاطره آفرین و پایدار است که همه ی تلخی ها و ناکامی های دیگر را از یاد می برد. »
- ۳- در محافل و مجالس ایمان بخش و دانش افزا شرکت کنند؛ به ویژه در پایگاه های ارزشمند دینی مانند مسجد که سلامت دین و ایمان را تضمین می کنند.
- ۴- در تنگناهای روحی و تردیدها و تشویق های فکری با صاحب نظران و صاحبان اندیشه مشورت کنند و برای پرسش های خود پاسخ درست و منطقی بیا بد. از انباشت پرسش ها، به ویژه پرسش هایی که به جهان شناسی، خداشناسی و دین شناسی مربوط است، بپرهیزند. خوشبختانه منابع مفید، معتبر و مناسب مکتوب و غیرمکتوب برای پاسخ یابی در دسترس است که با اندک کوششی می توان از آن ها بهره گیری کرد.
- ۵- به نوجوانان و جوانانی که در معرض خطر قرار دارند با همان شیوه های مطلوب و تأثیرگذار کمک کنند تا راه را بیا بند و به دام انحراف و تباهی نیفتند.
- ۶- در دوست یابی و ارتباط با دیگران بسیار مراقب باشند و جانبه احتیاط را از دست ندهند. عامل بسیاری از انحراف ها دوستان منحرف و نابابی هستند که گاه به تدریج و با شیبی ملایم فرد رابه سمت گناه و سقوط می کشانند. باید دوستان را برگزید که نه تنها آهنگ رشد انسان را متوقف نکنند که به آن شتاب بخشند.
- ۷- خود را برای فردا و ساختن فردایی بهتر و برتر آماده کنند. تمام ا بتکار و توان خود را به کار گیرند تا جامعه ای فردا پیشرفته تر و بالنده تر باشد. ما باید تصویری درخشان، زنده و پویا عرضه کنیم تا دیگران ما را متهم نکنند که نمی توانیم یا مکتب

و فرهنگ مایاسخ گوی نیاز امروز نیست یا توانایی ساختن تمدن در جهان امروز را ندارد.

بنابراین، بیش از گفتن و افتخار کردن به فرهنگ و دین خود، کوشش کنیم تصویری عینی و عملی عرضه کنیم. می دانیم که دین ما دین ایمان و عمل صالح است. عمل صالح امروز ما ترسیم تصویری مثبت و جذاب از مکتب و فرهنگ دینی و ملی است و این مهم تنها با اندیشه های بیدار و بازوان توانای نسل جوان و نوجوان میسر است.

۸- بصیرت خود را بکارگیریم. بصیرت و هوشیاری کاراترین سلاح در مقابل دشمن است. امیر المؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: « آگاه باشید که شیطان حزب خود را گردآورده و سواره ها و پیاده های خود را فراخوانده است، اما من بصیرت (آگاهی) خود را همراه دارم.» اگر ما بصیرت و هوشیاری خود را به میدان بیاوریم، رنگ ها و نیرنگ های دشمن را خوب خواهیم شناخت و با همان بصیرت، روش ها و شیوه های مناسب، همراهان و امکانات مناسب را به کار خواهیم گرفت.

باید دانست روش ها و شیوه های تهاجم فرهنگی چنان پیچیده و مرموزانه است که شناخت آن کار ساده ای نیست. دشمن همیشه آشکار و روشن به میدان نمی آید. او اها دسیسه و پنهان کاری است. گاه در چهره ی دوست می آید، گاه دوستان را به سربازان خود تحویل می کند و گاه پیشرفته ترین و جدی ترین ابزار را برا پیشبرد اهداف خود به کار می گیرد. یادمان باشد که خداوند در آخرین سوره ی قرآن، دشمن را «خناس» معرفی می کند و خناس یعنی بسیار رونده و آینده؛ وقتی از پنجره اش برانی، از در می آید، از دربرانی، از روزنه ها به درون می آید و کار او آن است که در سینه ها و قلب ها وسوسه کند. (الذی یوسوس فی صدور الناس) پس مراقب قلب خود و دیگران باشید تا جویانگاه شیطان نشود و به تعبیر قرآن خود، خانواده و جامعه ی خویش را از آتش هستی سوز هجوم فرهنگی دشمن حفظ کنیم.^۱

راهکارهای پیشنهادی

- ۱- حمایت از تولیدکنندگان داخلی
- ۲- جلوگیری از قاچاق بی رویه
- ۳- نظارت بر گمرک و کالاهای وارداتی

۱. محمدعلی دیباجی و دیگران، پرسشهای امروز جوانان، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۳، صفحه ۱۱۹ الی ۱۲۱

۴- تبلیغ کالاهای ایرانی اسلامی

۵- نظارت بر قیمت های ایرانی - اسلامی در مقابله با محصولات خارجی

نتیجه

مسئولیت مقابله با تهاجم فرهنگی به گروه یا نهاد یا قشر خاصی اختصاص نارد برالی کسب موفقیت و حفظ اصالت و ارزش های اسلامی مهمترین نهادهایی که می توانند ضامن سلامتی اجتماع شوند کانون خانواده و سازمان آموزشی مثل مدارس، مهدکودک ها و... می باشند که لازم است مورد کنترل واقع گیرند تا به اشاعه ی آموزه های دینی و ضدغرب پردازند.

فصل دوم:

راهکارهای برون مرزی

مقدمه

یکی از راههای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب این است که از موضع تدافعی خارج شده و به صدور فرهنگ غنی اسلامی پردازیم. مبارزه با تهاجم فرهنگی در اقصی نقاط جهان اسلام با وحدت و یکپارچگی مسلمانان و تولیدات داخلی امکان پذیر است. مسلمانان می توانند با تقویت فعالیت های فرهنگی سیاسی سفارتخانه ها به مقابله ی سریع و مؤثر و نتیجه بخش دست یابند.

گفتار اول: تقویت فعالیت های سفارت خانه ها

۱-۱- تقویت فعالیتهای فرهنگی - سیاسی سفارت خانه ها

سفارت خانه ها به عنوان پایگاه نمایندگی فرهنگی اسلامی - ایرانی نقش حایز اهمیت و در معرض این فرهنگ پویا و نشر آن خارج از مرزهای ایران اسلامی دارند. یکی از راه های مقابله با تهاجم فرهنگی غرب آن است که ما از موضع تدافعی خارج شده و به صدور فرهنگ غنی اسلامی پردازیم. در این رابطه سفارتخانه ها نقش بسیار مهمی را می توانند ایفا کنند. امام راحل رحمته الله در این باره می فرماید:

« باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه ها نشریات تبلیغاتی داشته باشند و چهره ی نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند. که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ی ابعاد به آن دعوت کرده است از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم افتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر اسلام تا نهایت آن نظیر ندارد و نتوانسته اند این گوهر گران بها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراریند.»

« کارداران و سفرا در صورتی که وجودشان با اسلام و انقلاب عجین شده و به هیچ وجه تحت شرایط جاذبه های فریبنده غرب قرار نگیرند، می توانند پیام آور سیاست ما باشند. آنها با استفاده از مصونیت دیپلماسی و امکانات وسیعی که در اختیارشان

گذاشته می‌شود بانشر مقالات و کتب دعوت از آزاداندیشان می‌توانند مجال توطئه را بردشمن تنگ نموده و سفارتخانه‌ها را سنگر استواری برای دفاع از یکان انقلاب قرار دهند.»

وباز امام رحمته الله علیه می‌فرمایند:

«از مسائل مهمی که شماها (خطاب به اعضای نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی در خارج کشور) مثل ماها موظف به آن هستید این است که باعمل خودتان در آن جا با وضعیت ساکنان یا کارمندان، یا وضعیت اصل سفارتخانه و وضع سفارتخانه طوری باشد و طوری بکنید که با همین عمل به تدریج انقلاب شما صادر بشود به آن کشوری که در آن هستند. مسائل اخلاقی، یک مسائلی است که وقتی که یک کسی مقید به آن بود و دنیا لش بود این سرایت می‌کند و مردم به حسب طبیعتشان، به حسب فطرتشان می‌پذیرند فطرتها سالم است متنها تربیت‌ها ضایع می‌کند فطرت را.

شما باید خیال کنید خودتان که در یک مملکت وارد شدید و می‌خواهید این مملکت را مثل مملکت خودتان تربیت کنید و می‌خواهید اسلام را در آن جاهم صادر کنید. صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی، اعمال اسلامی، آن جا طوری باشد که مردم متوجه به آن بشوند. و از امور مهم، داشتن یک نشریه در هر سفارتخانه هست، نشریه، نه مثل نشریه‌های زمان طاغوت، نشریه، یک نشریه اخلاقی-اسلامی و در آن درج بشود مسائلی که در ایران گذشته است.»

گفتار دوم: گسترش ارتباط با کشورهای مسلمان و استفاده از تولیدات تصویری

آنها

اهمیت برقراری ارتباط با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای مسلمان برای برقراری فرهنگ اسلامی اسلامی در جوامع اسلامی و حتی جامعه‌ی ما بسیار زیاد است. چیزی که استکبار همیشه در جهت رسیدن به آنها اهتمام جدی داشته است و در عوض ما مسلمانان از آن غافل بوده ایم، همین ایجاد ارتباط با تعداد بیشتری از کشورهای دنیا بوده است.

«یک قدم اساسی برای مقابله با فرهنگ غرب، همکاری با کشورهای منطقه، ایجاد شبکه‌های ارتباطی مشترک تبادل فرهنگی و تولید محصولات مشترک برپایه‌ی مضامین تاریخی و فرهنگی مشترک است. برای آنکه تکنولوژی ارتباطات رنگ و بوی بومی بگیرد و در

خدمت آموزش و سازندگی باشد نه به معنای آکادمیک و کتابی آن بلکه براساس تجربه و یادگیری از یکدیگر برای حل مشکلات مشترک و بالاخره خلاقیت فرهنگی درآید.»

دربرخورد با جامعه ی غربی، خطر تأثیر فرهنگ فساد آنها بسیار زیادتز از آن است که از تولیدات کشورهای اسلامی استفاده کنیم. چرا که تولیدات کشورهای اسلامی هرچه باشد، تا حدی رنگ و بومی اسلامی می دهد.

مبارزه با تهاجم فرهنگی در اقصی نقاط جهان اسلام با وحدت و یکپارچگی مسلمانان و تولید داخلی امکان پذیر است. اگر مسلمانان بتوانند غرب را وارد موضع تدافعی کنند تا حد زیادی غرب را از دست اندازی به فرهنگ های دیگر باز داشته و مشغول حراست از فرهنگ خود می کنند.

گفتار سوم: توجه به سازمان های بین المللی اسلامی

یکی از مؤثرترین گامها در جهت مقابله با تهاجمات بیگانه چه در حد بعد اقتصادی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی فعالیت روز افزون سازمان کنفرانس اسلامی است. این سازمان در سال ۱۹۶۹ میلادی با پیشگامی کشورهای ایران، مصر و مراکش تأسیس شد. سازمان کنفرانس اسلامی بعد از سازمان ملل متحد و جنبش عدم تعهد بزرگترین تشکل کشورهای جهان است. به ویژه آنکه این تشکل بزرگ دارای یک ایدئولوژی جهانی هم است. از طرف دیگر وسعت قابل توجه کشورهای عضو به اهمیت آن افزوده است. این کشورها حدود ۱/۳ از جمعیت جهان را هم شامل می شوند.

یکی از عوامل اصلی تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، آتش سوزی مسجد اقصی در سال ۱۹۶۹ به دست اسرائیل بود. همچنین شکست اعراب در نبرد ۶ روزه ی اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ زمینه ای شد تا اعراب و مسلمانان به این نتیجه برسند که برای حفظ ارزشهای دینی و پاسداری از حقوق مسلمانان مظلوم دیگر کشورهای اسلامی باید به یک همبستگی و همگرایی برسند.

به این ترتیب اهداف سازمان کنفرانس اسلامی برا بر اساسنامه مصوب اجلاس سوم وزرای امور خارجه که در سال ۱۹۷۲ در جده تشکیل شده عبارت است از:

- ۱- ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای اسلامی
- ۲- حمایت از همکاری فیما بین کشورهای عضو در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و سایر زمینه های مهم و مشاوره با کشورهای عضو سازمان بین المللی.

- ۳- تلاش برای محو تبعیض نژادی و استعمار در اشکال گوناگون آن.
 - ۴- اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از صلح و آرامش بین المللی براساس عدالت.
 - ۵- هماهنگ ساختن همه ی کوششها که به نظر حفاظت از اماکن مقدسه انجام می گیرد و حمایت از مبارزه مردم فلسطین برای باز پس گرفتن حقوق و آزادی سرزمین های خود.
 - ۶- حمایت از مبارزه کلیه ی ملل اسلامی که برای حفظ حیثیت، استقلال و حقوق ملی خویش قیام کردند.
 - ۷- فراهم کردن زمینه های مناسب برای افزایش تفاهم میان کشورهای عضو و کشورهای دیگر.
- دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی دارای کمیته های تخصص و مؤسسات و سازمانهای وابسته به دبیرخانه می باشد که این کمیته ها شامل: کمیته های دایمی قدس، کمیته ی دایمی مالی، کمیته ی دایمی همکاریهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، کمیته ی دایمی علمی و تکنیکی، کمیته ی اقتصادی، تجاری، کمیته ی دایمی اطلاعات و فرهنگی می باشد.
- سازمان پایتخت ها و شهرهای اسلامی (OICC) که اهداف آن عبارتند از:
- ۱- تقویت و توسعه ی همکاری میان پایتختهای اسلامی و حفظ هویت میراث تاریخی و شهرها.
 - ۲- تقویت خدمات عمومی شهرها از طریق انجام دیدارهای مقابل و انجام تحقیقات.
 - ۳- مطالعه کارشناسی میان پایتختهای اسلامی و یافتن زمینه های گسترده تر برای اجرا رساندن طرحهای سازنده فرهنگی و اجتماعی .
- این سازمان یکی از نهادهایی است که می تواند عامل برای همکاری متقابل و اتحاد کشورهای اسلامی باشد.
- عدم آگاهی کشورهای اسلامی از توانایی ها و امکانات یک دیگر از مشکلات این کشورها، درجهت تحکیم مناسبات است.
- ایجاد مناطق آزاد تجاری و بازارهای مشترک اسلامی یکی از راههای تحکیم این مناسبات فیما بین در کشورهای اسلامی است.
- «شیخ محمد شمس الدین رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان تأسیس مناطق آزاد تجاری و بازارهای مشترک اسلامی را مهم دانست.»

« سفیر سوریه در ایران گفت: اگر همه ی جهان اسلام یک صدا شوند ویرای تشکیل یک بازار مشترک اسلامی گام بردارند، می توان از آسیب پذیری بیشتر جهان جلوگیری کرد.»
تقویت بانک توسعه اسلامی یکی دیگر از گامهای اصولی در جهت نفی وابستگی کشورهای اسلامی است. این بانک یکی از مؤسسات تخصص سازمان است که پیشنهاد تأسیس آن در کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای عضو در کراچی در سال ۱۹۷۰ توسط پاکستان ارایه شد و به تصویب رسید.

«محمد سعد، سفیر تونس در ایران نقش سازمان کنفرانس اسلامی را برای حل اختلافات میان کشورهای اسلامی و دفاع از مقدسات اسلامی و توسعه همکاری میان کشورهای عضو این سازمان را مهم توصیف کرد و افزود این سازمان از طریق بانک ها و مؤسسات مالی خود تاکنون وامهای کلانی به کشورهای اسلامی تقدیم کرده و نهاد های آن به ویژه در کشورهای اروپایی فعالیت وسیعی برای معرفی اسلام و دفاع از مسلمانان عقاید اسلامی آنان انجام داده است.»
تقویت « شبکه ی علمی» سازمان کنفرانس اسلامی می تواند، گامی دیگر در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی غرب باشد. این شبکه که دستاوردهای علمی و فنی را به همراه اطلاعاتی از اندیشمندان مسلمان گردآوری می کند؛ جهت تقویت مبادله های علمی میان کشورها و انجام طرحها و برنامه های گوناگون و همچنین برگزاری گردهمایی های گوناگون علمی و فنی فعالیت می کند.

« عمر انگایه» سفیر سنگال در تهران گفت:

« برای تبلیغ ارزشهای اسلامی در سراسر جهان لازم است کنفرانس اسلامی موضوع تأسیس ماهواره ای مشترک را بررسی کند.»

« سعود الفیصل» وزیر خارجه عربستان گفت:

« در این اجلاس همکاری های ثمر بخش میان کشورهای اسلامی می شود، چهره ی واقعی اسلام را به جهانیان می شناساند و نقش اسلام را به جهانیان می شناساند و نقش اسلام را در محافل و مسائل بین المللی با تمدنهای گوناگون نمایان می کند.»^۱

۱. عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، انتشارات ظهور، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۸۸

نتیجه

هردولتی برای رشد و ترقی و رسیدن به اهداف خود باید با سایر ملل در ارتباط باشد ولی برای اینکه دولت های دیگر تحت تأثیر فرهنگ های غلط قرار نگیرد باید کنترل و نظارتی بر واردات و فعالیت های سفارت خانه ها و سازمان های بین المللی مربوط داشته باشند تا در عین ارتباط همه جا نبه به اهداف برسند.

فصل سوم:

روش و شیوه مبارزه با تاجم فرهنگی در قرآن و سنت

مقدمه

از آن جایی که ایران کشوری است اسلامی و دین اسلام برای هر ا مری قانون و چارچوبی خاص را معین کرده است پس برهر مسلمانی لازم است طبق منابع دینی خود عمل کند و تلاش کند ارز های اسلامی را در جامعه تبلیغ کند رعایت ضوابط دینی ضامن موفقیت جامعه در مقابله هجمه های دشمن است.

گفتار اول: مراعات ضوابط و آداب لباس پوشیدن

طریقه لباس پوشیدن مردان و زنان در جامعه اسلامی از جمله امور مهمی است که اگر موازین شرعی در آن رعایت شود بسیاری از گناهان و فسادها بعدی ایجاد می شود. مصدر «لبس» در غربی به معنی به اشتباه افتادن و چیزی را با چیز دیگر همانند پنداشتن و چیزی را به جای چیز دیگر گرفتن است و به معنی « شبهه و اشکال و عدم وضوح » آمده است. پس لباس وسیله ای است برای از نظر دوست داشتن شکل اصلی بدن و تغییر شکل دادن آن، و آن را به شکل و گونه ی دیگر در آورد و همانند با چیزی دیگر کردن و وسیله ای برای از بین بردن وضوح و مشخصات بدن، خداوند در قرآن مجیدی فرماید:

وَلَا يَدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبَنَّ خُمُرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ.....

« ای رسول، زنان مؤمن را بگو: زینت و آرایش خود به آن چه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و دوش خود را به مقنعه بپوشانند...»
در این آیه مراد از زینت، مواضع زینت است زیرا نفس آشکار کردن و ظاهر کردن وسایل زینت مثل دستبند و گوشواره حرام نیست بلکه آن چه حرام است ظاهر نمودن مواضعی از بدن است که آن را زینت می کنند.

این امر ونهی که از طرف خداوند تبارک و تعالی صادر شده است از جمله دستورات اخلاقی است که مراعات آن در جامعه ی اسلامی گذشته از این که باعث ایجاد روح تقوی در انسان می شود عامل حفظ صحت و سلامتی جامعه از امراض روحی و فسادهای گوناگون نیز است.

اگر در جامعه ی اسلامی زنان مسلمان خود را ملزم به رعایت این دستورات اخلاقی بنمایند در آن صورت تهاجم فرهنگی دشمنان اثری نخواهد داشت. مردان نیز بایستی در پوشیدن لباس، رعایت آداب اسلامی را بنمایند و از پوشیدن لباسهایی که باروح فرهنگ اسلامی منافات دارد خودداری می نمایند. همین تفاوت میان مرد و زن است که دین مبین اسلام نسبت به رعایت حجاب اسلامی از طرف زنان بیشتر تأکید کرده و برای حفظ سلامتی جامعه اسلامی به طور صریح آن در قرآن مجید بیان فرموده است.

تمام تلاشها، برنامه ها، تبلیغات در جامعه اسلامی بایستی حول این مسأله دور بزند که هرچه بیشتر زنان نسبت به وظایف دینی خود آگاه نمایند تا ایشان آگاهانه خود را ملزم به در رعایت دستورات اخلاقی اسلام در مورد حجاب اسلامی بدانند. اگر چنین شد آن جامعه از هر گونه آسیب فرهنگی دشمنان در امان خواهد بود» بایستی توجه کنید هیچ بحثی در زمینه های مربوط به پوشش زن، متأثر از هجوم تبلیغاتی غرب نباشد زیرا اگر متأثر از آن شد خراب می شود.

۲- برتر دانستن فرهنگ خودی و احیای آن

از جمله عوامل مؤثر در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان، برتر دانستن فرهنگ خودی است. اگر برتر بودن فرهنگی خودی یعنی فرهنگ اسلامی در برابر سایر فرهنگها در میان جوانان پذیرفته شود، در آن صورت هجوم فرهنگ بیگانه، اثری نخواهد داشت. قرآن مجید در آیات مختلف به مسلمانان تذکر می دهد که شما در صورت داشتن ایمان به خدا و رعایت قوانین اسلام نسبت به تمام انسانها برتر هستید ضمن سوره ی عمران آیه ۱۳۹:

« ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مومنین »

« شما مسلمانان نه هرگز در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناک باشید زیرا شما فاتح و پیروزمند ترین مردم و بلند مرتبه ترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان ثابت و استوار باشید.»

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه فرموده اند:

« شرق فرهنگ دارد، فرهنگ غنی دارد، کسی که فرهنگ غنی دارد چرا برود سراغ دیگران و از دیگران بخواهد فرهنگ بگیرد. دیگران هم به ما فرهنگ نمی دهند. نافرمانی می دهند. شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین و متمدنترین فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند.

۳- ترویج و ارتقاء فرهنگ جامعه

ارتقای فرهنگ جامعه موضوعی است کلی که شامل موارد زیادی از قبیل: ترویج فرهنگ کتاب خوانی، تحقیق و پژوهشهای علمی و دیگر مواردی که به نحوی با فرهنگ جامعه سروکار دارد، می شود. اصولاً جامعه اسلامی، جامعه‌ی است فرهنگی. در اولین آیاتی که بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده است، در آن پیامبر امر به خواندن و قرائت می شود. «اقرأ باسم ربك الذي خلق»

اولین آیاتی که بر پیامبر اسلام نازل شده است سخن از خواندن و تعلیم و نگارش است، امری که ارتباط مستقیم با فرهنگ یک جامعه دارد، درجای دیگر خداوند به قلم قسم می خورد. «ن والقلم وما يسطرون»

ارزش قلم و نگارش علم بحدی است که خداوند به قلم و آنچه که با آن می نویسند یاد می کند. باین اوصاف جامعه اسلامی به عنوان جامعه‌ی فرهنگی مطرح است. به همین دلیل باید بر روی مسائل فرهنگی جامعه بیشتر کارکرد تا جامعه، جامعه روشن، آگاه و بصیری باشد و در برابر هجوم فرهنگی دشمنان کمترین تأثیر را بپذیرد. پس باید فرهنگ کتابخوانی، مطالعه مطبوعات اطلاع از اخبار رویدادهای جهانی در جامعه رواج داد.

«جامعه ما به طبیعت، فرهنگی است. اما بالفعل نیست... یعنی از جنبه بینش ها و روشن بینی ها و آگاهیها و فعالیت های فرهنگی نقص دارد. به این معنا که اولاً مردم ما مثلاً کتابخوان نیستند و این نخواندن کتاب خیلی نقص بزرگی است. بسیاری از مردم ما حتی روزنامه خوان نیستند.»

۴- حاکم نمودن ارزشهای اسلامی در جامعه

یکی دیگر از راههای مقابله با هجوم فرهنگی دشمن حاکم نمودن ارزش های اسلامی در جامعه اسلامی است. ارزش و احترام قائل شدن برای ارزش های اسلامی از طرف مسئولین حکومت اسلامی سبب می شود افراد میل، به سوی این ارزشها پیدا نمایند. علم، ایمان، تقوی، جهاد، هجرت در راه خدا از جمله ارزشهایی هستند که باید در جامعه اسلامی حاکم گردد. «الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجه عندالله...»

«آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردن، آنها را نزد خدا مقام بلند است...»

یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوالعلم درجات...»

خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را در دو جهان ترفیع می گرداند....»

اگر در جامعه اسلامی ارزشهای اسلامی حکم فرما باشد دشمنان نمی تواند ضد ارزشها را در جامعه رواج دهند همچنین افراد فریب خورده در جامعه اسلامی نیز با مشاهده این مطلب آگاه شده و میل به ارزشهای اسلامی پیدا می کنند. ارج نهادن به ایثارگریهای جهادگران راه خدا و تقدیر از ایشان و حاکم نمودن روحیه ی انقلابی و زنده نمودن یاد و خاطره ی شهدای راه خدا در جامعه اسلامی سبب می شود، جامعه، یک جامعه زنده ایثارگر و با ایمان شود که در آن صورت هیچ توطئه ای برای از بین بردن آن کار نخواهد بود.

با مطالعه سیره نبوی (ﷺ) نیز به این موضوع پی می بریم که ارزشها در جامعه صدر اسلام به جهاد، علم، ایمان و تقوی بودن و هر که این ارزشها را داشت در تصدی پست ها و مسئولیت های حکومتی نیز در اولویت بود.^۱

نتیجه

اگر هر ملتی به آرزوهای دینی خود به طور دقیق عمل کند و فرهنگ اسلامی را بر سایر فرهنگ ها و آموزه ها ترجیح دهد قطعاً هجمه های دشمنان بی تأثیر خواهند بود پس برای این امر لازم است به ترویج فرهنگ کتابخوانی، تحقیق و پژوهشی که متناسب با دین اسلام و آموزه های اسلامی است پرداخته شود.

۱ . : عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، قم، انتشارات شکوفه یاس، بهار ۱۳۸۹ از ص ۱۹۹ الی ۲۱۴

نتیجه گیری

برای حفظ و احیای فرهنگ اصیل ایرانی و جلوگیری از گرایش بیشتر به الگوها و تبلیغات غربی باید در ابتدا شناخت صحیح نسبت به اسلام و دستورات اسلامی حاصل شود در این زمینه روشنفکران و عالمان دینی نقش به سزایی را ایفا می کنند. برای شروع این مقابله لازم است اصلاحاتی در برنامه های آموزشی، الگوی مصرفی، سیاست های داخلی و خارجی و... انجام شود به طوری که سنت های غلط که از تبلیغات غرب سرچشمه گرفته اند ریشه کن شوند و سنت های اصیل ایرانی - اسلامی جایگزین گردند جهت رسیدن به هدف خودباید تمامی ارگان ها از جمله دانشگاه ها، حوزه های علمیه، رسانه ها و... واردکار شوند و به ترویج و ارتقای فرهنگ جامعه ی خود پردازیم.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* صحیفه سجادیه

۱- ابراهیم زاده، حسین، غرب شناسی، چ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۸۹

۲- آشوبی، داریوش، مسائل و چشم اندازهای فرهنگ (مجموعه مقالات)، ترجمه: بهروز منتظمی، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۸۶

۳- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج اول، چ سوم، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۶

۴- _____ - _____ - ج ششم - چ اول - تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸

۵- _____ - _____ - ج سوم، چ اول، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۱

۶- _____ - _____ - ج هشتم، چ اول، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۱

۷- تقوی دامغانی، رضا، تأملات فرهنگی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نخیل، سال ۱۳۸۷

۸- سقازاده، محمد، کریم خانی، همزه، هجوم خاموش، چ هشتم، قم، انتشارات عطر یاس، سال ۱۳۹۱

۹- رزاقی، ابراهیم، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، چ اول، تهران، انتشارات چاپ بخش، سال ۱۳۷۴

۱۰- روازاده، حسین، بهداشت تغذیه ازدیدگاه حکمای پزشکی ایرانی، چ سوم، تهران، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، سال ۱۳۹۰

- ۱۱- دیباجی، محمدعلی، پرسش های امروز جوانان، ج چهارم، چ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه، سال ۱۳۹۳
- ۱۲- خدادای، جمشید، پانزده روز تا سلامتی، چ دوازدهم، تهران، مؤسسه نشر شهر، سال ۱۳۹۲
- ۱۳- طهماسبی، احمد، شبیخون فرهنگی، چ هفتم، قم، انتشارات یاقوت، سال ۱۳۹۱
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین، سنن النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)، مترجم: لطیف و سعید راشدی، چ اول، تهران، انتشارات وحدت بخش، سال ۱۳۸۳
- ۱۵- طباطبایی، ملک، مبانی نظری معماری، چ اول، تهران، انتشارات فاطمی، سال ۱۳۹۰
- ۱۶- عیال دار، لیلا، اهمیت الگوپذیری از سیره ی معصومین (علیه السلام) در تربیت انسان، سال ۱۳۹۲
- ۱۷- فیاض، ابراهیم، مهندسی فرهنگ عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب نشر، سال ۱۳۹۲
- ۱۸- فیروزی، عباس، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چ اول، قم، انتشارات شکوفه یاس، سال ۱۳۸۹
- ۱۹- قدوسی زاده، حسن، نکته های ناب، ج چهارم، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر معارف، سال ۸۷
- ۲۰- گودرزی، فاطمه، مبانی قرآنی اندیشه های اصلاح گرایانه امام خمینی- رحمه الله علیه- درمقایسه با سید جمال الدین اسد آبادی، چ اول، مؤسسه چاپ و نشر عروج، سال ۱۳۸۳
- ۲۱- مارکوس هستین، پیترولیوس، معماری اسلامی، مترجم: اکرم قیطاسی، چ، تهران، انتشارات مهر، سال ۱۳۸۸
- ۲۲- مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، چ ۱۰، تهران، انتشارات صدرا، سال ۱۳۸۸
- ۲۳- فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، شماره ۱۸، قم، پاییز ۱۳۸۹
- ۲۴- فصلنامه مطالعات را هبردی جهانی شدن، انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، شماره هشتم، چ چهارم، تابستان ۱۳۹۲
- ۲۵- سایت اطلاع رسانی حوزه، پیام زن، شماره ۲۱۲، آبان ۸۸
- ۲۶- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله اندیشه صادق، شماره ۹۰۸، علیرضا نوری، تاریخ ۱۳۸۷ / ۴ / ۶

۲۷- سایت تبیان، بخش تغذیه و آشپزی

۲۸- سایت خبرگذاری رسمی حوزه، مقاله سید محمد مهدی موسوی، تاریخ ۲۴/

۱۳۹۲/۱۰